مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

پیوند آسمانی

ویژه ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س)

سید احمد حبیب نژاد

بسم الله الرحمن الرحیم

پیوند آسمانی

نویسنده:

احمد حبیب نژاد

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پیوند آسمانی

مشخصات کتاب

سرشناسه : حبیب نژاد، احمد

عنوان و نام پدیدآور : پیوند آسمانی/احمدحبیب نژاد ؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما .

مشخصات نشر : قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری : ۱۴۲ ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۵۴۷

شابک : ۵۰۰۰ ریال ۹۶۴-۰۹۳۸۳۵-۱-۴

یادداشت : عنوان دیگر: پیوند آسمانی (ویژه ی ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام)

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۳۹ - ۱۴۲.

عنوان دیگر : پیوند آسمانی (ویژه ی ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام)

موضوع : فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.

موضوع : Ali ibn Abi-talib, Imam I

موضوع : زناشویی (اسلام)

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۵۸/۵/ح۱۷۴پ۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۲۵

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۴۱۷۵۳

اشاره

فهرست مطالب

ص:۴۰

ص:۷

دیباچه

دیباچه

آدمی از تنهـایی و انزوا بیزار است و ازدواج، پاسـخی مناسب به این نـدای درونی است. در این میان، ازدواج، مهم ترین حادثه ی زنـدگی است که در رستگاری و رسـیدن انسـان به قله های خوشـبختی، نقش راهبردی دارد. با این حال، اگر این هـدیه ی الهی به انحراف کشیده شود، خود به سدّی در برابر کمال خواهی انسان تبدیل خواهد شد.

آموزه های گسترده ی اسـلام با نگرش نوین و واقع گرایانه و با ارایه ی رهنمودهایی راه گشا، عطر خوش این پیوند مبارک را به مشام حق جویان می رساند و آنان را در رسـیدن به آرمان های والای انسانی و تشکیل کانونی پر مهر و انسان ساز یاری می کنـد و هماره الگوی ارزنـده ای را فرا روی آدمیان نهاده است. نمونه های متعالی هم چون ازدواج پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وسلم با خدیجه کبرا علیهاالسلام و ازدواج امیرمؤمنان علی علیه السلام با زهرای اطهر علیهاالسلام به عنوان راه کاری عملی و فارغ از هر گونه شعار، بسترسازی فرهنگ صحیح ازدواج در جامعه ی اسلامی است.

ویژگی های ارزنده و مانای پیوند ای دو گلِ سرسبد آفرینش همانند: سادگی، بی آلایشی، محبت و مهربانی و هم دلی، عبرت ها و درس های فراوانی دارد. آنان از بهترین بندگان خدا و ارزنده ترین جایگاه اجتماعی

بهره مند بودند، ولی هیچ گاه از این امتیازها برای تجمل گرایی و بهره مندی از مادیات استفاده نکردند.

هر چند امروزه بشر با تکیه بر عقلانیت، به پیشرفت هایی در علم و تکنولوژی دست یافته است، ولی با تخریب نهاد خانواده و افتادن در ورطه ی اسراف و تبذیرها، خود را از رسیدن به قله های نور محروم ساخته است.

این پژوهش که به همت پژوهشگر ارجمند جناب آقای سیداحمد حبیب نژاد نگارش یافته است، می کوشد با استفاده از آموزه های اصیل اسلام، به تنویر افکار عمومی بپردازد و با یادآوری بخشی از مشکلات و انحراف ها در این زمینه، توشه ای فرا روی برنامه سازان برای غنا بخشیدن به برنامه های صدا و سیما باشد. با سپاس از ایشان، امید است برای خوانندگان و پژوهشگران عزیز سودمند افتد.

«انّه ولی التوفیق»

اداره کل پژوهش مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

«ای مردم! بترسید از پروردگار خود، آن خدایی که همه ی شما را از یک تن بیافرید و هم از آن، جفتِ او را خلق کرد و از آن دو تن، خلقی بسیار از مرد و زن در اطراف عالم برانگیخت.»(۱) در میان روابط گوناگونی که بر جامعه ی انسانی حاکم است، ازدواج، کامل ترین و شاید قدیمی ترین نوع رابطه میان زن و مرد است که جنس انسان را تشکیل می دهند.

گفت و گو درباره ی این پیوند انسانی، دیرینه ای کهن دارد و تا کنون در زمینه ی مسایل اجتماعی، حقوقی، عاطفی و دیگر جنبه های ازدواج، بحث های گسترده ای مطرح شده است. ما نیز در این پژوهش تلاش داریم تا با نگرشی دینی و اسلام ــ البته به اندازه ی توان خود ــ نگاهی هر چند اجمالی به این امر مقدّس داشته باشیم.

در قسمت اول، به آیین و رسوم زناشویی در برخی مذاهب، ملت ها و مناطق گوناگون جهان، نگاهی کوتاه می افکنیم و با گوشه ای از این آداب و رسوم آشنا شویم.

در قسمت بعدی، با تکیه بر آیات و روایات معصومین علیهماالسلام ، دیدگاه ناب دین اسلام را درباره ی ازدواج بررسی می کنیم.

۱- نساء، ۱.

در قسمت دیگر، به بررسی سیر تاریخی کامل ترین و مقدّس ترین ازدواج در طول تاریخ بشری؛ یعنی پیوند زناشویی سیّد الاوصیاء حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام و حضرت فاطمه الزهرا علیهاالسلام می پردازیم و با جست و جو در منابع معتبر اسلامی، مراحل گوناگون این «پیوند آسمانی» را بیان می کنیم؛ پیوندی که همه نور و سرور بود و هنوز پس از صدها سال، خواندن آن واقعه، طراوت و جانی تازه به انسان می بخشد و می تواند درسی آموزنده باشد.

هر چند کوشیده ایم تا به اندازه ی توان خود و در حد امکان با استفاده از منابع معتبر، بحث ها را به پیش ببریم، ولی با این همه ــ به ویژه در بخش بیان پیوند مقدّسِ دو گل سرسبد هستی، حضرت امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهاالسلام ــ به تقصیر خود معترف بوده و معتقدیم که «آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید».

به امید آن که این نوشتار مورد قبول و رضای حضرت حق و انوار مقدّس معصومین علیهماالسلام قرار گیرد، ان شاء اللّه .

بخش اوّل: چگونگی ازدواج در اسلام

اشاره

بخش اوّل: چگونگی ازدواج در اسلام

زیر فصل ها

فصل اوّل: ازدواج در ادیان و ملت های گوناگون

اشاره

فصل اوّل: ازدواج در ادیان و ملت های گوناگون

زیر فصل ها

ازدواج در مکتب برهمایی و بودایی

ازدواج در میان یهودیان

ازدواج در میان مسیحیان

ازدواج در ایرانِ پیش از اسلام

ازدواج در اعرابِ پیش از اسلام

تعریف ازدواج

تعریف ازدواج

ازدواج، واژه ای متداول و رایج است که همه ی افراد _ به تفصیل یا اجمال _ معنای آن را درک می کنند. با این حال، تعریف های گوناگونی درباره ی ازدواج صورت گرفته است که هر یک از آن ها به جنبه های متفاوتی از ازدواج اشاره می کنند. اینک به آن ها می پردازیم:

ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن، ازدواج را «عمل تنظیم روابط میان دو جنس مرد و زن» می داند و آن را به عنوان «اتحاد یک جفت زن و مرد برای بهبود و پیشرفت نسل آینده» تعریف می کند.(۱) این تعریف، از این زاویه به ازدواج می نگرد که خاستگاه و محل تولید نسل انسانی است.

۱- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۷.

منتسکیو؛ جامعه شناس مشهور اروپایی در کتاب روح القوانین، سرچشمه ی ازدواج را در این امر می داند که شوهر ناچار است هزینه ی زندگی فرزندان خود را فراهم کند و این وظیفه به وسیله ی عقد ازدواج برای او مسلّم می شود.(۱) به دیگر سخن، وی ازدواج را امری اقتصادی تعریف می کند که اگر جنبه ی الزام شوهر به تأمین زندگی فرزندانش منتفی شود، ازدواج ویژگی و هدف دیگری ندارد.

شماری، ازدواج را قرارداد رسمی برای برقراری ارتباط جنسی بین یک زن و یک مرد به طور مشروع و قانونی تعریف کرده اند.(۲) آشکار است که آنان در تعریف خود تنها به جنبه ی ارضای جنسی نظر داشته اند. برخی حقوق دانان نیز ازدواج را این گونه تعریف کرده اند: «ازدواج رابطه ای است حقوقی و عاطفی که به واسطه ی عقد بین زن و مرد حاصل می شود و به آن ها حق می دهد که با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این رابطه، حق تمتّع جنسی است».(۳)

در کتابهای فقهی، تعریف خاصی از ازدواج صورت نگرفته است، ولی در زبان فقهی به ازدواج، «نکاح» گفته می شود. نکاح(۴) از ریشه ی «نَکَحَ ـ یَنْکَحُ» و در لغت به معنای «تقابل» است؛ چون در زبان عرب، هرگاه دو کوه در برابر یکدیگر قرار گرفته باشند، می گویند: «تناکح الجبلان؛ دو کوه در

۱- روح القوانین، ص ۶۲۹.

۲- ازدواج در اسلام، حجازی، ص ۳۱.

۳- حقوق خانواده، محقق داماد، ص ۲۲.

۴- حقوق خانواده، محقق داماد، ص ۲۱.

برابر هم قرار گرفته اند».

از مجموع این تعریف ها می توان چنین برداشت کرد: «ازدواج عبارت است از ایجاد علقه و رابطه ای بین زن و شوهر تا در پناه آن بتوانند نیازهای ضروری و غیرضروری یکدیگر را تأمین کنند و براساس آن، حقوقی و تکالیفی را عهده دار شوند».

ازدواج در اقوام و تمدن های اولیه

ازدواج در اقوام و تمدن های اولیه(۱)

برای شناخت جایگاه ازدواج و ویژگی های آن در میان هر قوم، ملت و تمدنی، باید به ارزش و مقام زن در آن ملت و تمدن پرداخت. در بیشتر ملت های عصر باستان، زن موجودی شرور و شیطانی به شمار می آمد که «دارای نفس ناطقه نیست و هرگز به بهشت راه نخواهد یافت.»(۲) در بعضی مناطق، حتی به زن نزدیک نمی شدند و آن را به عنوان کالا خرید و فروش می کردند.(۳) در یونان قدیم، مردان، همسر خود را می خریدند و زن پس از ازدواج همیشه مجبور بود خانه نشین باشد و تنها در موارد ضروری حق داشت از خانه بیرون برود.(۴) هم چنین قرض دادن زن مرسوم بود و مرد، زن را مانند کالا به مردی دیگر قرض می داد.(۵) در کلده و بابل، زنان را مانند

۱- بیشتر آداب و رسومی که در این بخش می آید، در قرن های گذشته، رواج داشته و به مرور زمان، معتدل تر شده است.

۲- اخلاق جنسی، ص ۱۱.

۳- ازدواج در آستانه ی علم، ص ۳۳.

۴- ازدواج در آستانه ی علم، ص ۶۴.

۵- جمال و کمال زن، ص ۶۵.

دیگر کالاها می فروختند. آنان همه ساله بازاری برپا می کردند که در آن، دخترانی را که به سن ازدواج می رسیدند، می فروختند.(۱)

«در تمدن بابلی، روابط جنسی پیش از زناشویی را تا حد زیادی مجاز می شمردند. زنان و مردان می توانستند پیش از ازدواج، آزادانه با یکدیگر ارتباط داشته باشند. در واقع، این کار نوعی ازدواج آزمایشی به شمار می رفت. هرگاه یکی از دو طرف می خواست، می توانست رشته ی این ارتباط را قطع کند».(۲)

در آمریکای جنوبی، رسم بر این بود که مردان کهن سال، دختران کم سن و سال را به همسری بر گزینند و پسران جوان با زنان بسیار مسن تر از خود ازدواج کنند.(۳)

حتی در بین اسکیموها، طایفه هایی هستند که بچه های خود را پیش از این که به دنیا آیند، به ازدواج یکدیگر در می آورند.(۴) همانند چنین کاری را برخی بومیان هندوستان انجام می دهند. آنان، دخترانی را که هنوز در گهواره هستند، شوهر می دهند یا به نامزدی مردان بزرگسال در می آورند. هم چنین زنان بالغ را به پسران کوچک، شوهر می دهند.(۵)

در آفریقا، ارزش زن و ازدواج آن قدر پایین بود که اگر اشخاصی از

۱- نظام خانواده در اسلام، ص ۹۲.

۲- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۲۸۹.

۳- ازدواج در آستانه ی علم، ص ۲۸.

۴- ازدواج در آستانه ی علم، ص ۲۸.

۵- ازدواج در آستانه ی علم، ص ۲۸.

طبقه ی متوسط می خواستند زن بگیرند، باید ۱۰ تا ۱۲ رأس چهارپا را به ازای همسر آینده(!) به خانواده ی دختر می دادند. اگر خواستگار، رییس قبیله بود، باید ۵۰ رأس حیوان اهلی می آورد.(۱) گفتنی است حتی ازدواج قسطی نیز وجود داشت. در بعضی اقوام آفریقای مرکزی، اگر مردی آن قدر فقیر بود که نمی توانست بهای یک دختر را بپردازد، ممکن بود با به دست آوردن رضایت پدر دختر، بهای زن را به اقساط پرداخت کند. با این حال، بچه هایی که در این مدت به دنیا می آمدند، از آن پدرزن بود. بنابراین، داماد برای این که بچه های خود را از پدرزن بازخرید کند، باید یک ماده گاو به او می داد.(۲)

در هندوستان، دختر را از ۵ سالگی شوهر می دادند و هیچ موجودی را پست تر از زن شوهر مرده نمی دانستند.(۳) در برخی اقوام نه تنها حقی برای همسر قایل نبودند، بلکه «مرد می توانست زن را بکشد یا بفروشد».(۴) در روم، شوهر حق داشت همسرش را بفروشد. هم چنین با مرگ شوهر، زن نیز همراه ارثیه به فرزند وی یا به وارث متوفی می رسید.(۵) در آمریکا، زن فقط در خانه بود و حق سخن گفتن با غیر از خویشاوندان نزدیک خود را نداشت. شوهر می توانست با یک کلمه، زن را طلاق دهد و سر از تن

۱- ازدواج در آستانه ی علم، ص ۵۷.

۲- ازدواج در آستانه ی علم، ص ۶۰.

۳- نظام خانواده، ص ۹۲.

۴- جمال و کمال زن، ص ۱۲.

۵- جمال و کمال زن، ص ۱۰.

همسر (!) خویش جدا کند.(۱) در ژاپن، ازدواج به وسیله ی فروش یا ربودن همسر رواج داشت.(۲)

در چین، کودک علت و باعث وجود خانواده بود. پیش از ازدواج، مردان آن قدر آزاد (و بی قید و بند) و زنان آن چنان مقید بودند که فرصتی برای آشنایی پیش نمی آمد. مجرد ماندن برای مردان حتی روحانیان، ناپسند و در حکم جنایتی نسبت به نیاکان و دولت و ملت بود. ازدواج با خویشاوندان معمول نبود، ولی همسر می بایست از خانواده ای کاملاً آشنا باشد... تهی دستان بیش از یک زن نمی گرفتند، ولی ثروت مندان می توانستند چند زن داشته باشند. جامعه به کسی که می توانست از چند زن نگه داری کند، به دیده ی اعتبار و احترام می نگریست.(۳)

ازدواج در مکتب برهمایی و بودایی

ازدواج در مکتب برهمایی و بودایی

در این بخش می کوشیم دیدگاه های ادیان و مکتب های گوناگون را درباره ی ازدواج بیاوریم. گفتنی است شاید دیدگاه ادیان مورد بحث درباره ی ازدواج، تحریف شده باشد و خبر و دیدگاه های اصیل آن نباشد؛ زیرا بسیاری از اندیشه ها و باورهای دین هایی مانند یهود و مسیحیت و ... دستخوش تحریف گشته است. در این بخش، به ازدواج در مکتب برهمایی و بودایی می پردازیم.

۱- جمال و کمال زن، ص ۱۱.

۲- ازدواج در آستانه ی علم، ص ۶۳.

۳- تاریخ تمدن، ج ۱، صص ۸۵۴ _ ۸۵۶.

این مکتب ها بر تهذیب نفس و ریاضت کشیدن بسیار پای می فشارند و محور همه ی آموزه های آنان، ریاضت کشی است. آنـان، خود را از همه ی نعمت های دنیوی به ویژه ازدواج محروم ساخته انـد. پژوهش گران، یکی از نقطه ضـعف های مکتب بودا را «کم بها دادن به زنـدگی خانوادگی و زن»(۱) عنوان کرده و گفته اند: «گرایش اصـلی در اخلاق و دین بودایی، منفی، سرکوب گرانه، توأم بـا سـکوت و خاموشـی، فردی و غیر اجتمـاعی است».(۲) یکی از بزرگـان بودایی گفته است: «فرزنـدان، ثروت و خویشاونـدی را فراموش کنیـد.»(۳) همین انـدیشه هـا سـبب گردیـد طلاب آیین برهما در هندوسـتان، در تمام مـدت تحصـیل، پـاک و پرهیزکـار باشـند ــ پاکی به معنای دوری از ازدواج ــ و حتی اشـخاص مجرد به دلیل تقدسـی که یافته انـد، همیشه مورد احترام مردم بودند.

این رسم در مکتب بودا نیز پـذیرفته شـده است. یک عضو جامعه ی بودایی باید از نعمت ازدواج چشم بپوشد تا اسـیر هواهای نفسـانی نگردد. چنین فردی نبایـد از موضوع هایی که زنان در آن دخالت دارنـد، سـخن بگویـد. بر اساس آموزه های مـذهب بودا، شـهوت پرستی بـا عقـل و دین کاملاًـ منافـات دارد. آنـان می گوینـد: «مرد عاقل بایـد ازدواج راماننـد چاهی پر از آتش سوزان و شعله ور بداند و از آن پرهیز کند».(۴) آنان برای این که به رهبر

۱- ادیان زنده ی جهان، ص۱۲۴.

۲- ادیان زنده ی جهان، ص ۱۰۶.

۳- ادیان زنده ی جهان، ص ۱۰۶.

۴- ازدواج در آستانه ی علم، ص ۳۲.

خود ــ بودا ــ تقدس ببخشند، داستانی ساخته اند به این مضمون که: «مادر بودا، پاک ترین و بهترین دختر بشر بود (چون شوهر نکرده بود) و قوای مافوق طبیعت سبب شدند او آبستن شود و بودا را به دنیا بیاورد».(۱) حتی برخی پیشوایان مذهب بودایی در جزیره ی سیلان، هیچ گاه به زن نزدیک نمی شوند، چه برسد به ازدواج و انتخاب همسر.

با توجه به دیدگاه بودا درباره ی زن که زن را مایه ی ناپرهیزکاری مرد می داند، ازدواج در این مکتب، هیچ اهمیتی ندارد. گفتنی است یکی از پرسش های آنان از فرد داوطلب برای ورود به این مکتب این است: «آیا تو مرد هستی؟ آیا از جنس مذکر هستی؟»(۲) هرچند بعدها زنان نیز به این مکتب راه یافتند، ولی «موقعیت آن ها آشکارا پایین تر از مردها بود».(۳)

ازدواج در میان یهودیان

ازدواج در میان یهودیان

در دین یهود از آغاز تاکنون، تکثیر نسل، امری بااهمیت بوده است و یهودیان همواره می کوشیدند بر شمار پیروان خود بیافزایند. بنابراین، دین یهود، «ازدواج را از ۲۰ سالگی اجباری ساخته بود».(۴) ویل دورانت می گوید: «ملت کوچک یهود پیوسته آرزوی آن را داشت که عدد افرادش افزایش پیدا کند».(۵) در آیین یهود، شوهر همه کاره به شمار می آمد و فرمان «هوه» به زن

۱- ازدواج در آستانه ی علم، ص ۳۲.

۲- ادیان زنده ی جهان، ص ۱۱۰.

۳- ادیان زنده ی جهان، ص ۱۱۰.

۴- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۸۸.

۵- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۸۸.

شوهردار این بود که: «چشم تو باید به شوهرت باشد و او بر تو حکومت خواهد کرد».(۱)

اختیار ازدواج دختر به دست پدر بود و او «معمولاً ـ حق داشت بدون جلب رضایت دختران، آن ها را به هرکس که بخواهد، شوهر دهد. حتی اگر فقیر بود، می توانست دختران خود را پیش از بلوغ به عنوان کنیز بفروشد».(۲)

هرچند ازدواج در دین یهود اساس خانواده بود، ولی این امر سبب نمی شد که یهودیان، همسران خود را مانند اقوام بدوی با خرید و فروش به دست نیاورند.(۳) تعدد زوجات نیز جایز بود و هر فردی با توجه به وضع مالی خود می توانست چند زن بگیرد. «چون برادری می مرد، بر برادر دیگر واجب بود که حتی اگر زن هم داشته باشد، زن بیوه ی برادر خود را به زنی اختیار کند».(۴) هدف از این کارها، افزایش نسل بود و «به زن اجازه داده نمی شد که بی کار بنشیند و فرزندی نیاورد».(۵)

زنی که چند فرزند زاییده بود، محترم شمرده می شد، ولی به دختران بی شوهر یا زنان نازا به دیده ی تحقیر می نگریستند. سقط جنین، کشتن فرزند و راه های جلوگیری از بارداری، از کارهای نفرت انگیز به شمار می آمد. هم چنین، وقتی مردی ازدواج می کرد، باید «پدر و مادر را رها

۱- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۸۸.

۲- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۸۸.

۳- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۹۱.

۴- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۹۱.

۵- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۹۱.

می کرد و به قبیله ی زن می پیوست».(۱) البته انـدک انـدک این رسم به کلی از میان رفت. هم چنین جایگاه سازمان اجتماعی خـانواده و ازدواج در میان قوم یهود این گونه باقی نمانـد و پس از آغاز انقلاب صـنعتی معاصـر، جایگاه آن به شـدت کاهش یافت.

ازدواج در میان مسیحیان

اشاره

ازدواج در میان مسیحیان

بحث ازدواج در دین مسـیحیت، دارای پیچیـدگی هـایی است. در درون این دین نسـبت به ازدواج و احکام آن، دیـدگاه های گوناگونی وجود دارد، به گونه ای که گاهی، آن را پلید و گاهی، مقدس دانسـته اند. در آغاز گسترش مسیحیت، زنان دارای هیـچ منزلتی نبودنـد. مسـیحیان بر این بـاور بودنـد که «فرشـتگان هنگـام اجرای مراسم نمـاز بـا دیـدن زنـان از عبـادت بـاز می مانند».(۲) هم چنین زن را «شـرّی ضـروری، وسوسه ای طبیعی، مصـیبتی مطلوب، خطری خـانگی، جـذبه ای مهلـک و آسـیبی رنگارنگ»(۳) معرفی می کردند.

ویژگی مهم این دوران، تشویق به همسـر نداشـتن است. «تجرد هم چون آرمانی توصیه می شد. ازدواج تنها به عنوان وسیله ای برای جلوگیری از لغزش جنسـی و وسـیله ای مضـحک برای ادامه ی نژاد تحمل می شد، ولی شوهران و زنان تشویق می شدند که از روابط جنسی خودداری کنند».(۴) پس

۱- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۸۸.

۲- تاریخ تمدن، ج ۳، ص ۶۹۸.

۳- تاریخ تمدن، ج ۴، بخش ۲، ص ۱۱۱۱.

۴- تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۷۰۰.

تنها برای گسترش نیافتن فحشا و زنا و حفظ نسل به ازدواج سفارش می شد وگرنه ازدواج به خودی خود هیچ ارزشی نداشت.

تجربه ی مذهبی، وسیله ی ریاضت کشیدن و تزکیه ی نفس انسان بود. آنان، تجرد را «تسکینی برای خدایی که در حال خشم و غضب است»(۱) می پنداشتند. در نظر آنان، زناشویی، عملی ناپاک و زشت بود. بنابراین، «پیشوایان مذهبی حتما باید از آلودگی های زناشویی خودداری می کردند»(۲) تا لیاقت این منصب را داشته باشند. «ترک علاقه از جنس زن تلاشی بود تا خود را در برابر افسون گری های زنان به طور کلی مصون سازند».(۳)

در نظام روحانیت مسیحیت، پاپ که بزرگ ترین مرجع دینی آنان است، از میان کسانی برگزیده می شد که شرط آلوده نشدن به زن را در همه ی عمر دارا بود. آنان می گفتند: «چون حضرت عیسی ازدواج نکرد و مجرد ماند، زناشویی، عملی پلید است. پس باید با پیروی از عیسی، همسر برنگزینیم تا هرچه بیشتر به او نزدیک تر شویم».(۴)

گفتنی است کم کم این باورهای تفریطی به فراموشی سپرده شد و به جای آن، نظریه های افراطی دیگری، پا به میدان نهاد. برای درک بهتر دیدگاه دین مسیحیت درباره ی ازدواج و جایگاه زن، بحث را به ترتیب زیر پی می گیریم:

۱- ازدواج در آستانه ی علم، ص ۲۹.

۲- ازدواج در آستانه ی علم، ص ۳۰.

۳- تاریخ تمدن، ج ۴، بخش ۲، ص ۱۰۵۹.

۴- اخلاق جنسی، ص ۹.

ازدواج در قرون وسطی و پیش از رنسانس

ازدواج در قرون وسطی و پیش از رنسانس

پیش تر دیـدیم که نه تنهـا ازدواج مورد تشویق کلیسا نبود، بلکه تجرد و بی زنی و بی شوهری تشویق می گردیـد. با این حال، در قرون وسطی یعنی پیش از رنسانس، وضعیت به کل دگرگون شـد. فحشا، شـراب خواری و فساد به صورت گسترده رواج یـافت، به گونه ای که «برخی زنـان احسـاس می کردنـد که می توان بـا طاعـات هفتگی، کفـاره ی گناهان جنسـی را داد».(۱) گستره ی این فحشا به گونه ای بود که در برخی شـهرها، انجام این اعمال زیر نظر مقامات شـهر، مجاز دانسـته شـد و «اجازه ی تأسیس مراکز فحشا از سوی اسقف وینچستر صادر گردید».(۲)

به دلیـل گسترش فحشـا و نابسامـانی اوضـاع اجتماعی و اخلاقی، ازدواج ـ برخلاف گذشـته ـ خیلی زود صورت می گرفت، حتی «یـک کودک ۷ سـاله می توانست نـامزد شود».(۳) بـدین ترتیب، دیـدگاه رهبران مسـیحی درباره ی تقـدّس تجرد، تغییر یافت. کمتر جوانی بود که در سن نوجوانی ازدواج نکرده باشد. هرچند کلیسا، ازدواج دختران کمتر از ۱۵ سال را ممنوع کرده بود، ولی آن قدر اسـتثنا قرار داده بود که قاعده ی اصـلی اجرا نمی شد. در این دوره، ازدواج بیشتر یک امر اقتصادی به شـمار می رفت و بسـیاری از ازدواج هـا برای آسان تر شـدن کار انتقال یا حفظ اموال صورت می گرفت. در واقع، «ازدواج امری بود جزئی که می بایست تابع مقتضیات مال و منال

۱- تاریخ تمدن، ج ۴، بخش ۲، ص ۱۱۰۶.

۲- تاریخ تمدن، ج ۴، بخش ۲، ص ۱۱۰۷.

۳- تاریخ تمدن، ج ۴، بخش ۲، ص ۱۱۰۸.

باشد».(۱)

کلیسا و حکومت، ازدواجی را که پس از زفاف، بدون تشریفات دینی و قانونی انجام می شد، به عنوان ازدواج معتبر می پذیرفت، «ولی پس از قرن ۱۲ میلادی، ازدواج هایی را که بدون تصویب مقامات روحانی صورت می گرفت، قانونی ندانست و مقرر داشت که در مراسم ازدواج باید یک نفر کشیش حضور داشته باشد.»(۲) کلیسا برای همه ی مراحل ازدواج از مراسم زفاف گرفته تا آخرین مرحله؛ یعنی وصیت زن و شوهر به یکدیگر، قانونی در نظر گرفته بود.

با این حال و با وجود نفوذ و قدرت گسترده ی کلیسا، «جامعه ی قرون وسطایی، جامعه ای بود به غایت هرزه و شهوت پرست و به قول «ادوارد فریمن»، قرن یازدهم عصر فسق است».(۳) این نکته آشکار است که اگر در جامعه ای، فحشا و بی بند و باری و آزادی جنسی رایج باشد، به ازدواج به چه دیدی نگریسته می شود؟

ازدواج پس از رنسانس

ازدواج پس از رنسانس

پس از قرون وسطی، دوره ی «رنسانس»(۴) رخ داد که در امور اخلاقی و

۱- تاریخ تمدن، ج ۴، بخش ۲، ص ۱۱۰۷.

۲- تاریخ تمدن، ج ۴، بخش ۲، ص ۱۱۰۹.

۳- تاریخ تمدن، ج ۴، بخش ۲، ص۱۱۱۰.

۴- رنسانس به طور خاص، به دوره ی تجدد و جنبشی گویند که در پایان قرون وسطی و آغاز قرون جدید قرن ۱۴ _ ۱۶ در اروپا به وجود آمد. (لغت نامه ی دهخدا، ج ۲۶، ص ۳۶).

ازدواج، دگرگونی ژرفی پدیـد آورد. کم کم دین از زندگی اجتماعی رخت بربست و همسـر اختیار نکردن که از آموزه های اصلی کلیسا بود، سست شد. حتی خود کلیسا و روحانیان مسیحی در پشت پا زدن به این امر پیش گام شدند.(۱)

به همراه رنسانس، جایگاه خود ساخته و فریبنـده ی زن ارتقا یافت. آنان برای نشانـدن این احترام و شأن تازه یافته(!)، تابلوهای نقاشی، مجسمه ها، کتاب ها و شعرها را از صحنه های مستهجن آکنده ساختند. دیگر قید و بندی نبود تا زنان عصر رنسانس را به عفت و پـاک دامنی وا دارد. همین امر به افزایش روزافزون کودکـان نامشـروع انجامیـد که «در هریـک از شـهرهای ایتالیای رنسانس یافت می شد.»(۲)

از دیگر ویژگی هـای این دوره، گسترش زنـای بـا محـارم و رنـگ بـاختن مسأله ی عفت دختران بود. به دلیل همین فسادها و تمایل نداشـتن جوانان عصـر رنسانس به ازدواج و تشـکیل خانواده، بر شمار فاحشه ها افزوده شد. «در سال ۱۴۹۰ در میان شهر ۹۰/۰۰۰ نفری رم، ۶۸۰۰ روسپی ــ فـاحشه ــ ثبت شـده وجود داشت. البته این رقم شامـل روسپیـان مخفی و غیر رسـمی نمی شد.»(۳)

در آن زمـان ازدواج امری مـالی بود. از این رو، مرد نمی خواست برای ارضـای جنسـی خویش، به ازدواج تن دردهـد. معمولاً خانواده ها در انتخاب

۱- تاریخ تمدن، ج ۵، ص ۶۰۴.
۲- تاریخ تمدن، ج ۵، ص ۶۰۷.
۳- تاریخ تمدن، ج ۵، ص ۶۰۸.

همسر نقش داشتند و جوان نیز در بیشتر موارد آن را می پذیرفت. «در قرن ۱۵ م، دختری که در ۱۵ سالگی هنوز شوهر نکرده بود، ننگ خانواده محسوب می شد، ولی در سده ی شانزدهم، سن ننگین به ۱۷ سال رسید.»(۱) مردان تنها در صورتی «مجذوب ازدواج می شدند که زن برایشان جهاز زیادی بیاورد».(۲) چون خانواده های بسیاری، توان تهیه ی این گونه جهیزیه را نداشتند، دختران بسیاری در سنین بالا، شوهر نکرده باقی می ماندند. هنگامی که دولت با مشکل افزایش شمار این گونه دختران روبه رو شد «نوعی بیمه ی جهیزیه دولتی به نام «صندوق دوشیزگان» تأسیس کرد که از آن، به دوشیزگانی که هرساله مبلغ کمی به عنوان بیمه پرداخته بودند، سرمایه ای برای تهیه ی جهاز می داد.»(۳)

هم چنین بی میلی جوانان به ازدواج، دولت را ناگزیر ساخت تا قانون هایی را برای رفع این مشکل وضع کند. در سال ۴۵۴ م، در «لوکا» فرمانی صادر شد که بر اساس آن، «همه ی مردان مجرد ۲۰ تا ۵۰ ساله را از مشاغل دولتی منع می کرد.»(۴) البته اگر هم ازدواجی سر می گرفت، آن قدر پرخرج بود که مرد مبلغ زیادی از سرمایه ی خود را از دست می داد.

یکی دیگر از ویژگی های ازدواج در آن دوران، این بود که زن پس از ازدواج، نام خانوادگی خود را حفظ می کرد. معمولاً بیشتر ازدواج ها برای

۱- تاریخ تمدن، ج ۵، ص ۶۱۰.

۲- تاریخ تمدن، ج ۵.

۳- تاریخ تمدن، ج ۵، ص ۶۱۱.

۴- تاریخ تمدن، ج ۵، ص ۶۱۱.

مصالح و منافع اقتصادی یا سیاسی صورت می گرفت. بنابراین، عشق واقعی میان زن و مرد وجود نداشت و بی وفایی و انتخاب زنان دیگر برای دوستی، امری عادی بود.

در ظاهر چنین گفته می شود که رنسانس سبب افزایش ارج و قربت زن شد و اروپا، آزادی کنونی زنان را مرهون منزلت یافتن زن در رنسانس است(!) در این باره باید گفت افزایش ظاهری جایگاه زن در عهد رنسانس، بیشتر به اشراف و شماری از زنان ثروت مند محدود می شود و «بیشتر زنان همین که لباس عروسی را از تن به در می کردند، به تحمل بارهای سنگین خانه داری و زحمت های شدید خانواده سرگرم می شدند و تا لب گور به آن گرفتار بودند.»(۱) حتی برای زدن زن، دستورهایی وجود داشت. دختران طبقه ی اشراف و ثروت مند بیشتر برای شوهرداری پرورش می یافتند و «تا چند هفته پیش از ازدواج، در خانه یا صومعه ی نسبتا مجزا می زیستند و از مربیان یا راهبه ها، تعلیماتی می آموختند.»(۲)

ملاک مرد رنسانسی در انتخاب همسر، آشنایی زن با تاریخ و ادبیات و فلسفه، دانستن نقاشی و مجسمه سازی، نواختن یک ساز، شعر و شاعری و مهم تر از همه زیبایی بود.(۳)

از دیگر ویژگی های این دوره، تمایل نداشتن همسران به فرزند زیاد است. حتی «در روستاها که فرزندان در آن جا، یاری گر خانواده هستند،

۱- تاریخ تمدن، ج ۵.

۲- تاریخ تمدن، ج ۵.

۳- تاریخ تمدن، ج ۵.ص ۶۱۵.

خانواده های دارای ۶ فرزند، بسیار کم بودند.»(۱) دلیل این امر را باید در گسترش رفاه طلبی جست وجو کرد.

وضعیت عمومی زنان و مردان، ملاک های ازدواج، رفتار همسران و دیگر مسایل عصر رنسانس را بررسی کردیم. با این پیش زمینه، به بحث اندیشه های غرب کنونی درباره ی ازدواج می پردازیم.

اندیشه های جدید غرب درباره ی ازدواج

اندیشه های جدید غرب درباره ی ازدواج

دریافتیم که یکی از مهم ترین محورهای اندیشه ی غرب در دوران قدیم، پلید دانستن ازدواج و ارضای این غریزه ی خدادادی است که تا پیش از رنسانس به شدت، رایج بود. این اندیشه به دیدگاه آنان درباره ی زن و برآوردن غریزه ی جنسی برمی گشت؛ زیرا زن را موجودی شرور و شیطانی می دانستند که «هرگز وارد بهشت نخواهد شد.»(۲) حتی چنان که گفته شد برخی افراد «به هیچ وجه به زن نزدیک نمی شدند.»(۳) بنابراین، غربیان در گذشته با دیدی منفی انگارانه به ازدواج می نگریستند. اگر هم ازدواج می کردند، تنها برای حفظ نسل بود.

اینک نظریه پردازان جدید غرب بر این باورند که باید اخلاق جنسی و روابط زناشویی پیشین را واژگون کرد. «فروید» که از نظریه پردازان این دیدگاه است، در نظریه ی معروف خود، از دو غریزه ی اصلی انسان، یعنی غریزه ی جنسی و حب ذات نام برد و غریزه ی جنسی را بزرگ ترین لذت

۱- تاریخ تمدن، ج ۵، ص ۶۱۹.

۲- اخلاق جنسی، ص ۱۱.

۳- جمال و کمال زن، ص ۱۳.

بشر دانست.(۱) او همه ی خواسته های انسانی را بر محور غریزه ی جنسی دانست و گفت اگر این غریزه به خوبی برآورده شود، هیچ مشکلی پدیدار نمی گردد.

از دیگر هواداران اندیشه ی جدید غرب درباره ی ازدواج، «برتراند راسل» است که بر آزادی روابط جنسی ــ به عنوان یک اصل ضروری ــ تکیه می کند. به نظر وی، اخلاق جنسی قدیم بر محور احساس شرم، احترام، عفت و پاک دامنی زن، غیرت ناموسی مرد، حیا و حُجب زن و مذهبی بودن ازدواج می گردد. وی همه ی این ویژگی ها را مانع فراروی روابط جنسی می داند و خواهان برچیده شدن همه ی این موانع و محدودیت هاست.

برتراند راسل در تبیین نظریه ی خویش از دیدگاهی دفاع می کند که در آن، «احساساتی مانند: شرم، احساس عفاف و تقوا، غیرت و ... وجود ندارد.»(۲) به نظر اینان، روابط زن و مرد و به طور کلی ازدواج، ناشی از خرافه بوده یا در ستم بر زنان، ریشه داشته است. بنابراین، باید به این خرافه ها و ستم ها پایان داد.

اینان، فلسفه ی خود را چنین مطرح می کنند که هرگاه غریزه ی جنسی زن یا مردی تحریک شد، بتواند با هرکسی ــ حتی کسی جز همسر خویش ــ ارتباط برقرار کند تا آن را برآورده سازد. در قدیم، یک مرد برای یک زن بود یا در نهایت، چند زن برای یک مرد، ولی اکنون باید شرایط به گونه ای

۱- ازدواج در آستانه ی علم، ص ۹۴.

۲- اخلاق جنسی، ص ۲۰.

شود که زن شوهردار و مرد زن دار همه بتوانند از ارتباط جنسی با غیر از همسر خود لذت ببرند.

نکته ی مهم در نظریه های این اندیشمندان غربی آن است که فلسفه ی ازدواج در دیدگاه آنان، «اطمینان پدر از پدری خود نسبت به فرزندی است که از زن معینی به دنیا می آید.»(۱) به دیگر سخن، ازدواج تنها برای این است که مشخص شود فرزندان متولد شده از زن برای کدام مرد است و جز این هیچ فلسفه ای وجود ندارد. در قدیم، مردان این اطمینان را با خشونت و حکم رانی بر زن به دست می آوردند، ولی اکنون با توجه به پیشرفت علم، همین اطمینان با به کار بستن داروهای ضد آبستنی به دست می آید. بنابراین، مرد با آسودگی می تواند بچه ای را که از زنش متولد شده است، متعلق به خود بداند، هرچند می داند همسرش با افرادی دیگر روابط غیر متعارف دارد. بدین ترتیب، وسایل پیش گیری از بارداری، اطمینان پدر بودن را برای شوهر اصلی فراهم می آورد. پس زن و مرد پیش از ازدواج و پیوند زناشویی و حتی پس از آن نیز نمی توانند و نباید مانع کام یابی همسر خویش از دیگران شوند.

از این رو، در اندیشه ی آنان، آسان بودن و بدون قید و بند بودن ارضای غریزه ی جنسی، محور ازدواج به شمار می آید. تنها محدودیت این لذت جویی ها نیز رعایت حق شوهر برای تشخیص فرزندان متولد شده با به کار بردن داروهای ضدبارداری است.

۱- اخلاق جنسی، ص ۳۰.

برترانـد راسل می گویـد: «کسانی کهماننـد من معتقدند روابط جنسـی فقط هنگامی مسأله ی اجتماعی و قابل تحدید محسوب می شود که طفلی به وجود آیـد، بایـد مثل من این دو نتیجه را بگیرنـد، اولاً: عشق (بخوانید فحشاء) بدون بچه آزاد است. ثانیا: ایجاد اطفال بایـد تحت مقرراتی شدیـدتر از آن چه امروز است، قرار گیرد.»(۱) در چنین اندیشه ای، ازدواج حتی از صـبغه ی پیمان وفاداری میان زوجین، تهی می شود؛ زیرا آنان، همسران را به ترک وفاداری نسبت به یکدیگر راهنمایی می کنند. راسل پیشـنهاد می کنـد: «بهتر است یک احساس شدید و مزاحم چون حسادت را تحت انتظام دربیاوریم و نگذاریم مانع نمو عمومی احساسات عاشقانه بشود.»(۲)

در پس این سـخنان به ظاهر زیبا، حتی نخستین اصول اخلاقی ازدواج زیرپا نهاده می شود. این سـخن بـدان معناست که غیرت زن و مرد به یکـدیگر، بیهوده است؛ زیرا مـانع کـام یـابی هـای طرفین از فرد بیگـانه می گردد و اصل، بهتر برآوردن این غریزه است. بنـابراین، اصـل آزادی زن و مرد در ارضـای غریزه حتی پس از ازدواج، غیرت نداشـتن مرد و زن در شـناسایی فرزنـد به عنوان تنها فلسفه ی همسرگزینی و... از مهم ترین ویژگی های دیدگاه غرب در عصر حاضر به شمار می آید.

نتیجه ی این دیـدگاه نیز از بین رفتن عواطف و احساسـات همسـران نسـبت به یکـدیگر است؛ زیرا آنـان آن چنـان در بیرون از خانه، از محبت ها و

۱- اخلاق جنسی، ص ۳۱.

۲- اخلاق جنسی، ص ۳۲.

عواطف دروغین و لذت های جنسی بهره برده اند که چیزی برای همسر در خانه باقی نمی ماند. از نظر غربیان، عشق به همین موارد ختم می شود و عنوان می کنند که دین، این عشق را محدود می کند، چنان که راسل می گوید: «عشق برای خود، غایت و اخلاق خاصی دارد که بدبختانه تعالیم مسیحیت از یک طرف و عناد و دشمنی علیه اصول اخلاق جنسی ــ که بخشی از نسل جوان امروز طالب آنند ــ از طرف دیگر، آن ها را تحریف و واژگون می سازد».(۱) در نظر آنان، عشق و احساس زوجین باید بر خلاف عشق و محبتی باشد که زن و مرد شرقی به هم دارند؛ زیرا عشق شرقی مانع از لذت بردن(!) است. آنان عشق و شهوت را به یک معنا گرفته و هیچ تفاوتی بین آن دو قایل نشده اند. به گفته ی راسل، آنان تأسف می خورند که چرا دین بین عشق و شهوت های جنسی، تفاوت قرار داده است.

باید گفت این دیدگاه درک نکرده است که چیزی ورای «با هم بودن برای لذت بردن» وجود دارد که تنها در ازدواج به دست می آید. ازدواج، پایگاه و خاستگاه نسل آینده است؛ نسلی که باید با اصول اخلاقی و معنوی آشنا گردد. پس در پرتو دلبستگی های همسران به یکدیگر، به مرور زمان، روح کودک و نسل آینده مانند جسم او شکل می گیرد و در کانون گرم خانواده، زندگی خود را آغاز می کند. آزادی جنسی نه تنها مشکلی را حل نمی کند، بلکه پی آمدهای زیر را دارد: سرد شدن عاطفه و احساس خانوادگی، جدایی عاطفی زن و شوهر، افزایش کودکان نامشروع، افزایش

۱- اخلاق جنسی، ص ۸۹.

مرگ و میر مبتلایان بـه ایـدز، افزایش فحشـا، زنـا و هم جنس گرایی، افزایش خشـونت علیه زن و... بنـابراین، اخلاـق به ویژه اخلاق جنسـی مانند: حیای زن از مرد، غیرت ناموسی مرد، زشتی ازدواج با محارم و... بر اساس فطرت و طبیعت انسان بنا نهاده شده است و به گونه ای نیست که با رفع این موانع(!) بتوان به آسایش پنداری دست یافت.

باری، دیـدگاه غربیان نسبت به ازدواج به تبع دیـدگاه آنان درباره ی اخلاق و ارتباط جنسـی، دیـدگاهی بی پایه و ناپذیرفتنی است؛ زیرا بر اساس فطرت انسانی و دین و عقل؛ هدف، فلسفه، معیار و دیگر احکام و شرایط ازدواج غیر از آن چیزهایی است که آنان به عنوان فلسفه ی ازدواج برای خود در نظر می گیرند.

ازدواج در ایرانِ پیش از اسلام

اشاره

ازدواج در ایرانِ پیش از اسلام

برای آشـنایی با قوانین ازدواج در ایران پیش از اسـلام، بحث را به چهار دوره دسـته بندی می کنیم: دوره ی آریایی ها، پارس ها (هخامنشیان)، پارت ها (اشکانیان) و ساسانیان. گفتنی است فهم بیشتر اصول و احکام و چگونگی ازدواج در این دوره ها به بررسـی جایگـاه ازدواج در دین زرتشت بسـتگی دارد؛ زیرا دین بیشتر مردم ایران در این دوره، زرتشتی بوده است. بنابراین، با بررسی ازدواج در دین زرتشت، از وضعیت ازدواج در این ۴ دوره آگاهی خواهیم یافت.

ازدواج در میان زردتشتیان

ازدواج در میان زردتشتیان

دین زرتشت بر خلاف بودایی و برهمایی، نه تنها ازدواج و همسرگزیدن را

نهی نمی کرد و آن را ناپسند نمی شمرد، بلکه بر آن پافشاری می ورزید و مجرد زیستن را ناپسند می دانست.

پیش تر گفتیم که میزان علاقه به ازدواج و مناسب بودن احکام آن با میزان محبوب بودن یا نبودن زنان ارتباط مستقیم دارد. «در زمان زرتشت پیغمبر، زنان منزلتی عالی داشتند. با کمال آزادی و با روی گشاده در میان مردم، آمد و شد می کردند... و حتی می توانستند مانند بیشتر زنان روزگار حاضر، به نام شوهر یا به وکالت از طرف وی به کارهای مربوط به او رسیدگی کنند.»(۱) با توجه به چنین وضعیتی، می توان دریافت که ازدواج نیز در این دین دارای منزلت بوده است. ویل دورانت می گوید: «شریعت زرتشت چنان نبود که بی شوهرماندن دوشیزگان و زن نگرفتن پسران مجرد و عزب را تشویق کند. تعدد زوجات و اختیار کردن کنیزکان مجاز شمرده می شد.»(۲)

در این دوران، خانواده مهم ترین واحد سازمانی اجتماع به شمار می آمد. از نوشته های اوستا درمی یابیم که دین زرتشت بر ازدواج و تشکیل خانواده بسیار پافشاری می کند، آن جا که می گوید: «مردی که زن دارد بر آن که چنین نیست، فضیلت دارد و مردی که خانواده ای را سرپرستی می کند بر آن که خانواده ندارد، فضیلت دارد.»(۳) به همین دلیل، «وقتی فرزندان به سن رشد

۱- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۳۳.
۲- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۳۳.
۳- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۳۳.

می رسیدند، پدران شان، اسباب کار زناشویی را فراهم می کردند و آماده ی ازدواج دختر یا پسرشان می شدند».(۱)

یکی از ویژگی های ازدواج در این دوره، تعدد همسران بود. دلیل اصلی گسترش چنین پدیده ای نیز حاکم بودن نظامی گری بر ارکـان اجتمـاع بود. کشور به نیروی جنگی فراوان نیاز داشت و برگزیـدن همسـران چنـدگانه به این نیاز پاسـخ می داد؛ زیرا افزایش شمار فرزندان پسر به مثابه ی افزایش نیروی بالقوه ی ارتش بود.

از دیگر ویژگی هـای ازدواج در آن زمـان، ازدواج بـا محـارم بود. از این رو، هرکس می توانست حتی با دختر یا مادر خویش ازدواج کند و هیچ محدودیتی وجود نداشت. این عمل حتی بعد از ورود اسـلام نیز دوام یافت؛ زیرا از برخی احادیث اسـلامی و پرسـش و پاسـخ هـای مردم بـا ائمه معصومین علیهم السـلام چنین بر می آیـد که این ازدواج ها در آن زمان نیز رواج داشـته است.(۲)

بـا این حـال، جایگاه اجتماعی زنان همیشه بـدین گونه نبود. برای نمونه، جایگاه اجتماعی زنان پس از داریوش، کاهش یافت. در این دوره، زنـان کمتر اجـازه داشـتند در بیرون رفت و آمـد کننـد و بـا مردان اختلاـط داشـته باشـند. «زنان شوهردار نیز حق نداشتند هیچ مردی را ببینند هرچند پدر یا برادرشان باشد.»(۳) اینک به دوره های چهارگانه ی مورد بحث می پردازیم.

ازدواج در دوره ی آریایی ها

ازدواج در دوره ی آریایی ها

۱- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۳۳.
۲- نک: وسائل الشیعه، ج ۳، باب مواریث.
۳- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۳۴.

«هرچند خانواده ی آریایی ها بر محور اقتدار پدر یا بزرگ تر خانواده تشکیل می شد... ولی چنین به نظر می رسد که مقام زن ها نزد آریایی های ایرانی بهتر از مقام آنان نزد مردمان دیگر در آن زمان بود.»(۱) هرچند زن خانه نسبت به شوهرش حق و حقوقی نداشت، ولی بانوی خانه به شمار می آمد و دارای شأن و منزلتی بود. در این دوره، شوهر ـ رییس خانواده ـ هم قاضی و هم مجری آداب مذهبی بود. هم چنین تکلیف روشن نگه داشتن آتش اجاق خانه با او بود. شوهر نیز این کار را حتی از شوهر بودن برای همسرش و پدر بودن برای فرزندش، با اهمیت تر می دانست.

ازدواج در دوره ی هخامنشی

ازدواج در دوره ی هخامنشی

ازدواج در دوره ی هخامنشی از سه ویژگی برخوردار است که عبارتند از:

تعدد همسران: در دوران هخامنشی، طبقه ی اشراف «هرکدام دارای چند زن عقدی بودند، ولی عده ی زنان غیر عقدی از عقدی بیشتر بوده است.»(۲) معمولاً هر فرد از طبقه ی اشراف و شاه زاده ها حرم سراهای متعددی داشتند. حکومت هخامنشی به دلیل کشورگشایی های فراوان به لشکر و سرباز نیاز داشت که پدیده ی تعدد همسران و افزایش نسل، این نیاز را برآورده می ساخت.

تأکید بر تولد فرزند: نیاز شاه به سرباز و نیروی رزمنده را باید راز اصلی پسندیده بودن فرزنددار شدن دانست. «شاه همه ساله به کسی که

۱- ایران باستان، ج ۱، ص ۱۶۰.

۲- ایران باستان، ج ۲، ص ۱۵۳۵.

بیشترین زاد و ولد را کرده بود، هدیه می داد و بهترینِ صفت را پس از رشادت، داشتن پسر زیاد می دانستند.»(۱)

ازدواج بـا محـارم: بر اساس آموزه های دین زرتشت که ازدواج با محارم را حلال کرده بود، این رسم گسترش یافت، به گونه ای که: «مغ هـا (روحانیـان زرتشتی) موافق عـادت شـان حتی بـا مادران شان ازدواج می کردنـد.»(۲) نمـونه هـایی از ازدواج با محـارم در تاریـخ ثبت شــده است کـه عبارتنـد از: ازدواج کمبـوجیه بـا خـواهرش، «آتسـا»؛ ازدواج داریـوش بـا خـواهرش، «پریساتیس» و ازدواج داریوش سوم با دخترش، «استاترا».(۳)

ازدواج در دوره ی اشکانی

ازدواج در دوره ی اشکانی

پارتی ها در آغاز، صحراگرد بودند. از این رو، نمی توانسـتند زن های متعددی را به همسری برگزینند. البته پس از این که به شهرها آمدنـد و به زنـدگی یک جانشـینی عادت کردنـد، زنان غیر عقـدی متعددی را به همسـری گرفتند. پارتی ها که اینک دولت اشـکانی را بنیان نهاده بودنـد، تعدد همسـران را به رسـمیت شـناختند، ولی نمی توانسـتند بیش از یک زن عقدی داشـته باشند.(۴)

در این دوره، ازدواج با خویشاوندان بسـیار نزدیک که «خَوَتک دَسْ» نامیده می شد، بسیار پسندیده بود.(۵) هدف پارتی ها از ازدواج با محارم این

۱- ایران باستان، ج ۲، ص ۱۵۳۵.

۲- ایران باستان، ج ۲، ص ۱۵۴۶.

۳- جمال و کمال زن، ص ۶۶.

۴- ایران باستان، ج ۳، ص ۲۶۹۳.

۵- ایران باستان، ج ۳، ص ۲۶۹۴.

بود که:

۱ ــ اصالت و نژاد خانوادگی خود را از آمیختگی با دیگر نژادها حفظ کنند.

۲ ــ اموال موجود در یک خانواده بر اثر ازدواج به فرد بیگانه منتقل نشود.

طلاق در این دوره، جایز نبود و زن تا هنگامی که شوهرش نمرده بود، نمی توانست شوهر دیگری اختیار کند. مرد نیز تنها در برخی موارد، حق داشت زن خویش را طلاق دهد که عبارت بود از: «وقتی که زن عقیم و نازا بود، جادوگری می کرد، اخلاق زن فاسد بود یا ایام قاعدگی خود را از شوهر پنهان می کرد.»(۱)

ازدواج در دوره ی ساسانی

اشاره

ازدواج در دوره ی ساسانی

در این بخش، ویژگی های ازدواج و ساختار و نهاد خانواده را در دوره ی ساسانی برمی شماریم.

تأکید بر ازدواج فوری دختران

تأکید بر ازدواج فوری دختران

دانستیم که دین زرتشت بر ازدواج تأکید می ورزید. این رسم در دوران ساسانی نیز ادامه یافت، به گونه ای که ولی دختر ــ که معمولاً پدر بود ــ باید دختر خود را به محض رسیدن به سن بلوغ، شوهر می داد. آنان بر این باور بودند که «منع دختر از توالد، گناهی عظیم به شمار می آید.»(۲) این احساس گناه از آن جا ریشه می گرفت که هر فرد زرتشتی و ایرانی، خود را نسبت به

۱- ایران باستان، ج ۳، ص ۲۶۹۴.

۲- ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۳۹.

افزایش پیروان دین خود و سربازان کافی برای پادشاهان ساسانی، متعهد و مسؤول می پنداشت.

هرچند پدر، مسؤول بود دخترش را به زودی شوهر دهد، ولی دختر مجبور نبود همان شوهری را انتخاب کند که پدرش برگزیده بود. پدر نیز به دلیل این سرپیچی، حق نداشت او را از ارث محروم سازد.

ازدواج

ازدواج

معمولاً در دوران کودکی، دختر و پسر را به نامزدی همدیگر در می آوردند و ازدواج آنان در سن جوانی و بلوغ، صورت می گرفت. سن ازدواج برای دختران، ۱۵ سال بود. پس از تعیین مهر، شوهر باید مبلغی را به پدر دختر می داد. پس از ازدواج، همه ی پاداش های کردار نیک زن، از آن شوهر بود.

یکی از ویژگی های این دوران، آن بود که شوهر می توانست زن خود را به مرد دیگری که ــ بدون تقصیر ــ نیازمند شده بود، بسپارد تا وی از کار و خدمت زن استفاده کند. این کار با قرارداد رسمی صورت می گرفت و شوهر جدید، هزینه ی نگهداری زن و دیگر هزینه های او را در مدت زمان این قرارداد ازدواج، تعهد می کرد. فرزندانی که در این ازدواج از مرد دوم به دنیا می آمدند، از آنِ خانواده ی شوهر اول شمرده می شدند. هم چنین شوهر دوم، حق دخل و تصرف در اموال زن را نداشت. آنان، این کار را کرداری نیک برای کمک به یک هم کیش تنگدست می دانستند.(۱)

انواع ازدواج

انواع ازدواج

در کتاب های پارسی متأخر، ۵ نوع ازدواج برای این دوره شمرده شده

۱- ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۴۲.

است.(۱) «ازدواج ابدال» یکی از گونه های ازدواج در دوران ساسانی بود. بر اساس این شیوه، «اگر مردی بمیرد و پسری نداشته باشد، اگر زنی دارد، او را به نزدیک ترین خویشاوند متوفی می دهند و اگر متوفی، زن ندارد، دختر یا نزدیک ترین بستگان متوفی را با اقرب خویشاوندان او به ازدواج در می آورند. اگر در بین بستگان متوفی، هیچ زنی وجود نداشت، از مال شخصی متوفی باید زنی را جهیزیه داده و به یکی از مردان خویشاوند میّت بدهند. پسری که از این ازدواج حاصل شود، از آنِ متوفی محسوب می شود.»(۲) این گونه ازدواج از چنان اهمیتی برخوردار بود که «اگر کسی از انجام این تکلیف غفلت می ورزید، او را مسبب قتل نفوس بی شماری می دانستند؛ زیرا وی با این کار، نسل میت را قطع و نام او را تا آخر دنیا خاموش کرده است.»(۳) هدف اصلی از این ازدواج، حفظ نام و نسب خانواده ها از انقراض و نیافتادن ثروت های یک خانواده به دست افراد بیگانه بود.

ازدواج با محارم نیز رواج داشت و آن را گونه ای عبادت و وظیفه ی شرعی می دانستند. آنان می گفتند: «ازدواج بین برادر و خواهر، دیوان را به دور می راند.»(۴) در تاریخ نیز آمده است که «بهرام چوبین، خواهر خود _

۱- ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۳۳.

۲- ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۳۳.

۳- ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۳۳.

۴- ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۳۴.

گردیگ ــ را به همسری برگزید»(۱) و «انوشیروان با دختر و خواهرش ازدواج کرد.»(۲) البته ازدواج با محارم بیشتر در طبقه ی اشراف و شاه زاده ها و شاهان به چشم می خورد.

تعدد همسران

تعدد همسران

«اصل تعدد زوجات، اساس تشکیل خانواده به شمار می رفت.»(۳) هرکس، ثروت و قدرت بیشتری داشت، زن بیشتری به همسری می گرفت. تنها محدودیت در این مورد، محدودیت ثروت و قدرت مرد بود؛ زیرا «مردمان کم بضاعت ــ و فقیر ــ به طور کلی بیش از یک زن نداشتند».(۴) در میان زنان نیز طبقه بندی وجود داشت. «یکی از زنان، سوگلی و صاحب حقوق کامل محسوب می شد و او را زن ممتاز می خواندند».(۵) به زن های دیگر «زن خدمت کار» گفته می شد که از حقوق و مزایای کم تری برخوردار بودند. گاهی نیز مرد دو زن ممتاز داشت که هریک در خانه ای جداگانه به سر می بردند و شوهر تا پایان عمر مکلف بود به آنان نفقه بدهد.

به همسری برگزیدن چند زن همانند ازدواج با محارم بیشتر مخصوص طبقه ی اشراف و شاهان می گردید، چنان که «در برخی موارد، زنان حرم شاهان را تا ۳۲۹ و ۳۶۰ نفر نوشته اند».(۶)

۱- ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۳۴.

۲- جمال و کمال زن، ص ۶۶.

۳- ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۳۲.

۴- ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۳۲.

۵- ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۳۲.

۶- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۳۳.

ازدواج در اعرابِ پیش از اسلام

اشاره

ازدواج در اعرابِ پیش از اسلام

پیش تر گفتیم که دیدگاه هر قوم و ملتی درباره ی ازدواج، با دیدگاه آنان درباره ی زن، ارتباط مستقیم دارد که متأسفانه این دیدگاه در بیشتر موارد، ناپسند بوده است. اعراب پیش از اسلام نیز از این قاعده مستثنا نبودند، بلکه پا را فراتر گذاشتند و رسم ننگین زنده به گور کردن دختر را بنا نهادند. آنان چنان رفتار ناپسندی با زن داشتند که قرآن می فرماید:

و اِذا بُشِّرَ اَحَدُهُم بِالْاُنثی ظَلَّ وَجهُهُ مُسْوَدّا و هو کظیم.(۱)

و هرگاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند، چهره اش سیاه می گردد، در حالی که خشم خود را فرو می خورد.

آری، مرد عرب برای این که به این خواری پایان دهد، دختر خویش را زنده زنده در خاک پنهان می ساخت. چنان که خداوند در ادامه می فرماید:

یَتَواری مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوء ما بُشِرَ بِهِ اَیُمْسِکُهُ علی هُونٍ اَمْ یَدُسُّهُ فی التُّرابِ اَلاساءَ ما یَحکُمُون.(۲)

و از بدی آن چه بدو بشارت داده شده بود، از قبیله ی [خود] روی می پوشاند؛ آیا او را با خواری نگاه دارد یا در خاک پنهانش کند؟ و چه بد داوری می کنند.

سنت ناپسند زنده به گور کردن دختران از آن جا آغاز شد که در جنگ قبیله ی «بنی تمیم» با ایرانیان، شماری از زنان این قبیله به دست ایرانیان اسیر شدند. آنان، زنان عرب را به عنوان کنیز با خود بردند. پس از صلح، هنگامی

۱- نحل، ۵۸.

۲- نحل، ۵۹.

که بنی تمیم، زنـان اسـیر خود را خواست، دربـار ایران به زنان اجازه داد که در ایران بماننـد یا به قبیله ی خود برگردنـد؛ چون برخی از آنان در همان جا شوهر کرده بودند. شـماری از این دختران از برگشتن به قبیله خودداری کردند ودر ایران ماندند. از این رو، مردان قبیله ی «بنی تمیم» خشـمگین شدند و تصمیم گرفتند از آن پس، هر دختری را که به دنیا می آید، زنده به گور کنند. بدین ترتیب این کار در برخی اقوام عرب رایج گشت.(۱)

با این وضـعیت، دیدگاه عرب نسـبت به ازدواج آشکار می شود. با این حال، برای نشان دادن گوشه ای از انحطاط و پستی این دیدگاه، به برخی گونه های ازدواج در عرب پیش از اسلام، اشاره می کنیم.

۱ ـ نکاح بَدَل:

۱ ـ نکاح بَدَل:

در این ازدواج، مردان در صورت تمایل، برای مـدتی زنان شان را با یکـدیگر معاوضه می کردنـد. در این ازدواج، هیـچ حق و حقوقی برای زن وجود نداشت و زن باید بدین کار تن می داد.

۲ ـ نکاح الرَهْط:

۲ ـ نکاح الرَهْط:

در این ازدواج، شـماری از مردان با یک زن ارتباط برقرار می کردند و همگی مخارج زن را به عهده می گرفتند. پس از وضع حمل، فرزند از آن مردی بود که زن انتخاب می کرد.

آن مرد نیز نمی توانست این فرزنـد را نپـذیرد. البته این کـار هنگـامی صورت می گرفت که بچه پسـر بود، ولی اگر بچه دختر بود، گاهی دختر را می کشتند.

۳ ـ نکاح شغار:

۳ ـ نکاح شغار:

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۴۱۳.

«در این ازدواج، فردی، دختر خودش را به عنوان مهر و صداق، به ازدواج فردی دیگر در می آورد تا آن طرف نیز در قبال این مهریه، دختر خود را به ازدواج او در بیآورد. پس ازدواج هرکدام، مهریه و صداق ازدواج دیگری می شد».

۴ _ نکاح خردن:

۴ _ نکاح خردن:

تنها هدف این ازدواج که در حقیقت آزادی کامل در روابط زن و مرد به شمار می رفت، لذت جویی بیشتر زن و مرد از یکدیگر بود. این گونه ازدواج بیشتر به بی بندوباری جنسی شباهت داشت تا ازدواج.

۵ _ نکاح استبضاع:

۵ _ نکاح استبضاع:

این ازدواج نشان می دهد که مردان آن زمان حتی اصول و اخلاق اولیه ی انسانی را رعایت نمی کردند و حاضر می شدند به هرگونه ذلت و پستی تن دهند. در این ازدواج، «اگر مردی می خواست فرزندش، شجاع، نجیب یا کریم و... باشد، همسر خود را در اختیار مردی می گذاشت که دارای این اوصاف باشد. پس از تولد، فرزند متعلق به شوهر اصلی زن بود.» در این ازدواج، زن هیچ حقی نداشت.

۶ _ نکاح المَقت:

۶ _ نکاح المَقت:

«در دوران جاهلیت، اگر پدر می مرد، زن پدر مانند دیگر اموال و ماترک نصیب پسر این متوفی که این پسر از زنی دیگر متولد شده بود می گشت. اگر پسر به این زن پدرش احتیاج داشت، پارچه ای را بر روی زن می انداخت که نشان دهنده ی تمایل پسر به داشتن او بود. اگر هم به او محتاج نبود، او را با مهر جدید به عقد یکی از خویشان خود در می آورد.

نام این ازدواج المقت بود و بچه ای که از این راه متولد می شد، مقتی نامیده می شد.»

این ازدواج همـان است که خداونـد در آیه ی ۲۲ سوره ی نسـاء، مسـلمانان را از آن نهی کرده است. ویـل دورانت با توجه به این ازدواج می نویسد: «زن (در عرب پیش از اسلام) جزو دارایی پدر یا شوهر یا پسرش به حساب می رفت». (۱)

البته این ازدواج هایی که برشـمردیم، ازدواج های معروف و مواردی است که از نظر آنان، قانونی به شمار می آمد، وگرنه جز این ها، روابط جنسی آزاد مردان و زنان و زنا و فحشا و بی بندوباری های دیگر هم چنان رواج داشت.

بـا این حال، به گفته ی آلوسـی: «یک نوع نکاح وجود داشت که قبیله ی قریش و بعضـی قبایل دیگر بر این مـذهب بودنـد. بر اساس آن، مرد از زنی خواستگاری می کرد و برای خواستگاری نزد اولیای دختر می رفت. سپس مهریه را مشخص می کردند و عقد را می خواندند. خداوند، رسول خدا را ثمره ی همین نوع ازدواج قرار داد و او را از هر رجسی پاکیزه نگاه داشت.» (۲)

هـدف از ازدواج نیز در این دوره متفـاوت بود. گاهی برای افزایش نسل قبیله و فراهم آوردن نیروی دفاعی، ازدواج می کردند و گـاهی برای ایجاد دوستی میان دو قبیله ای که با هم دشـمنی داشـتند، به این کار دست می زدنـد. معروف است که خالـدبن یزید می گفت: «نزد من دشمن ترین خلق خدا، آل زبیر بودند تا این که با «رمله» که از آن ها بود، ازدواج کردم. پس آل زبیر

۱- تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۲۰۲.

۲- بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب، ج ۲، ص ۳۴.

دوست داشتنی ترین خلق خدا نزد من شدند».(۱)

گفتنی است در این دوره، ازدواج بـا محارم به ویژه در میان قریش، حرام شـمرده می شـد تا حرمت ارحام حفظ گردد. البته در برخی موارد، بعضی افراد این قاعده را زیر پا می نهادند.(۲)

نتیجه ی بحث آن که، به گفته ی ویل دورانت: «زن در عرب پیش از اسـلام همیشه خادم مرد بود و کم تر می شـد که به مقام یار و هم صحبت وی ترقی کند. انتظار مرد از زن خود این بود که فرزندان بسیار بیاورد و مخصوصا پسر بزاید».(۳)

۱- بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب، ج ۲، ص ۷.

۲- بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب، ج ۲، ص ۵۲.

۳- تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۲۰۲.

فصل دوّم: ازدواج از نگاه قرآن و روایات

اشاره

فصل دوّم: ازدواج از نگاه قرآن و روایات

همه ی پیامبران صلی الله علیه و آله وسلم الهی در آموزه های خود بر سعادت بشری پای فشرده اند. هم چنین به دلیل نقش ویژه ی ازدواج در این راه، پیامبران، اصولی برای آن در نظر گرفته اند. ازدواج در آخرین و کامل ترین دین الهی، یعنی اسلام، رنگ ویژه ای به خود گرفته است، به گونه ای که در قرآن و احادیث، بحث های مفصلی درباره ی آن به چشم می خورد.

پیش تر دیدیم که همه ی دین ها ــ با وجود انحراف های رخ داده در آن ها ــ و تمدن ها بر پایه ی دیدگاه خود درباره ی زن و رابطه ی جنسی، دیدگاه هایی درباره ی ازدواج ارایه کرده اند. اینک باید دید اسلام درباره ی اهداف ازدواج و ملاک های همسریابی و... چه دیدگاهی دارد و چه برنامه هایی برای امر زناشویی تنظیم کرده است. با نگاهی گذرا به قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام می توان دریافت که اسلام برای همه ی مراحل ازدواج ــ مانند: خواستگاری، عقد، زفاف، تولید نسل، مهریه و ... ــ برنامه در نظر گرفته و همه جنبه های این امر پسندیده ی الهی را روشن ساخته است. اینک در آغاز بحث، به دیدگاه قرآن درباره ی ازدواج و احکام آن می پردازیم.

ازدواج از دیدگاه قرآن

اشاره

ازدواج از دیدگاه قرآن

قرآن، کتاب هدایت و سعادت بشری و منبع شایسته ای برای درک مفاهیم و مسایل ازدواج است. بر خلاف دیگر کتاب های مقدس که رهبانیت و تجرد

را مقدس می شمارند یا آزادی و بی بندوباری در اخلاق جنسی را پیشنهاد می کنند، قرآن راه میانه را برگزیده است. خداوند می فرماید:

و ابْتَغ فیمآ اتکَ اللّهُ الدّارَ الاخِرَهَ وَ لا تَنْسَ نَصیبَکَ مِنَ الدنیا و اَحْسِنْ کَمآ اَحْسَنَ اللّهُ اِلیکَ ولا تَبْغ الفَسادَ فِی الْاَرْضِ إنَّ اللّهَ لا یُحِبُّ الْمُفْسِدین.(۱)

و به آن چه خدایت داده است، سرای آخرت را بجوی و سَهم خود را از دنیا فراموش مکن و هم چنان که خدا به تو نیکی کرده است، نیکی کن و در زمین فساد مجوی؛ زیرا خدا، فسادگران را دوست نمی دارد.

بر اساس همان قاعده ی کلی ــ وابستگی دیدگاه هر دین و ملتی درباره ی ازدواج به دیدگاه آن درباره ی زن ــ هرگاه در جامعه ای، زن جایگاه حقیقی خود را به دست آورده، ازدواج نیز از اهمیت فراوانی برخوردار شده است. برعکس، هرگاه در جامعه ای، انسانیتی برای زن فرض نشود و تنها مانند کالای قابل خرید و فروش بدان بنگرند، می توان حدس زد که جایگاه ازدواج در آن جامعه چگونه خواهد بود. نمونه ی آن را در گفتارهای پیشین دیدیم.

بنابراین، در آغاز بحث، دیدگاه قرآن و اسلام را نسبت به زن بررسی می کنیم.

۱ ــ خداوند هیچ گاه در قرآن میان زن و مرد، تفاوت نگذاشته و تنها به مردان خطاب نکرده است، بلکه با جمله ی: «یا ایها الناس»، با آدمی سخن گفته است. هم چنین اگر در دایره ای محدودتر، به مؤمنان ندا داده است که:

۱- قصص، ۷۷.

«یا ایها الـذین آمنوا»، باز منظور، زن و مرد مؤمن بوده است نه تنها مرد. البته تاریخ نشان داده است که گاهی این زنان بوده اند که زودتر از مردان به این ندای الهی، پاسخ مثبت داده اند. برای نمونه، حضرت خدیجه، نخستین زن مسلمان تاریخ است.

۲ ــ سـخن در این است که: مرد و زن از یک مبـدأ آفریـده شده اند یا از دو مبدأ گوناگون؟ آیا زن به تبع مرد ــ و نه به دلیل اصل وجودی اش ــ آفریده شده است؟ قرآن به این پرسش، چنین پاسخ می دهد:

یا اَیُّها النّاسُ اتَّقوا رَبّکُمُ الَّذی خَلَقَکُم مِن نَفْسٍ واحِدَهٍ و خَلَقَ مِنْها زَوْجَها و بَثَّ مِنْهُما رَجالاً کثیرا و نِسآءً(۱)

ای مردم! از پروردگارتان که شـما را از «نفس واحـدی» آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسـیاری پراکنده کرد، پروا دارید.

از این گفته در می یابیم که همه ی انسان ها اعم از زن و مرد از یک مبـدأ و گوهر آفریـده شـده انـد و در این زمینه، مردان بر زنان هیچ گونه برتری ندارند. پس قرآن به این نظریه که وجود زن، اصلی نبوده و تابع وجود مرد است، پاسخ منفی می دهد.

۳ ــ یکی از بحث های دیگری که میـدان تاخت و تاز نظریه های گوناگون شـده این است که: چه چیزی سـبب گرایش زن و مرد به یکدیگر می شود؟ چه عاملی، زن و مرد را وادار می کند به ازدواج بیاندیشند و به آن تن دردهند؟

۱- نساء، ۱.

برخی در پاسخ به این پرسش، تنها میل جنسی را عامل اصلی گرایش زن و مرد به یکدیگر معرفی می کنند. در مقابل، قرآن با ردّ این نظریه می گوید: انسان، اشرف موجودات جهان است. بنابراین، هدفی را که برای حیوانات اصیل است و سبب گرایش نر و ماده حیوانی به یکدیگر می شود، نمی توانیم درباره ی او صادق بدانیم. قرآن، عامل اصلی علاقه ی زن و مرد به یکدیگر را آرامش و سکونی معرفی می کند که در پرتو ازدواج به آن دست می یابند:

هُوَ الذّی خَلَقکُم مِنْ نَفْسٍ واحدهٍ وَ جَعَل مِنها زَوْجَها لِیَسْکُنَ اِلَیْها.(۱)

اوست خدایی که همه ی شما را از یک تن بیافرید و از او نیز جفتش را مقرّر داشت تا با او انس و الفت گیرد.

این آیه با تکیه بر یکی بودن اصل و گوهر زن و مرد، عامل اصلی گرایش را آرام بودن زن و مرد در کنار یکدیگر معرفی می کند. خداوند در جای دیگر می فرماید:

و مِنْ آیاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَکُمْ من اَنْفُسِکُمْ اَزْواجا لِتَسکُنُوا اِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّهً وَ رَحْمَهً اِنّ فی ذلک لَایاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُون.(۲)

و یکی از نشانه های لطف الهی این است که برای شما از جنس خودتان، جفتی (و همسری) بیافرید که در بَرِ او آرامش یابید و با هم انس گیرید و میان شما، مهربانی برقرار ساخت. به یقین، در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند، نشانه هایی است.

۱- اعراف، ۱۸۹.

۲- روم، ۲۱.

این آیه به صراحت می گوید که این مهربانی و آرامش را خود خداوند ایجاد کرده و در ذات زن و مرد قرار داده است. پس خود خداوند، مهر و محبت همسران را در دل هم گذارده و این محبت الهی، آن دو را به سوی یکدیگر می کشاند.

علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» در ذیل این آیه می نویسد: «هریک از زن و مرد در حدّ خود و فی نفسه، ناقص و محتاج به طرف دیگر است و از مجموع آن دو، واحدی تام و تمام درست می شود و به خاطر همین نقص و احتیاج است که هریک به سوی دیگری حرکت می کند و چون بدان رسید، آرامش و سکونت می یابد؛ چون هر ناقصی مشتاق به کمال است و هر محتاجی مایل به زوال حاجت و فقر خویش است.»(۱)

بنابراین، عامل اصلی گرایش زن و مرد ـ همسران ـ به یکدیگر را که پیش زمینه ی ازدواج است، در آیات قرآن دیدیم. از همین آیات، هدف ازدواج نمودار می گردد؛ زیرا ازدواج چون به آرامش قلبی زن و مرد می انجامد، در رستگاری و نزدیکی او به خداوند نیز نقش مهمی دارد.

اینک به طور گذرا به آیاتی می پردازیم که جنبه هایی از شرایط و احکام ازدواج را بیان کرده اند. در این بخش می کوشیم تنها آن آیه هایی را بیاوریم که بیشتر با بحث ازدواج تناسب دارد؛ زیرا آیات فراوانی درباره ی احکام ازدواج بیان شده است.

تعدد همسران و شرایط آن:

تعدد همسران و شرایط آن:

۱- ترجمه ی المیزان، ج ۱۶، ص ۲۶۷.

قرآن در این باره می فرماید:

فَانْکِحُوا ما طابَ لَکم من النِّسآءِ مَثْنی و ثُلاثَ و رُباعَ فِاِن خفِتُم الّا تَعْدِلوا فواحِدَهً اَوْ ما مَلَکَتْ اَیْمانُکُم.(۱)

هرچه از زنان که شما را پسند افتاد، دو دو، سه سه، چهار چهار، به زنی گیرید. پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید، به یک [زن آزاد] یا به آن چه [از کنیزان] مالک شده اید، بسنده کنید.

این آیه که درباره ی تعدد همسران و شرایط آن نازل شده، داشتن بیش از ۴ زن را مجاز ندانسته است. شرط داشتن زنان متعدد نیز رعایت عدالت و ستم نکردن به آنان عنوان شده است. برخی، نظریه ی تعدد همسران را یکی از نقطه ضعف های اسلام دانسته اند. در پاسخ باید گفت: اسلام این ساختار را بی قید و شرط نگذارده است، بلکه برای پیش گیری از سوء استفاده ی مرد از زن، شرط رعایت عدالت میان زنان را آورده است. سخن درباره ی علت جواز تعدد همسر در اسلام بسیار است و درباره ی آن نظرهای گوناگونی ارایه شده است. در این جا به حدیثی از امام رضا علیه السلام بسنده می کنیم. روزی درباره ی تعدد همسران در اسلام از ایشان پرسیدند. حضرت فرمود:

اگر مرد چهار زن هم داشته باشد، فرزندی که هریک از آن ها بیاورد، فرزند اوست، ولی اگر زن دو همسر یا بیشتر داشته باشد، نمی توان دریافت فرزندی که به دنیا می آید، از آنِ کدام شوهر است.(۲)

۱- نساء، ۳.

۲- ترجمه ی المیزان، ج ۴، ص ۲۷۹.

ایمان؛ شرط اساسی همسر

ایمان؛ شرط اساسی همسر

وَلا تَنْکِحُوا الْمُشْرِکاتِ حَتّی یُؤْمِنَّ وَلَاَمَهٌ مُؤْمِنَهٌ خیرٌ مِنْ مُشْرِکَه وَلَوْ اَعْجَبَتکُم.(۱)

با زنان مشرک ازدواج مکنید، مگر این که ایمان آورند. همانا کنیزکی با ایمان از زن آزاد مشرک بهتر است، هرچند [زیبایی] او، شما را به شگفتی آورد.

این آیه، یکی از شرایط ازدواج، یعنی همتایی دینی همسر را بیان می کند. زن مشرک همتای مرد مسلمان نیست. بنابراین، شایستگی ازدواج با یک مؤمن را ندارد و برعکس. این آیه نشان می دهد که ایمان از معیارهای بسیار مهم در همسرگزینی است.

خوش رفتاری با همسر

خوش رفتاری با همسر

خداوند می فرماید:

و عاشِرُوهُنَّ بالمَعْروف فِاِنْ کَرِهتُمُوهُنَّ فَعَسی اَنَ تَکْرَهُوا شَیْئا و یَعْجَلَ اللّهُ فیهِ خیرا کثیرا.(۲)

در زندگی با زنان خود، با انصاف و خوش رفتار باشید و چنان که زن دلپسند شما نباشد، چه بسا بسیار چیزها ناپسند شما است و حال آن که خدا در آن، خیر بسیار برای شما مقدّر فرموده است.

به گفته ی علامه طباطبایی، این آیه «یک اصل آسمانی قرآن برای زندگی اجتماعی زن می باشد».(۳)

۱- بقره، ۲۲۱.

۲- نساء، ۱۹.

۳- ترجمه ی المیزان، ج ۸، ص ۷۵.

پیش تر گفتیم که در برخی اقوام و ملت ها، مردان حق داشتند زنان خود را به راحتی بکشند و با او مانند حیوان رفتار می کردند. در این جا می بینیم که قرآن با منطقی بسیار زیبا، زن را لازمه ی مرد و مکمّل او معرفی می کند. از این رو، به او دستور می دهد که با همسر خود با انصاف و کرداری خوش، رفتار کند و از ستم کاری در حق او بپرهیزد. حتی گوشزد می کند که اگر از او خوش تان نیامد، او را مانند کالایی به بیرون پرتاب نکنید، بلکه تا آن جا که ممکن است اندیشه ی جدایی و طلاق را به خود راه ندهید. این بدان دلیل است که انسان همواره دچار حب و بغض هایی می شود. شاید اگر بردبار باشید و بر اساس رفتار اسلامی با او رفتار کنید، حقایق آشکار شود و به اشتباه خود پی ببرید. در این جا نیز می بینیم که دیدگاه قرآن درباره ی ازدواج و گزینش همسر، دیدگاهی مهربانانه و همراه با رحمت و محبت است و ازدواج را تنها خرید یک کالا نمی داند که هرگاه شوهر نخواست، بتواند آن را پس بدهد.

حرمت ازدواج با محارم

حرمت ازدواج با محارم

خداوند می فرماید:

و لَا تنْكِحوا مَا نَكَحَ ابآؤُكُمْ من النِساء....(۱)

با زن پدرتان ازدواج نکنید مگر آن چه پیش تر رخ داده است؛ زیرا کاری ناپسند و مایه ی خشم خداوند است و عملی بسیار زشت است. حرام شد برای شما ازدواج با مادر و دختر و خواهر و عمه و خاله و دختر برادر و دختر خواهر

۱- نساء، ۲۲، ۲۳ و ۲۴. به دلیل طولانی بودن آیات، تنها ترجمه ی آن ها آمده است.

و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادرزن و دختران زنی که در دامن شما پرورش یافته اند، اگر با زن مباشرت کرده باشید و اگر نزدیکی نکرده اید و طلاق دهید، مانعی نیست که با دختر خود او ازدواج کنید. هم چنین ازدواج با زن فرزندان صلبی و جمع میان دو خواهر حرام است. مگر آن چه پیش از نزول این حکم رخ داده؛ زیرا خداوند بخشنده و مهربان است. ازدواج با زنان شوهردار حرام است، مگر آن زنان که مالك شده اید. این فریضه ی الهی است که بر شما مقرر گردیده و هر زنی جز آن چه گفتیم، حلال است که با اموال خود به زناشویی بگیرید ــ در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید ــ پس اگر شما از آنان بهره مند شوید، حق معیّنی را که مهرشان است، به ایشان بپردازید و بر شما باکی نیست که پس از تعیین مهر نیز به چیزی با هم تراضی کنید. البته خدا دانا و بر حقایق امور جهان آگاه است.

این آیه، محدوده ی انتخاب همسر را مشخص می کند و کسانی را که ازدواج با آنان حرام است، نام می برد.

ترس از فقر نباید مانع ازدواج شود

ترس از فقر نباید مانع ازدواج شود

خداوند می فرماید:

وَ اَنْکِحُوا اَلایامی مِنکُمْ و الصالِحینَ مِنْ عِبادِکُمْ وَ اِمآئِکُمْ اِنْ یَکُونُوا فُقَرآءَ یُغْنِهِمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِه و اللّهُ واسعٌ علیمٌ وَلْیَسْتَعْفِفِ الذینَ لا یَجِدُونَ نکاحا حَتّی یُغنِیَهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِه...(۱).

بی همسران خود و غلامان و کنیزان درست کارتان را همسر دهید. اگر تنگ دستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد؛ زیرا خدا گشایش گر داناست. کسانی که [وسیله ی]زناشویی نمی یابند، باید عفت

۱- نور، ۳۲ و ۳۳.

ورزند تا خدا، آنان را از فضل خویش بی نیاز گرداند.

خداونـد در آیه ی نخست، همه ی مسـلمانان را تشویق می کنـد که به تشـکیل خـانواده دست یازنـد. از سوی دیگر، درباره ی یکی از موانع ازدواج، یعنی فقر مـادی و اقتصـادی می فرمایـد که فقر نبایـد مانع ازدواج گردد. خداونـد به زن و مرد فقیر مژده می دهـد که، اگر پیش قدم شوند، آنان را از فضل خویش بی نیاز می سازد. هم چنین در آیه ی دوم اشاره می کند که اگر به هر علتی، زن و مردی نتوانسـتند ازدواج کنند، باید بکوشـند با عفت و پاک دامنی و تقوای الهی غریزه ی به هیجان درآمده ی خود را کنترل کننـد. در این صورت، خداونـد نیز به آنـان لطف می کنـد و زمینه ی تشـکیل خـانواده را برای ایشـان فراهم می آورد. در این جـا به این دو نکته می رسـیم که اسـلام بر خلاـف رهبـانیت و بوداییسم، ازدواج را تشویق می کنـد. هم چنین به آنـان کـه زمینـه ی ازدواج ندارنـد، پیشـنهاد می کنـد کـه خویشـتن دار باشـند و بر خلاـف اندیشـمندان غربی، آنـان را بـه بی بنـدوباری جنسـی فرا نمی خواند. پیش گرفتن چنین شـیوه هایی از آن جا ریشه می گیرد که اسـلام، دین انسان سازی و قرآن، کتاب رستگاری است.

این هـا نمونه ای از آیات قرآن مجیـد درباره ی ازدواج بود. البته آیات دیگری هم چون آیه ی ۱۸۷(۱) سوره ی بقره (که مرد و زن را لباس یکدیگر می شـمارد)، آیه ی ۴ سوره ی نسـاء (درباره ی مهریه) یا آیه ی ۷ سوره ی طلاـق (درباره ی نفقه) نیز وجود دارد که از آن ها چشم می پوشیم.

۱- این آیه در بخش پی آمدهای فردی ازدواج بحث می شود.

ازدواج از دیدگاه روایت های معصومان علیهماالسلام

اشاره

ازدواج از دیدگاه روایت های معصومان علیهماالسلام

هم چنان که قرآن، کتاب هدایت بشر است، مفسّران قرآن نیز که پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه ی معصومین علیهم السلام هستند، برای هدایت انسان ها فرستاده شده اند.

اینک به دیدگاه پیشوایان دین اسلام به ویژه مذهب تشیع درباره ی هدف، فلسفه و ملاک های ازدواج می پردازیم. خوشبختانه روایت های بسیاری درباره ی ازدواج وجود دارد و هیچ زاویه ای از زوایای پیچیده ی این سنت الهی از چشمان تیزبین ائمه علیهم السلام و پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم پنهان نمانده است.

امام صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید:

دوست داشتن زنان از اخلاق پیامبران صلی الله علیه و آله وسلم است.(۱)

پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است:

من از دنیای شما تنها از زن و بوی خوش، بهره برده ام.(۲)

هم چنین در حدیث دیگری از ایشان می خوانیم:

نور چشمانم در نماز است و لذّت من در زنان.(۳)

از این احادیث درمی یابیم که دیدگاه معصومین علیهم السلام درباره ی زن با دیگر دیدگاه ها چه تفاوتی دارد. دیگر دیدگاه ها، زن را موجودی شرور و شرّی ضروری و مایه ی بلای مرد می دانست و حتی مقام او را تا سطح

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، صص ۱۰ _ ۱۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، صص ۱۰ _ ۱۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، صص ۱۰ _ ۱۱.

حیوان و کالا پایین می آورد. در مقابل، این دیدگاه، به زن نگاهی آسمانی دارد. نکته ی اصلی در این روایات، پرهیز از افراط و تفریط درباره ی ابراز علاقه به زن است؛ زیرا روایت هایی در دست داریم که مسلمانان را از زیاده روی در دوست داشتن زنان، نهی می کند.

با توجه به این دیدگاه معتدل درباره ی زن، برخی موضوع های مربوط به ازدواج را از لابه لای احادیث معصومین علیهم السلام می آوریم.

تشویق به ازدواج

تشویق به ازدواج

در روایات بر اهمیت ازدواج و پی آمدهای مثبت آن بسیار تأکید شده است. دلیل چنین اهمیتی را در این عوامل باید جست وجو کرد: دور نگه داشتن مؤمن از فساد و فحشا، جبران کمبودهای طبیعی زن و مرد، نزدیک تر شدن به کمال الهی، دست یابی به آرامش روحی.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

در اسلام هیچ بنایی نزد خدا دوست داشتنی تر از بنای ازدواج نیست.(۱)

در جای دیگر چنین می فرماید:

ازدواج کنید؛ زیرا من در روز قیامت به فراوانی امتم افتخار می کنم تا آن جا که فرزند سقط شده با خشم بر در بهشت می ایستد. به او می گویند: وارد بهشت شو. می گوید: وارد بهشت نمی شوم تا آن گاه که پیش از من، پدر و مادرم وارد آن شوند.(۲)

ایشان در حدیث دیگری، ازدواج را محبوب خداوند معرفی می کند:

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳.
۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳.

هیچ چیز نزد خداوند محبوب تر از خانه ای نیست که در اسلام با ازدواج آباد می شود.(۱)

یکی از وظایف مسلمانان پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است. از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در حدیثی می فرماید:

ازدواج، سنت من است. هرکس از آن روی برگرداند (و ازدواج نکند) از سنت من روی برگردانیده است.(۲)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نیز می فرماید:

ازدواج کنید؛ زیرا ازدواج سنت رسول خداست.(۳)

فضیلت متأهل

فضیلت متأهل

هم چنین احادیثی وجود دارد که از برتری کسی که ازدواج می کند بر فرد مجرد سخن می گوید.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

دو رکعت نمازی که فرد متأهل (و دارای همسر) می خواند از ۷۰ رکعت نمازی که یک مجرد می خواند، بهتر است.(۴)

هم چنین در جای دیگر می فرماید:

دو رکعت نمازی که فرد ازدواج کرده ای می خواند، از شب خیزی و روزه داری یک مرد بی زن بهتر است.(۵)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵.
۲- جامع احادیث الشیعه، ج ۲، ص ۲۰.
۳- وسائل الشیعه، ص ۳.
۴- وسائل الشیعه، ص ۶.
۵- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷.

در حدیثی تکان دهنده از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین آمده است:

بدترین مرده های شما کسی است که عزب (و بدون ازدواج) بمیرد.(۱)

امام باقر نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند:

بیشتر اهل دوزخ، افراد مجرد هستند.(۲)

پافشاری بر هویت دینی ازدواج

پافشاری بر هویت دینی ازدواج

یکی از مسایل بسیار مهم ازدواج، هویت دینی همسرگزینی است. از نظر روایات، ازدواج تنها برای برآوردن غریزه ی جنسی نیست. ازدواج هم چون دژی است که زن ومرد را در بر می گیرد و از دین و ایمان آنان پاسداری می کند. ازدواج، زن و مرد را از آلودگی به گناه، باز می دارد. بنابراین، ازدواج از این دیدگاه، نه جنبه ی اقتصادی دارد و نه جنبه ی حیوانی، بلکه دارای هویت کاملاً دینی است.

درباره ی جنبه ی معنوی و دینی ازدواج به چندحدیث بسنده می کنیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

هرکس ازدواج کند، نیم دینش را حفظ کرده است. پس از خدا بترسید درباره ی نیم دیگر دین تان.(۳)

بنابراین، ازدواج از این دیدگاه، وسیله ای است برای حفظ دین و اعتقاد انسان و تکامل آن.

علی علیه السلام فرمود:

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷.
۲- جامع احادیث الشیعه، ج ۲، ص ۱۷.
۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵.

هیچ کدام از اصحاب رسول خدا ازدواج نمی کرد، مگر این که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: او دین خویش را کامل کرده است.(۱)

از سوی دیگر، احادیثی در زمینه ی دعای پیش از ازدواج، خطبه، نماز، دعاهای هنگام عقد و دعاهای هنگام عروسی و زفاف و... وجود دارد که از مجموع آن ها چنین بر می آید که در دیدگاه پیشوایان اسلام، ازدواج از جنبه ی معنوی و دینی بسیار بالایی برخوردار است. پس نگاه به ازدواج بدون در نظر گرفتن این جنبه ها، نگاهی ناقص و نامتعادل است.

نکوهش دیر شدن ازدواج

نکوهش دیر شدن ازدواج

در مکتب جامع و کامل اسلام برای همه ی دوره های سنی انسان، برنامه ریزی شده است. بنابراین، هنگامی که دختر و پسر به رشد عقلی و جسمی رسیدند، باید ازدواج کنند. رها کردن این سنت الهی یا رعایت نکردن زمان مناسب آن، پی آمدهای روحی نامطلوبی برای زن و مرد دارد. از این رو، پیشوایان دینی، ما را از آن نهی کرده اند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم روزی بر بالای منبر رفت و پس از ستایش الهی فرمود:

ای مردم! همانا جبرییل از سوی خداوند لطیف و خبیر بر من نازل شد و گفت: همانا دختران باکره مانند میوه های روی درخت هستند. هنگامی که میوه رسید باید آن را چید و گرنه خورشید آن را فاسد می کند و باد آن را تباه می سازد. هنگامی که دختران باکره به دوران بلوغ (و سن ازدواج) برسند، برای آنان دوایی جز شوهر نیست و گرنه از فسادشان ایمن نباشید؛ زیرا آنان نیز بشرند.(۲)

۱- جامع احادیث الشیعه، ج ۲، ص ۹.

۲- جامع احادیث الشیعه، ج ۲، ص ۲۴.

پیـامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم اسـلام بـا زبـانی رسا و منطقی و عالی، راه کار پیش گیری از فساد و فحشا در یک جامعه ی انسانی را بیان کرده است. فساد و فحشایی که اینک جامعه های انسانی را در بر گرفته است، در همین دیر شدن ازدواج دختر و پسـر ریشه دارد. بـاری، راه چـاره ی این معضل اجتماعی، ازدواج به موقع بر اساس مصالـح دختر و پسـر است؛ زیرا دگر گونی های جسمانی و روحانی رسیدن به سن بلوغ و هجوم غریزه های جنسی را تنها با ازدواج می توان کنترل کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در حدیثی دیگر می فرماید:

از سعادت مرد این است که دخترش در خانه اش قاعده نشود (و پیش از آن شوهر کند).(۱)

باید گفت این پافشاری در صورتی است که دختر و پسر از نظر روحی، جسمی، عقلی و مالی، آماده ی همسرداری باشند.

تشویق به ازدواج برای افزایش نسل

تشویق به ازدواج برای افزایش نسل

اسلام بر افزایش نسل با ایمان، صالح و مؤمن پافشاری می ورزد، چنان که پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

ازدواج کنید، همانا من در قیامت به فراوانی امّتم افتخار می کنم.(۲)

چند حدیث دیگر نیز به همین مضمون وارد شده است. برای نمونه پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

چه مانعی دارد که مؤمن زن بگیرد؟ باشد که خداوند به او فرزندی روزی

۱- جامع احادیث الشیعه، ج ۲، ص ۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳.

کند که با گفتن کلمه «لا اله الا اللّه» زمین را گران بار و سنگین سازد.(۱)

هم چنین در حدیث زیبای دیگری فرمود:

فرزندی که در امت من به دنیا بیاید، در نظر من دوست داشتنی تر است از هر آن چه خورشید بر آن بتابد.(۲)

ازدواج، مایه ی افزایش روزی و برکت

ازدواج، مایه ی افزایش روزی و برکت

پیشوایان دین، ازدواج را مایه ی افزایش روزی و برکت دانسته اند. برای نمونه پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

زن بگیرید؛ زیرا زن برای شما روزی است.(۳)

ایشان در جای دیگری فرموده است:

رزق و روزی را با ازدواج بخواهید.(۴)

هم چنین با اشاره به آیه ی ۳۲ سوره ی نور می فرماید:

غنا و بی نیازی را در این آیه بجویید (یعنی ازدواج کنید).(۵)

حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله وسلم در اهمیت این مسأله گفته است:

رحمت خداوند از درهای آسمان در چهار زمان گشوده می شود. هنگام نزول باران، هنگام نگاه کردن فرزند به صورت پدر و مادر، هنگام گشوده

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳.
۲- جامع احادیث الشیعه، ج ۲، ص ۸.
۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۴.
۴- جامع احادیث الشیعه، ج ۲، ص ۱۴.
۵- جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۹.

شدن در کعبه و هنگام ازدواج.(۱)

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

رزق و روزی با زن و فرزند همراه است.(۲)

تشویق به میانجی گری در ازدواج

تشویق به میانجی گری در ازدواج

اهمیت ازدواج در اسلام آن گونه است که از پدر و مادر و خویشاوندان دختر یا پسر می خواهد در امر ازدواج آنان میانجی گری کنند و راه را برای آغاز زندگی مشترک دو زوج جوان بگشایند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

هرکس، مجردی را زن دهد، خداوند در قیامت به او نظر (رحمت) می افکند.(۳)

امام علی علیه السلام فرموده است:

بهترین میانجی گری و شفاعت آن است که بین دو نفر برای ازدواج شفیع شود تا خداوند بین آن دو را با هم جمع کند.(۴)

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

در روزی که هیچ سایه ای جز سایه ی عرش خداوندی نیست، سه کس در پرتو آن قرار می گیرند: نخست، مردی که برادر مسلمانش را زن دهد و... .(۵)

آزادی در همسرگزینی

آزادی در همسرگزینی

۱- جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۱۱.

۲- جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۱۳.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۶.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۷.

۵- جامع احادیث الشیعه، ص ۱۶.

هرچند اسلام، پدر و مادر و خویشاوندان دختر و پسر را تشویق می کند، شرایط ازدواج را برای فرزندان خویش، فراهم سازند، ولی اجازه نمی دهد که آنان دختر و پسر را از برگزیدن همسر آینده ی خود محروم سازند. اسلام از پی آمد ازدواج های اجباری آگاه است؛ زیرا دختر و پسری که با زور و اکراه به ازدواج هم درآیند، سرانجام با طلاق از هم جدا خواهند شد. بنابراین، اسلام در انتخاب همسر، نظر دوطرف زندگی را شرط می داند. «ابن ابی یعفور» به امام صادق علیه السلام عرض کرد: می خواهم با زنی ازدواج کنم، ولی پدر و مادرم، دیگری را برای من می خواهند و در نظر گرفته اند، چه کنم؟ امام علیه السلام فرمود:

با آن کس که دوست داری، ازدواج کن و دختری را که پدر و مادرت خواسته اند، برمگزین.(۱)

یکی از نکته های مهم در این زمینه، افزون بر آزادی در همسر گزینی، جایز بودن دیدن و آگاهی یافتن از وضع روحی و جسمی همسر آینده است. بر اساس روایات، اگر کسی، زنی را برای ازدواج برگزید، می تواند برای آگاهی از ویژگی های جسمی او به محدوده ای از بدنش بنگرد.

«محمد بن مسلم» از امام باقر علیه السلام پرسید: آیامردی که می خواهد با زنی ازدواج کند، می تواند به او بنگرد؟

امام علیه السلام فرمود:

۱- جامع احادیث الشیعه، ج ۲، ص ۱۴۵.

آری، همانا او به گران ترین بها، زن را می خرد(۱) (پس می تواند به زن بنگرد).(۲)

در حدیث دیگری، «حسن بن سری» از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا مردی که می خواهد با زنی ازدواج کند، می تواند به دقت به پشت و روی بدن زن بنگرد؟ امام علیه السلام پاسخ فرمود:

مانعی ندارد زنی را که می خواهد با او ازدواج کند از پشت سر یا جلو ببیند.(۳)

هم چنین پیامبراسلام صلی الله علیه و آله وسلم به یکی از صحابه که از زنی خواستگاری کرده بود، فرمود:

صورت و دست هایش را ببین.(۴)

از دیگر موضوع های مطرح شده در روایات، ملاک های گزینش همسر و وظایف همسران نسبت به یکدیگر است که در جای خود، درباره ی آن بحث شده است.

نتیجه:

نتیجه:

۱ ـ ازدواج یک عمل عبادی و دارای جنبه ی معنوی و دینی است.

۱- در این جا منظور از خریدن، خرید و فروش نیست، بلکه مراد این است که مرد با ازدواج، می خواهد یک عمر با زن به سر برد و خانواده تشکیل بدهد. بنابراین، ازدواج برای مرد بسیار ارزش مند بوده و هزینه ی آن فراوان است.

۲- جامع احادیث الشیعه، ج ۲، ص ۳۲.

۳- جامع احادیث الشیعه، ج ۲، ص ۳۲.

۴- جامع احادیث، ج ۲، ص ۳۳.

۲ _ نباید تنها از دیدگاه ارضای غریزه ی جنسی به آن نگریست.

۳ _ تشویق فراوان اسلام به ازدواج یا میانجی گری در آن، نشان دهنده ی جایگاه والای این موضوع در اسلام است.

۴ _ بر خلاف ادیان و مکتب های دیگر، اسلام _ چون دین کاملی است _ برای همه ی مراحل و شرایط و ویژگی های این امر مهم، برنامه ریزی کرده است.

۵ _ نگاه اسلام، قرآن و روایات اسلامی به ازدواج، نگاهی ژرف، همه جانبه، آسمانی، جذاب و شیرین است.

فصل سوّم: پی آمدهای ازدواج و زیان های ترک آن از دیدگاه اسلام

اشاره

فصل سوّم: پی آمدهای ازدواج و زیان های ترک آن از دیدگاه اسلام

زیر فصل ها

پی آمدهای فردی ازدواج

پی آمدهای اجتماعی ازدواج

زیان های ترک ازدواج

پی آمدهای فردی ازدواج

اشاره

پی آمدهای فردی ازدواج

در این بخش به طور گذرا به مهم ترین پی آمدهای فردی ازدواج از دیدگاه اسلام می پردازیم.

۱ ـ برآوردن غریزه ی جنسی

۱ ـ برآوردن غریزه ی جنسی

غریزه ی جنسی از مهم ترین غریزه های نهفته در نهاد بشر است که در دوره ای ویژه آشکار می شود. به این غریزه باید به درستی پاسخ داد؛ زیرا هرگونه پاسخ افراطی یا تفریطی، انسان را به مشکل دچار می کند.(۱)

از نظر اسلام، ازدواج، پاسخ درست به جنب و جوش و آشکار شدن غریزه ی جنسی است. آدمی با ازدواج می تواند این غریزه ی سرکش را مهار کند و خود را از درافتادن به گرداب فحشا و بی بندوباری جنسی در امان دارد. بدین صورت، جوان مؤمن با ازدواج هم غریزه ی خود را به طور کامل برآورده می سازد و هم ایمان خود را از آسیب نگه می دارد.

۲ ـ تکامل رفتاری

۲ ـ تکامل رفتاری

مرد و زن ویژگی هایی دارنـد که در دیگری نیست. برای نمونه، شدت مهر و محبت در زن بیشتر است. در مقابل، قهر و جلال در مرد بیشتر است.

۱- در بخش موانع ازدواج، به برخی از این آسیب ها خواهیم پرداخت.

بنابراین، هرکدام کاستی هایی دارند که این کاستی ها با ازدواج جبران می شود. در حقیقت، ازدواج نوعی تکامل زن به وسیله ی مرد و تکامل مرد به وسیله ی زن است. به همین دلیل امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمود:

هیچ صحابه ای از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ازدواج نمی کرد، مگر این که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: او دین خویش راکامل کرده است.(۱)

۳ _ آرامش روحی

۳ _ آرامش روحی

آرامش روحی یکی از نعمت های بسیار مهم الهی است که خداوند آن را در ازدواج مقرر فرموده است. خداوند می فرماید:

یکی از نشانه های الهی این است که برای شما از جنس خودتان، جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یابید و با هم انس بگیرید.(۲)

الفت داشتن و هم نشینی انسان با کسی که در مراحل دشوار زندگی، دوش به دوش انسان گام بردارد و مایه ی آرامش قلبی و زدودن خستگی های جسمی و روحی بشود، به ویژه در عصر ماشینی و بی روح کنونی بسیار اهمیت دارد. زن و مرد در کنار هم، تکیه گاه یکدیگرند و در مشکلات به همدیگر یاری می رسانند. آن گاه با عشق و محبتی که خداوند در دل آنان قرار داده است، به آرامشی جاودان می رسند؛ زیرا این عشق و محبت، الهی است. خداوند می فرماید:

۱- جامع احادیث الشیعه، ص ۹.

۲- روم، ۲۱.

وَ جَعَلَ بَيْنَكُم مودّةً و رحمةً(۱)

خداوند میان شما، محبت و مهربانی را برقرار ساخت.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در حدیث زیبایی می فرماید:

برای مؤمن چه سودی بهتر از زن شایسته که هرگاه او را می بیند، شادمان شود.(۲)

روان شناسان برای کسانی که از این نعمت برخوردار نیستند، عوارضی هم چون: «ضعف و خستگی و کوفتگی عمومی، هراس و دلهره از خطرهای توصیف ناپذیر، بی قراری و ناآرامی، بی خوابی، خستگی فکری و...»(۳) را برمی شمرند.

۴ _ همسران، لباس یکدیگرند

۴ _ همسران، لباس یکدیگرند

خداوند در قرآن می فرماید:

هُنَّ لباسٌ لکم و اَنْتُم لباسٌ لَهُنَّ.(۴)

زن ها لباس شما هستند و شما (مردان) لباس زن ها هستید.

برخی استادان اخلاق برای لباس در این آیه، سه معنا برشمرده اند:

الف _ زن و مرد، زینت یکدیگر و مایه ی مباهات و افتخار همدیگر هستند؛ چنان چه لباس نیز زینت است. البته این افتخار و احساس روانی آن بسیار اهمیت دارد.

۱- روم، ۲۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷.

۳- ازدواج در آستانه ی علم، ص ۱۰۸.

۴- بقره، ۱۸۷.

ب ـ زن و مرد مایه ی تهذیب نفس یکدیگرند و همدیگر را از آلودگی به گناه باز می دارند. یکی از کارهای لباس، حفظ بدن از خطرهایی مانند سرما است. بنابراین، همسران نیز همدیگر را از درافتادن به گناه باز می دارند و سبب تکامل همدیگر می شوند.

ج ـ زن و مرد پوشاننده ی یکدیگر هستند. هم چنان که لباس، عیب ها و زشتی های بدن را می پوشاند، مرد و زن نیز عیب یکدیگر را می پوشانند و اصلاح می کنند.(۱)

۵ ـ بهبود وضع اقتصادی

۵ ـ بهبود وضع اقتصادی

ازدواج افزون بر تکامل دین، به پیشرفت اقتصادی می انجامد؛ زیرا حس مسؤولیت، پرهیز از اسراف گری و آینده نگری برای خود و فرزندان، پس از ازدواج رخ می دهد. وعده ی خداوندی در سوره ی نور و گفتار پیشوایان دین در این باره نیز بر این معنی تأکید می کنند.

پی آمدهای اجتماعی ازدواج

اشاره

پی آمدهای اجتماعی ازدواج

زیر فصل ها

۱ ـ افزایش قدرت جامعه

۱ ـ افزایش قدرت جامعه

خانواده، قدیمی ترین، کوچک ترین و مهم ترین نهاد اجتماعی است که با ازدواج شکل می گیرد. از به هم پیوستن خانواده ها نیز قبیله، روستا، شهر، استان و کشورها پدید می آید. پس خانواده، پایه و اساس هر جامعه به شمار می آید و اصولاً فرض یک جامعه بدون وجود خانواده ناممکن است.

بنابراین، نتیجه می گیریم که استحکام و پویایی خانواده ـ که در ازدواج

۱- اخلاق در خانه، ج ۱، ص ۱۸۲.

ریشه دارد ــ مایه ی قدرت و قوت جامعه است. در این صورت، هرچه ازدواج ها به درستی قوام یابد، جامعه نیز روال طبیعی خود را می پیماید و از هجوم اندیشه های ناسازگار دیگر جوامع در امان می ماند. بدین ترتیب، ازدواج و در کنار آن، رابطه ی صمیمی و دوستانه ی زن با شوهر از یک سو و روابط گرم فرزندان با پدران و مادران از سوی دیگر، با گسترش و قدرت ملی پیوند می خورد. هرگاه این روابط در جامعه ای سردتر بوده و آمار طلاق بالاتر باشد، به همان اندازه از قدرت ملی آن کشور کاسته می شود.

۲ ــ بنا نهادن نخستین آموزشگاه

۲ ــ بنا نهادن نخستین آموزشگاه

با ازدواج این امکان پدید می آید که فرزند به محض به دنیا آمدن از یک سرپناه مطمئن به نام خانواده برخوردار باشد. فرزند در این سرپناه مطمئن که نقش آموزشی و پرورشی آن بسیار مهم است، نخستین آموزش های لازم را برای ورود به زندگی دریافت می کند. فرزند با آموختن این آموزش ها و اندوختن نخستین تجربه های مهر پدر و مادر به عرصه ی زندگی اجتماعی گام می نهد.

اگر به دلیل ارتباط آزاد جنسی و غیر مشروع زن و مرد و در پی آن، تولد فرزند نامشروع، چنین پناهگاه مطمئن و آموزشگاه سالمی به وجود نیاید، مشکلات بسیاری دامن گیر آن فرزند و اجتماع خواهد گردید. معمولاً چنین کودکان نامشروعی به دلیل محروم ماندن از آموزش و پرورش خانوادگی و ندیدن محبت پدرانه و مادرانه، به سرعت به بزه کاری روی می آورند. آنان با رفتارهای بزه کارانه و گاه جنایت کارانه ی خویش، آسایش را از جامعه سلب خواهند کرد که درمان آن نیز به آسانی ممکن نیست.

ازدواج در پیش گیری از پدید آمدن چنین فرزندانی و در امان نگه داشتن جامعه از پی آمدهای آن، اهمیت بسزایی دارد. یکی از عوامل تشویق اسلام به ازدواج، منع فحشا و تحریم زنا، آگاهی از همین مشکلاتی است که متأسفانه روز به روز بر دامنه ی آن در جامعه افزوده می شود.

۳ ـ پاسداری از سنت های اجتماعی

۳ ـ پاسداری از سنت های اجتماعی

هر جامعه از یک سلسله سنت ها و فرهنگ های اجتماعی و اخلاقی تشکیل شده است که از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد و در گردونه ی حیات، پایدار می ماند. این فرهنگ ها، سنت ها و ارزش های اجتماعی ـ اعم از بومی و ملی ـ از راه ازدواج و تشکیل خانواده منتقل می شود. چنان چه آمار ازدواج در جامعه ای کاهش یابد یا ارتباط آزاد جنسی فراوان گردد، ممکن است این اصول و سنت های فرهنگی کم کم سست شوند. چنین سنت هایی در کانون خانواده ها حفظ می شود و انتقال می یابد، ولی در روند ارتباط آزاد جنسی، خبری از خانواده نیست تا این سنت ها منتقل شود و پایدار بماند.

۴ ـ پیشرفت اقتصادی

۴ ـ پیشرفت اقتصادی

چنان که گفته شد ازدواج به پیشرفت اقتصادی فرد می انجامد. از آن جا که اقتصاد جامعه از اقتصاد افراد تشکیل می شود، هرچه وضع زندگی و اقتصاد خانواده ها بهتر شود، وضع اقتصادی جامعه و کشور بهبود می یابد. هرچند این نقش پس از انقلاب صنعتی کم رنگ تر شده است، ولی همه می دانیم که هرقدر کوشش اقتصادی خانواده ها افزایش یابد، وضع اقتصادی جامعه نیز بهبود خواهد یافت.

۵ _ حفظ ایمان و کاهش بزه کاری در جامعه

۵ _ حفظ ایمان و کاهش بزه کاری در جامعه

دانستیم که ازدواج در کامل شدن دین فرد و پیش گیری از ارتکاب بزه نقش دارد. هم چنین از فضیلت انسان متأهل آگاه شدیم و دریافتیم که ازدواج در دیدگاه اسلام، هویتی کاملاً دینی و مذهبی دارد. پس اگر آمار ازدواج در جامعه ای اندک باشد و برعکس، روابط آزاد دختر و پسر رایج شود، از کم رنگ شدن ایمان مذهبی در اجتماع حکایت می کند. آشکار است که اگر جوانان به دلایل گوناگون مانند موانع اقتصادی، اجتماعی و... نتوانند غریزه ی جنسی خود را به درستی پاسخ گویند و از عفت و حیا و شرم کافی در رفتار اجتماعی شان برخوردار نباشند، جامعه به کژراهه خواهد رفت.

شیرینی های دروغین روابط عاشقانه، می تواند ایمان جوانانی را که هیچ تجربه ای در زندگی ندارند، از بین ببرد و می دانیم که یک فرد بی ایمان نیز به هر فساد و فحشایی دست خواهد زد. گسترش فسادهای اخلاقی و باندهای تبه کار از آن جا ریشه می گیرد که فرد نمی تواند یا نمی خواهد با ازدواج به غریزه ی خود پاسخ دهد به همین دلیل، جامعه را به درهّ ی هولناک انحطاط اخلاقی می کشاند. از این گونه نمونه ها بسیار به چشم می خورد که برای نمونه به قوم لوط و ثمود می توان اشاره کرد.

پس اگر مسؤولان و خانواده ها به کارکرد مهمّ ازدواج در مبارزه با تهاجم فرهنگی به درستی توجه کنند، می توانند از آن به عنوان حربه ای برای مبارزه با فساد و فحشا بهره بگیرند.

زیان های ترک ازدواج

زیان های ترک ازدواج

برای شناخت آسیب هایی که بر اثر ترک ازدواج بر فرد وارد می شود، باید به اهمیت ازدواج از نظر زیست شناسی و بهداشت جسمی و روانی پی ببریم. بارها گفتیم که ازدواج، پاسخ درست و طبیعی به گرایش جنسی است و چون این گرایش بسیار اهمیت دارد، «روان شناسان ریشه ی بسیاری از عوارض ناراحت کننده ی عصبی و بیماری های روانی و اجتماعی را احساس محرومیت به ویژه در زمینه ی امور جنسی تشخیص داده اند.»(۱)

پژوهش ها نشان داده است که اگر هنگام هجوم امیال جنسی ـ که خداوند در وجود زن و مرد قرار داده است ـ به این گرایش به درستی پاسخ داده نشود یا سرکوب شود، آسیب های جسمی و روانی فراوانی برای فرد و جامعه ایجاد می شود. پس این نیروی طبیعی باید همانند دیگر نیروهای وجود آدمی تعدیل گردد و از زیاده روی ـ آزادی کامل جنسی ـ یا کوتاهی در آن ـ ازدواج نکردن ـ پرهیز شود.

پیش تر گفتیم که بیماری های جسمی و روحی مانند: افسردگی، گوشه نشینی و... از پی آمدهای منفی برآورده نشدن این غریزه است. دانشمندان در افرادی که مدتی گرفتار تحریکات جنسی بوده و نتوانسته اند آن را برآورند، برخی ناراحتی های عصبی مانند: تنگی تنفس، ناراحتی قلب، افزایش تپش قلب، خستگی و کوفتگی عمومی، ناراحتی معده، سردرد، هراس و دلهره از خطرهای توصیف ناپذیر، بی قراری و ناآرامی، بی خوابی،

۱- ازدواج در آستانه ی علم، ص ۱۰۸.

بی اشتهایی و خستگی فکری را دیده اند. این یک سوی ماجرا است.

از سوی دیگر، اگر آدمی بخواهد برای برآوردن این غریزه به روش های نادرست مانند: روابط جنسی آزاد پناه ببرد، پی آمدهای به مراتب بدتری خواهد داشت. بیماری هایی چون: سیفلیس، سوزاک، ایدز و ناراحتی های عصبی، ارمغان همین روابط آزاد جنسی است. در این میان، مهم ترین معضل قرن ما «ایدز» است که دگرخواهی جنسی را عامل اصلی انتقال این بیماری وحشتناک دانسته اند. ایدز «به عنوان یک بیماری مسری و مهارنشدنی، همه روزه ۱۶ تا ۲۰ نفر را آلوده می کند و پس از مدتی به کام مرگ می کشاند. از آغاز شیوع ایدز تا کنون، ۲۰ میلیون نفر جان خود را از دست داده اند که از این تعداد، تنها ۸/۲ میلیون نفر در سال ۱۹۹۹ مرده اند».(۱) کشور ما نیز از این بلای خانمان سوز در امان نمانده است و بر اساس آخرین آمار «تا آذرماه سال ۷۹، ۲۲۷۱ نفر در ایران به ایدز مبتلا شده اند.»(۲)

هرچند آمار واقعی بیشتر از این عدد است و هر روز بر آن افزوده می شود، ولی عمق فاجعه هنگامی آشکار می شود که از پی آمدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بهداشتی ایدز آگاه گردیم. اگر با دیدی کلی تر به پدیده ی ایدز بنگریم، خواهیم دید که گسترش آن به نابودی سرمایه های کشور خواهد انجامید. همه ی این آسیب ها به دلیل روی آوردن به شیوه های غیرطبیعی ارضای غریزه ی جنسی است. آشکار است که اگر موانع ازدواج

۱- روزنامه ی جام جم، ش ۳۳۸، ص ۷.

۲- روزنامه ی جام جم، ش ۳۳۸، ص ۷.

برداشته شود و ازدواج آسان گردد، کمتر به این آمارهای وحشتناک برمی خوریم. پی آمدهای اجتماعی این وضعیت نیز بسیار خطرناک است؛ زیرا جوان به طور طبیعی می خواهد برای خود همسر برگزیند، ولی در همه ی راه های طبیعی آن، با مانع روبه رو می شود. اگر ایمان مذهبی نتواند وی را مهار کند، در سطح اجتماع در پی گم شده ی خود، به هوا و هوس های خیابانی و زودگذر دل می بندد. بدین ترتیب بسیاری از انرژی های بالقوه ی دوران جوانی را به هدر می دهد و فضای جامعه را نیز به فساد اخلاقی آلوده می سازد. آلودگی جوانان، کاهش ایمان مذهبی جامعه، گسترش فرهنگ بی حجابی و عریان گری غربی، به هدر رفتن انرژی و زمان جوانان و گسترش باندهای فساد و فحشا، نمونه هایی از این مشکلات است.

پدیده ی دیگر، پیدایش کودکان نامشروع است که ره آورد ارتباط نامشروع و غیر قانونی جنسی هستند. این پدیده یکی از مشکل های اجتماعی و اخلاقی جامعه های انسانی است که روز به روز در جهان و به تبع آن در کشور ما افزایش می یابد. «در انگلیس از هر ۲۰ کودکی که به دنیا می آید، یکی نامشروع است. در سوئد، ۲۳/۱۰٪، انگلیس ۸۸/۴٪ و در ایتالیا ۶/۲٪ کل کودکان متولد شده ناشی از روابط آزاد هستند.»(۱) و در آماری دیگر می خوانیم که «هرشب، ۸۰۰۰ نوزاد را در اروپا و آمریکا بر سر راه می گذارند.»(۲)

۱- روزنامه ی جام جم، ش ۳۳۸، ص ۷.

۲- ازدواج در آستانه ی علم.

هر چند آمار این پدیده در جامعه ی ما مشخص نیست، ولی با نگاهی گذرا به گسترش رفتارهای نامطلوب اجتماعی و فساد اخلاقی که کم کم بیشتر طبقات جامعه را در بر می گیرد، می توان دریافت که آمار کودکان نامشروع در کشور ما نیز رو به افزایش است.

آسیب های ترک ازدواج یا دیر شدن آن تنها به همین جا محدود نمی شود. افزون بر گسترش جرم و جنایت، فحشا و اعمال منافی عفت که هرروز، خبر آن را در روزنامه ها می خوانیم، دوری جوانان از کوشش های علمی، افت تحصیلی و ترک تحصیلی را نیز باید در شمار آسیب های این مسأله بیاوریم.

آثار زیان بار ترک ازدواج در بُعد اقتصادی نیز قابل ملاحظه است. جوانی که عمر و انرژی مفیدش باید در راه پیشرفت اقتصادی خود و جامعه اش به کار رود، این سرمایه ی ملی را با جاذبه های زودگذر جنسی داد و ستد می کند و ضربه ای سخت بر پیکر ناتوان اقتصاد جامعه وارد می آورد. نیروی کاردان نسل جوان، مهم ترین سرمایه ی هر جامعه ای به شمار می آید که در نبود چنین سرمایه ای، اقتصاد جامعه از هم فرو خواهد پاشید.

در یک نتیجه گیری کلی می توان به این واقعیت پی برد که هرقدر موانع ازدواج کمتر باشد یا اصلاً مانعی بر سر راه ازدواج جوانان نباشد، این آسیب ها کمتر می شود. برعکس،هرقدر این موانع بیشتر شود، جوان یا ازدواج نمی کند یا این که غریزه ی جنسی خویش را از راه های نامشروع برآورده می سازد. آشکار است که در هر دو صورت، فرد به آسیب های

روانی، جسمی، اجتماعی و اقتصادی دچار می شود و به اجتماع خود نیز آسیب وارد می سازد.

فصل چهارم: ملاک های همسرگزینی در اسلام

اشاره

فصل چهارم: ملاک های همسرگزینی در اسلام

یکی از مراحل بسیار مهم، حیاتی و دشوار در ازدواج، برگزیدن همسر است. اینک برآنیم تا بدانیم اسلام درباره ی ویژگی های یک همسر شایسته، چه ملاک هایی ارایه می دهد و از دیدگاه این دین، چگونه همسری باید برگزید؟ آیا تنها باید به عوامل مادی مانند: ثروت و زیبایی زن نگریست یا عوامل معنوی نظیر: ایمان و دین داری نیز مؤثر شمرده می شود؟ اکنون به طور گذرا به برخی از این ملاک ها اشاره می شود که در بیشتر موارد برای مرد و زن، مشترک است.

۱ _ دین داری و ایمان

۱ _ دین داری و ایمان

این ملاک را باید مهم ترین ملاک در همسرگزینی دانست؛ زیرا دین داری و پای بندی به باورهای مذهبی یکی از بزرگ ترین نعمت ها است. به یقین، کسی که ایمان و دین خود را حفظ کرده است، در امر زناشویی و زندگی مشترک نیز فردی موفق خواهد بود. در مقابل، فرد بی ایمان و بی اعتنا به باورهای مذهبی، همسر شایسته ای نخواهد بود. دین، مانع مهمی در برابر بی نظمی و افتادن آدمی به ورطه ی گناه و ستم کاری است. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم آن گاه که به فردی دستور داد ازدواج کند، چنین فرمود:

ازدواج کن و بر تو باد که با همسری دین دار ازدواج کنی.(۱)

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است:

هرکس برای دین زن با او ازدواج کند، خداوند مال و جمال به او روزی می کند.(۲)

این دیدگاه در آیه ی ۲۲۱ سوره ی بقره ــ چنان که بحث آن گذشت ــ بیشتر نمودار است، آن گاه که خداوند، مؤمنان را از ازدواج با زنان مشرک و بی دین نهی می کند، هرچند بسیار زیبا باشند.

۲ ــ خوش اخلاقی

۲ ــ خوش اخلاقی

پس از ایمان هیچ چیزی نمی تواند جای گزین اخلاق نیک و خوش رفتاری و خوش گفتاری همسر گردد؛ زیرا زن و مرد تکیه گاه یکدیگرند و تنها اخلاق پسندیده ی همسر می تواند خستگی های روحی و جسمی طرف دیگر را به آسانی بزداید. اگر همسری ــ زن یا مرد ــ از بیشترین ثروت و زیبایی و شهرت برخوردار باشد، ولی با بدی رفتار کند، مشکلات بسیاری پدید خواهد آمد.

به همین دلیل، احادیث اسلامی بر خوش زبانی، خوش خلقی، گذشت، ادب، نرم خویی، فروتنی، مهربانی، عدالت، شرح صدر و بردباری، پای می فشارند. هریک از این ویژگی ها می تواند بسیاری از اختلاف ها و کشمکش های خانوادگی را برطرف سازد؛ زیرا بیشتر این اختلاف ها از نبود

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۰.

همین عناصر سرچشمه می گیرد. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

با کسی که اخلاق و دینش پسندیده است (و ایمان و اخلاق نیک دارد) ازدواج کنید؛ که اگر چنین نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین پدید می آید.(۱)

با اندکی دقت در این سخن، به اهمیت خوش رفتاری در همسرگزینی، بهتر پی می بریم. هم چنین گفته اند: فردی به امام رضا علیه السلام نامه نوشت که فردی از بستگانم به خواستگاری دخترم آمده است، ولی اخلاق خوبی ندارد و بداخلاق است، چه کنم؟ امام علیه السلام فرمود:

اگر بداخلاق است، به او دختر نده.(۲)

و در حدیثی از امام علی علیه السلام ، آسان گیری، نرم خویی و سازگاری از جمله ویژگی های بهترین زنان شمرده شده است.(۳)

۳ _ همتایی

۳ _ همتایی

تناسب، همتایی و هم آهنگی مشخصات دختر و پسر عامل مهم دیگری است که بر آن بسیار تأکید شده است؛ زیرا اگر زن و مرد در جنبه های گوناگون دینی، اخلاقی، سنی، علمی و... تناسب نداشته باشند، گرفتار مشکل خواهند شد. با این حال، آن چه بیشتر اهمیت دارد، همتایی دختر و پسر از نظر اخلاق و باورهای مذهبی است. اهمیت همتایی به گونه ای است

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰.
۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۴.
۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵.

که حتی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درباره ی حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیهاالسلام فرموده است:

اگر علی علیه السلام آفریده نمی شد، هیچ همتایی برای ازدواج با فاطمه علیهاالسلام نبود.(۱)

آیه ی شریفه ی «و الطَّیِّباتُ للطَّیِّبِین ؛ زنان پاک، شایسته ی مردان پاک هستند»(۲) نیز به همین ملاک اشاره می کند. در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می خوانیم:

زمینه ی ازدواج همتایان را فراهم آورید و با همتای خود ازدواج کنید و آنان را برای به دنیا آوردن فرزندان شایسته برگزینید.(۳)

نکته ی اصلی این است که پافشاری، تنها در همتایی دینی و اخلاقی پسندیده است و در غیر آن صورت، امری بیهوده و ناپسند خواهد بود.

۴ _ اصالت و شرافت خانوادگی

۴ _ اصالت و شرافت خانوادگی

معمولاً ـ تربیت و رفتار و کردار هر انسانی زاییده ی تربیت و اخلاق خانواده ای است که در آن رشد کرده است. بررسی وضعیت خانواده ی فرد مورد نظر از نظر اجتماعی، اخلاقی، تربیتی و دینی، در شناخت بهتر همسر آینده به ما کمک خواهد کرد. روزی پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

ای مردم! از سبزه زاری که بر بالای منجلاب و مزبله ای روییده باشد، بپرهیزید.

هنگامی که درباره ی آن پرسیدند، ایشان فرمود:

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹.

۲- نور، ۲۶.

۳- وسائل الشیعه، ۱۴، ص ۲۹.

زن زیبایی است که در خانواده ی بدی رشد کرده باشد.(۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با اشاره به نقش مهم خانواده در پرورش، فرزندان باشرافت و اصالت خانوادگی را از ملاک های مؤثر در گزینش همسر دانسته است. هم چنین ایشان فرموده است: «خانواده ای بد»، نه خانواده ای فقیر و بی بضاعت. این سخن می رساند که ملاک شرافت و اصالت خانوادگی نیز نجابت، پاکی، دین داری و کرامت آدمی است، نه ثروت، قدرت و شهرت.

۵ _ سلامت جسم، روح و عقل

۵ _ سلامت جسم، روح و عقل

این عوامل در ایفای نقشِ فرد پس از ازدواج _ در قالب شوهر، زن یا پدر و مادر _ نقش مؤثری دارند. برای نمونه، مرد دیوانه نه می تواند نقش همسری را برای زنش انجام دهد و نه نقش پدرانه را برای فرزندش. به همین دلیل، احادیث اسلامی، مسلمانان را از ازدواج با کسانی که در زمینه ی روحی و عقلی کمبود دارند، بر حذر می دارد. منظور از نقص جسمانی نیز نداشتن اندام یا دیگر نقص های بدنی نیست، بلکه بیشتر به بیماری های خطرناکی مانند: جذام، پیسی و ایدز و نظیر آن بر می گردد. این تأکید بدان دلیل است که اسلام می خواهد مسلمانان، جامعه و نسلی پاک و سالم داشته باشند. امام علی علیه السلام می فرماید:

از ازدواج با زن احمق خودداری کنید؛ زیرا هم نشینی با او برای شما بلاـ است و بچه ی به دنیا آمده از او تباه و ضایع می شود.(۲)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶.

از امام بـاقر علیه السـلام پرسـیدند: آیـا می توان بـا زن دیوانه، ولی زیبـا ازدواج کرد؟ ایشـان به این پرسـش، پاسـخ منفی داده است.(۱)

هم چنین پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در فرازی از دعاهایش می فرماید:

خدایا! پناه می برم به تو از... زنی که با کودنی و حماقت و بدخلقی خود، مرا پیش از وقت، پیر کند و....(۲)

۶ _ زیبایی

۶ _ زیبایی

اسـلام افزون بر جنبه ی معنوی و دینی همسـر آینـده بر مسأله ی زیبایی همسـر نیز تأکید می کند. انسان خواه ناخواه، زیبایی را دوست دارد و زشـتی ظـاهری و نازیبـایی را ناپسـند می دانـد، چنـان که خداونـد نیز «خود زیبـاست و زیبـایی را دوست دارد». هرچنـد در احادیث اسـلامی، به این ملاک اشاره شـده است، ولی از هرگونه برخورد افراطی یا تفریطی با آن بایـد پرهیز کرد. زیبـایی را بایـد در کنـار دیگر ملاـک هـای اسـلامی قرار داد و نظری متعـادل بـه آن داشـت، هم چنـان که پیشوایـان مـا چنین دیدگاهی را آموزش داده اند. برای نمونه در حدیثی می خوانیم:

هرکس برای زیبایی زنی، با او ازدواج کند، خداوند زیبایی زن را برای مرد، وبال و سنگینی قرار می دهد.(۳)

در مقابل، می بینیم که امام کاظم علیه السلام می فرماید:

سه چیز نور چشم را جلا می بخشد؛ نگاه به سبزه، آب جاری و صورت

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۷.
۲- نظام خانواده در اسلام، ص ۱۶۶.
۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲.

زیبا.(۱)

پس اسلام از یک سو، همه چیز را در زیبایی چهره خلاصه نمی کند و از سوی دیگر، از آن بی اعتنا نیز نمی گذرد. در احادیث دیگری، روی سفید، چهره ی زیبا، بلندی و زیبایی مو، گندم گون بودن رنگ، خنده ی زیبا و... به عنوان زیبایی زن معرفی شده است. امام باقر علیه السلام فرمود:

هرگاه خواستید با زنی ازدواج کنید، از موی او بپرسید.(۲)

کسانی که نباید با آن ها ازدواج کرد

کسانی که نباید با آن ها ازدواج کرد

اسلام همان گونه که ملاک های همسرگزینی را برمی شمارد، از گروه هایی نام می برد که باید از ازدواج با آنان خودداری شود. فلسفه ی این نهی آن است که فرزند، امانت الهی است. برای حفظ این امانت و نعمت الهی باید در برگزیدن همسر ــ که پدر و مادر آینده است ــ دقت کرد تا این امانت الهی هدر نرود. پدر و مادر دختر و پسر نیز باید بکوشند دلبندان خویش را به دست کسانی نسپارند که آنان را از راه اخلاق نیک و حتی ایمان و اسلام دور می کنند. این گروه ها عبارتند از:

۱ ــ کافر و مشرک(۳)

۲ ــ شراب خوار

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۷.

۳- بحث آن پیش تر گذشت.

هرگاه شراب خوار به خواستگاری دخترتان آمد، به او زن ندهید.(۱)

هم چنین امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس دختر پاکش را به شراب خوار بدهد، رحم خود را با او گسسته است.(۲)

۳ _ فاسق

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

هرکس، دختر عزیز و باکرامتش را به مردی بی دین (و فاسق) شوهر دهد، هر روز هزاربار لعنت بر او نازل می شود.(۳)

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم در حدیثی دیگر، گروهی از زنان را معرفی می کند که باید از ازدواج با آنان خودداری کرد. ایشان فرمود:

آیا بدترین زنان را معرفی نکنم؟ زنی است که در فامیل خود ذلیل است و بر شوهر خویش، کبر و بزرگی می فروشد، نازا و کینه توز است و ازکار زشت پرهیز نمی کند. در نبود شوهر، خود را بیاراید و هنگام حضور شوهر بدون آرایش و زیور باشد. سخن شوهر را گوش نکند، عذر شوهر را نپذیرد و از خطایش درنگذرد.(۴)

۱- وسائل الشیعه، ص ۵۳.

۲- وسائل الشیعه، ص ۵۳.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۳۸، برگرفته از: مسایل ازدواج و حقوق خانواده، ص ۲۳۲.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۸.

فصل پنجم: دیدگاه اسلام درباره ی وظیفه های دوجانبه ی همسران

اشاره

فصل پنجم: دیدگاه اسلام درباره ی وظیفه های دوجانبه ی همسران

گفتیم که اسلام برای همه ی مراحل زندگی به ویژه ازدواج، برنامه های جامعی دارد. از جمله ی این برنامه ها؛ وظیفه ها و مسؤولیت های دوجانبه ای است که دین مبین اسلام برای همسران قرار داده و آنان را به انجام آن، امر کرده است. در این بخش، به طور گذرا به برخی از مهم ترین این مسؤولیت ها می پردازیم.

وظایف شوهر (مرد)۱

اشاره

وظایف شوهر (مرد)

زیر فصل ها

۱ ــ نفقه و فراهم آوردن نیازهای ضروری

۲ ــ برآوردن نیازهای جنسی

۳ ــ اکرام و محبت

۴ ــ ارشاد و هدایت

۵ ــ توسعه در امر زندگی و گشاده دستی

۶ ــ درگذشتن از خطای زن

۷ ــ آراستگی

۱ ــ نفقه و فراهم آوردن نیازهای ضروری

۱ ــ نفقه و فراهم آوردن نیازهای ضروری

وجوب نفقه و هزینه ی خانواده بر شوهر در شمار مسلّمات فقه و حقوق اسلامی است.(۱) وجوب نفقه دو شرط دارد: دایم

بودن ازدواج و تمکین زن از شوهر.(۲) هم چنین از غذا، لباس، فرش، وسایل آشپزی و اثاثیه، وسایل

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، صص ۲۸۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، صص ۲۸۹.

آرایش، مسکن، خدمت کار متناسب با شأن زن و بر اساس عرف و عادت، در شمار نفقه نام برده اند.(۱)

امام صادق علیه السلام در پاسخ به گروهی که درباره ی حق زن بر شوهر پرسیده بودند، فرمود:

او را سیر کند و تنش را بپوشاند و... .(۲)

هم چنین، در حدیثی دیگر، زن را یکی از کسانی می داند که نفقه و پرداخت هزینه ی زندگی او بر مرد واجب است.(۳)

۲ _ برآوردن نیازهای جنسی

۲ _ برآوردن نیازهای جنسی

یکی از وظیفه های مهم مرد، برآوردن نیازهای جنسی همسر است. به امام رضا علیه السلام گفتند: مردی همسر جوانی دارد، ولی به دلیل مصیبتی که بر او وارد شده، چندماه _ بلکه یک سال _ است همسرش را ترک کرده است. البته او قصد آزار دادن زنش را نداشته و این کار تنها به دلیل مصیبتی است که به او رسیده است. آیا او در این مورد، گناه کرده است؟ امام رضا علیه السلام فرمود:

اگر زنش را ۴ ماه ترک کند (در امر زناشویی) پس از آن گناه کرده است.(۴)

۳ _ اکرام و محبت

۳ _ اکرام و محبت

در دیدگاه اسلامی، زن همانند امانتی در دست شوهر است. بنابراین، شوهر نباید این امانت الهی را تباه کند، بلکه باید گرامی بدارد و دوست داشته

۱- حقوق خانواده، ص ۲۹۰ _ ۲۹۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲۴.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۲۵.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰۰.

باشد. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

از دنیای شما تنها زنان و بوی خوش را بهره گرفتم.(۱)

اکرام و محبت به همسر و آزار ندادن او آن قدر مهم است که پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم، آزار زن را سبب نپذیرفته شدن نماز و روزه و کار نیک مرد معرفی می کند.(۲) امام علی علیه السلام در نامه ای به امام حسن علیه السلام فرمود:

زن دسته ی ریحانه (ظریف) است نه قهرمان.(۳)

این سخن بدان معنا است که رفتار و کردار مرد نسبت به همسرش باید مانند رفتار با یک دسته ی گل باشد. در حدیثی دیگر، پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

زن لعبت (و مسرت بخش زندگی) است. هرکس زن بگیرد، نباید او را تباه و ضایع کند.(۴)

هم چنین ایشان می فرماید:

کسی که زن می گیرد باید به او احترام بگذارد.(۵)

۴ _ ارشاد و هدایت

۴ _ ارشاد و هدایت

در بخش پی آمدهای فردی ازدواج گفتیم که ازدواج مایه ی تکامل دین است. شوهر باید از دین و ایمان زن پاسداری کند و بر آن بیافزاید. از امام

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۰.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۹.

۵- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۴.

صادق علیه السلام پرسیدند: خداوند می فرماید: «خود و کسان خود را از آتشی که هیزمش، انسان ها و سنگ است، نگه دارید.»(۱) ما چگونه زنان خود را از این آتش حفظ کنیم؟ امام فرمود:

به زنان تان امر (به معروف) و نهی از منکر کنید.(۲)

علامه مجلسی در توضیح آیه ی ۶ سوره ی تحریم، ۴ وظیفه را برای سرپرست خانواده برمی شمارد: دعوت خانواده به پرستش خداوند، آموزش احکام و واجبات، نهی از زشت کاری ها، تشویق به کارهای نیک.(۳)

۵ _ توسعه در امر زندگی و گشاده دستی

۵ _ توسعه در امر زندگی و گشاده دستی

اسلام تنها به فراهم آوردن هزینه های واجب زن بسنده نکرده است. در مواردی، افزون بر واجب دانستن نفقه ی زن، مرد را تشویق می کند که برای نشان دادن مهر و محبت خود، هدایایی برای زن بخرد و با پرهیز از بخل ورزیدن، در زندگی، دستی گشاده داشته باشد. امام رضا علیه السلام فرمود:

بر صاحب نعمت واجب است که بر عیالش گشاده دستی داشته باشد.(۴)

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم نیز در تشبیه زیبایی می فرماید:

همانا مؤمن باید همانند رفتار خداوند در حق خانواده اش عمل کند. هرگاه خداوند در روزی به او وسعت داد، او نیز توسعه بدهد و هرگاه خداوند در

۱- تحریم، ۶.
۲- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۷.
۳- نظام خانواده، ص ۳۶۰.
۴- رسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۹.

روزی بر او سخت گرفت، او هم سخت بگیرد.(۱)

ایشان در نکوهش بُخل فرموده است:

کدام درد از بخل و خسیس بودن دردناک تر است؟(۲)

هم چنین احادیثی وجود دارد که مرد را به خریـدن تحفه برای زن تشویق می کنـد. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله وسـلم می فرماید:

کسی که به بازار برود و هدیه ای برای عیالش بخرد، مانند کسی است که حامل صدقه ای برای مستمندان باشد.(۳)

امام سجّاد علیه السلام می فرماید:

بـازار رفتن و خریـد یـک درهم گوشت برای همسرم که میـل به خوردن آن پیـدا کرده، برای من از بنـده آزاد کردن دوست داشتنی تر است.(۴)

البته این گشاده دستی نباید به اسـراف و تبذیر بیانجامد؛ زیرا عقل و شـرع، آدمی را به میانه روی سفارش می کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

هرکس در زنـدگی، میانه روی پیشه کنـد، خداونـد به او روزی می دهـد و هرکس تبـذیر و اسـراف کند، خداوند آن را حرام کرده است.(۵)

۶ ـ درگذشتن از خطای زن

۶ ـ درگذشتن از خطای زن

اســلام بـه مرد ســفارش می کنـد کـه اگر زن، خطـایی انجـام داد، او را ببخشـد و در صـورت بـداخلاقی زن، بردبـاری ورزد. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

۱- رسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۹.

۲- رسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۶.

۳- رسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲۷.

۴- رسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۱.

۵- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۹.

هر مردی که بر بـدی اخلاـق زنش صبر کنـد، خداونـد برای هر صبر او در برابر این بـداخلاقی همان پاداش را می دهـد که به صبر ایوب در برابر بلاهایش داد.(۱)

ایشان در حدیثی دیگر می فرماید:

هرکس برای رضای خدا در برابر اخلاق بد زنش صبر کند، خداوند پاداش شاکران را به او می دهد.(۲)

امام صادق علیه السلام در حدیثی که در گذشتن از خطا را از حقوق زن بر مرد، معرفی می کند، می فرماید:

پدرم زنی داشت که آزارش می داد، ولی پدرم، او را می بخشید.(۳)

۷ _ آراستگی

۷ _ آراستگی

تأکید اسلام بر آراستگی و پاکیزگی و بهره گیری از عطر و بوی خوش و... مخصوص زنان نیست، بلکه مردان را نیز در بر می گیرد. این نکته در حـدیث زیبایی به خوبی بیان شـده است.(۴) «حسن بن مبهم می گویـد: امام کاظم علیه السـلام را دیدم در حـالی که خضـاب کرده بـود. گفتم: فـدایت شـوم (شـما هم) خضـاب کرده ایـد (و خـود را آراسـته ایـد)؟ امـام فرمـود: آری، آراسـتگی از آن چیزهـایی است که عفت زن را افزون می کنـد. زنـان بـدین سـبب آلوده شـده انـد، که شوهران شان، خود را نیاراستند. ایشان سپس فرمود: آیا دوست داری که

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶.
۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۴.
۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۱.
۴- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۸۲.

همسـرت را بدون آرایش و در ژولیدگی ببینی؟ گفتم: نه. فرمود: او هم چنین است، نظافت و خوش بو بودن و کوتاه کردن مو از اخلاق پیامبران صلی الله علیه و آله وسلم است».

این ها شمه ای کوتاه از مسؤولیت های مرد و حقوق زن بر شوهر بود. افزون بر این ها مرد باید وظیفه هایی هم چون: همکاری در منزل، خوش زبـانی، احترام به خـانواده ی زن، همکـاری بـا زن در پرورش فرزنـدان و دیگر اصول انسـانی و اسـلامی را نیز رعایت کند.

وظایف زن

اشاره

وظایف زن

اینـک بـه احـادیثی می پردازیـم کـه دربـاره ی وظیفه هـا و مسؤولیت هـای زن در برابر مرد و حقـوق شـوهر بر زن وارد شـده است.(۱)

۱ _ تمکین در زناشویی

۱ _ تمکین در زناشویی

یکی از مهم ترین وظیفه های زن این است که از شوهر خود تمکین کنـد. اهمیت این امر تا جایی است که «اسـتحقاق نفقه در عقد دایم مشروط به تمکین زوجه است، مگر این که زوجه دارای عذر شرعی باشد.»(۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در سخنی درباره ی حقوق شوهر بر زن، تمکین را یکی از این موارد می شمارد و می فرماید:

زن باید خود را شب و روز (بر مرد) عرضه کند.(۳)

۱- بعضی از این وظیفه ها واجب است مانند: تمکین در زناشویی و برخی مستحب مانند: شیر دادن به فرزند.

۲- حقوق خانواده، ص ۲۹۶.

۳- جامع احادیث الشیعه، ص ۲۲۰.

در حدیث دیگری، امام باقر علیه السلام می فرماید:

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به زنان می فرمود: نمازتان را به خاطر این که شوهران تان را منع کنید، به درازا نکشانید.(۱)

پس می بینیم که اسلام به این امر بسیار اهتمام دارد. از این مطلب می توان دریافت که بسیاری از فحشا و فسادهای موجود در جامعه از کوتاهی زن و مرد در همین وظیفه بر می خیزد؛ زیرا وقتی شوهر یا زن نتواند خود را در خانه ارضا کند، ممکن است در بیرون از خانه و در محیط اجتماع، در پی آن باشد.

۲ ــ پیروی از دستور شوهر

۲ ــ پیروی از دستور شوهر

این وظیفه یکی از وظیفه های بسیار سنگین زن است و آن قدر اهمیت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

اگر می خواستم امر کنم کسی برای کسی سجده کند، امر می کردم که زن برای شوهرش سجده کند.(۲)

همه می دانیم که بسیاری از کشمکش ها و اختلاف های خانوادگی در پیروی نکردن زن از شوهر ریشه دارد. امام صادق علیه السلام فرمود:

هر زنی نمازهای پنج گانه را بخواند و روزه ی ماه رمضان را بگیرد و خانه ی خدا را زیارت کند و از شوهر خویش پیروی کند و حق علی علیه السلام را بشناسد، از هر دری که بخواهد، به بهشت وارد می شود.(۳)

۱- جامع احادیث الشیعه، ص ۲۲۶.

۲- جامع احادیث الشیعه، ص ۲۲۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۳.

بنابراین، ائمه معصومین علیهم السلام پیروی زن از شوهر را هم ردیف نماز و روزه و حج قرار داده اند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیز می فرماید:

هر زن صالحه ای که خدا را عبادت کند و فرایض را به جای آورد و از شوهرش پیروی کند، به بهشت وارد می شود.(۱)

گفته اند در روز عید قربان، پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم بر شتر برهنه ای سوار شد و به بیرون از شهر مدینه رفت. در آن جا به گروهی از زنان برخورد کرد، ایستاد و به آنان فرمود:

ای گروه زنان! صدقه بدهید و از مردان خود پیروی کنید.(۲)

البته اطاعت و پیروی در رفت و آمدها نیز مورد تأکید اسلام است(۳) و این مسأله یکی از دستورهای سازنده ی اسلام است که پی آمدهای سودمند فراوانی دارد؛ زیرا در هر جامعه ای که رفت وآمد زنان در آن بیشتر و بدون کنترل باشد، فساد نیز به همان اندازه بیشتر است.

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم با برشمردن حقوق مرد بر زن می فرماید:

زن نباید بدون اجازه ی شوهرش از خانه بیرون برود و اگر چنین کرد، فرشتگان آسمان و زمین و فرشتگان غضب و رحمت بر او لعنت می فرستند تا به خانه برگردد.(۴)

۱- جامع احادیث الشیعه، ص ۲۲۲.
۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۶.
۳- البته این امر بدین معنی نیست که زن هربار که می خواهد از خانه بیرون برود، از شوهر اجازه بگیرد، بلکه منظور این است که خروج زن با مخالفت مرد همراه نباشد.
۴- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۲.

۳ _ آزار نرساندن به شوهر

۳ _ آزار نرساندن به شوهر

زن نباید با رفتار و گفتار خویش، او را برنجاند؛ زیرا پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

زنی که شوهر خویش را خشمگین سازد، نماز و کار نیکش پذیرفته نمی شود تا آن گاه که شوهرش از او خشنود شود. اگرچه روزه ی بسیار بگیرد و شب را به زنده داری بگذراند و بنده آزاد کند و از اموالش در راه خدا انفاق کند.(۱)

در حدیث دیگری، امام صادق علیه السلام درباره ی آزار زبانی زن چنین می فرماید:

هرگاه زنی به شوهرش بگوید که من از تو هیچ خیری ندیدم، همه ی کردارش تباه می شود.(۲)

البته هم چنان که در بخش مسؤولیت های شوهر بیان شد، شوهر نیز باید از هرگونه آزار رساندن به همسرش خودداری کند.

۴ _ خوش رفتاری

۴ _ خوش رفتاری

خوش رفتاری و خوش گفتاری زن با مرد، احترام به شوهر، بازگو نکردن عیب های شوهر نزد دیگران، پیش دستی در سلام، بدرقه ی شوهر هنگام بیرون رفتن و به پیشباز شوهر رفتن، با نام نیک صدا زدن و... از راه کارهایی است که زن می تواند به وسیله ی آن ها زندگی شیرینی برای خود فراهم سازد. با به کار بستن چنین روش هایی، شوهر هرقدر هم بداخلاق باشد،

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

دگرگون خواهد شد. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم چه زیبا فرمود:

جهاد زن، خوب شوهرداری کردن اوست.(۱)

۵ _ آراستگی برای شوهر

در احادیث بی شماری آمده است که زن باید خود را تنها برای شوهرش بیاراید و هیچ گاه برای غیر شوهر و نامحرمان، آرایش نکند. امام باقر علیه السلام می فرمود:

شایسته نیست زن بدون زیور باشد، هرچند به گردن بندی باشد که به گردن می آویزد و سزاوار نیست دستش از خضاب تهی باشد، هرچند به حنا، دست خود را مسح کند حتی اگر پیر باشد.(۲)

اسلام حتی برای زنی که شوهر نابینا دارد، برنامه ی ویژه ای در نظر گرفته است. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم زینت چنین زنی را بوی خوش و خضاب معرفی می کند.(۳) گفتنی است برای این گونه آرایش و زینت زن برای شوهر هیچ محدودیتی وجود ندارد، بلکه امام باقر علیه السلام می فرماید:

هر آرایش و زینتی که زن برای شوهرش می کند، مانعی ندارد.(۴)

این دیدگاه کاملاً با روشی که در جوامع غربی حاکم است، فرق دارد. در آن جوامع، زن در بیرون از خانه و در برابر چشمان هوس آلود افراد هرزه، خود را بیش از پیش زیبا نشان می دهد. چنین پدیده ای یکی از عوامل

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۸.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۹.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۵.

بسیار مهم در گسترش فساد اخلاقی و انحطاط اجتماعی است. باری، اسلام، زینت و آرایش زن را تنها برای شوهرش می خواهد، چنان که پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

بر زن واجب است که خود را برای شوهرش، با بهترین بوها خوش بو سازد و بهترین لباس ها را بپوشد و به بهترین زینت ها خود را بیاراید.(۱)

اسلام برعکس جوامع غربی، اجازه نمی دهد که زن خود را در برابر چشمان نامحرمان بیاراید و خرامان گام بردارد. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

هر زنی که خود را خوش بو کند و از خانه اش بیرون برود، تا هنگامی که به خانه برگردد، بر او لعنت فرستاده می شود.(۲)

در حدیث دیگری، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به زنان مسلمانان دستور داد که خود را برای غیر شوهر زینت نکنند؛ که اگر چنین کنند بر خداوند حق است که آنان را به آتش دوزخ گرفتار سازد.(۳)

با اندکی دقت در ماهیت این احکام درمی یابیم که اگر به آن ها رفتار شود، بسیاری از مفاسد اخلاقی در جامعه ریشه کن خواهد شد.

۶ _ دیگر وظایف

۶ _ دیگر وظایف

کار در خانه از اموری است که از وظایف زن نیست، ولی در انسجام و رفاه خانواده نقش فراوانی دارد و گونه ای عبادت به شمار می آید. امام صادق

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۲.
۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۴.
۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل می فرماید:

هرگاه زنی به منظور خدمت در خانه ی شوهر چیزی را جابه جا کند، خدا به او نظر رحمت می افکند وهرکس که خدا به او نظر کند، از عذاب در امان است.(۱)

در روایتی دیگر، حتی دادن یک لیوان آب به شوهر برای رفع تشنگی او، از یک سال روزه داری و شب خیزی برای عبادت، برتر شمرده شده است.(۲) یکی دیگر از مسؤولیت های زن، تصرف نکردن در مال شوهر بدون اجازه ی او است، حتی اگر برای صدقه و انفاق باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هنگام برشمردن حقوق شوهر بر زن عنوان کرده است:

زن نباید از مال شوهرش صدقه بدهد جز با اجازه ی شوهرش.(۳)

فلسفه ی این کار در آن است که مال مرد، امانتی است نزد زن که باید به خوبی از آن نگه داری کند.

بنابراین، با توجه به آموزه های اسلامی و گفتار پیشوایان دین، ۴ وظیفه ی اصلی یا نیاز مهم خانواده را می توان چنین برشمرد:

۱ ــ نیازهای مادی: زن و مرد برای برآوردن هزینه های زندگی، وظیفه هایی دارند. مرد باید هزینه های مادی زندگی و نفقه را فراهم کند و زن نیز شایسته است با پرهیز از اسراف و تبذیر، به اقتصاد خانواده یاری برساند.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۲.

۲ _ نیازهای جنسی: این نیاز باید به وسیله ی زن و مرد به بهترین و کامل ترین صورت برآورده شود.

۳ _ نیازهای عاطفی: این نیاز با محبت، دل گرمی دادن، سخنان محبت آمیز و مهربانی دوجانبه برآورده می شود.

۴ _ نیازهای معنوی: پرورش دادن جنبه ی معنوی و روحی زن و مرد بسیار مهم است. هردو باید بکوشند با گفتار و کردار خویش، همدیگر را به سوی ایمان و معنویت و دوری از گناه و مادی گرایی بکشانند و به گفته ی قرآن، خود و خانواده شان را از آتش دوزخ دور نگه دارند.

فصل ششم: موانع ازدواج

اشاره

فصل ششم: موانع ازدواج

دانستیم که نیـاز زن و مرد به ازدواج و در کنار هم بودن، نیازی طبیعی و انکارناپـذیر است. هنگامی که دختر و پسـری به سـن بلوغ می رسـند و غریزه ی جنسـی به شـدت هجوم می آورد، تنها ازدواج می توانـد کامل ترین و بهترین پاسـخ گو باشد. پس هرگاه در برابر این پاسخ فطری طبیعت به غریزه ی جنسـی، مانع ایجاد شود، مشـکلات بزرگی به بار خواهد آمد. متأسفانه این موانع در جـامعه ی مـا کم نیست. هم چنـان که شـهید مطهری می نویسـد: «در جامعه ی امروز ما، جوانان به طور محسوسـی از ازدواج شـانه خالی می کننـد، حاملگی، زاییـدن و بچه بزرگ کردن به صورت امر منفوری برای زنان درآمـده است... ازدواج هایی که نمونه ی وحدت روح است جز در میان طبقاتی که به مقررات اخلاقی کهن پای بندند، کمتر دیده می شود.»(۱)

اینک به موانعی می پردازیم که به ترک ازدواج یا دیر شدن سن آن می انجامد:

۱ _ چشم داشت های بیهوده

۱ _ چشم داشت های بیهوده

این مانع چند جنبه دارد و متأسفانه روز به روز در حال گسترش است.

۱- اخلاق جنسی، ص ۶۷.

گاهی این بهانه جویی از سوی پسر و دختر و گاهی از سوی والدین و گاهی به دلیل وضعیت اجتماعی خانواده ها صورت می گیرد. در این حالت، هرکس می کوشد با همسری صد در صد ایده آل ازدواج کند که هیچ گونه کمبود و اشکالی نداشته باشد. کوتاهی یا بلندی قد، پایین بودن میزان تحصیلات، نداشتن خانه، زندگی با شوهر مادر، شهرستانی بودن، ناشناخته بودن در میان خویشاوندان و... برای دختر یا پسر بهانه گیر، دست آویز خوبی برای رد خواستگار یا نرفتن به خواستگاری است.

هرچند دقت در زمینه ی شخصیت، ویژگی های اجتماعی و اعتقادی، تناسب تحصیلات و... در گزینش همسر آینده اهمیت دارد، ولی آن چه مانع به شمار می آید، دیدن «هزار نکته ی باریک تر از مو» در طرف مقابل است. دیده شده است که در برخی موارد، نوع مدل لباس و مو، فردی را از ازدواج باز می دارد. این در حالی است که بارها گفتیم ازدواج بر اساس طبیعت انسان و دستور شرع، امری ضروری است. در این حالت، چه بسا دخترانی هستند که خواستگاران فراوانی داشته اند، ولی هریک را به دلیل همین چشم داشت ها و بهانه های بی جا رد کرده اند. هم چنین پسران بسیاری هستند که به دلیل نیافتن دختران صددرصد ایده آل خود(!) با وجود گذشتن چند دهه از عمرشان، به ازدواج تن نمی دهند. چاره ی کار آن است که سطح توقع ها و چشم داشت ها در ازدواج کاهش یابد و جنبه های مالی، زیبایی و... نقشی فرعی داشته باشند نه اصلی. هم چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همانندی در ایمان را اصل دانسته و فرموده است:

در امر ازدواج، همه ی مؤمنان همتای یکدیگرند.(۱)

۲ _ آداب دست و پاگیر

۲ _ آداب دست و پاگیر

یکی از خاکریزهای فراروی دختر و پسر و والدین در امر ازدواج، آداب و سنت هایی است که در جامعه نفوذ کرده و همانند یک واجب و فریضه(!)، نقض آن را نه تنها جایز نمی دانند، بلکه ضد دینی(!) می پندارند. متأسفانه چون این سنت ها رنگ مذهبی به خود گرفته است، در همه ی مراحل ازدواج گریبان گیر خانواده ها است و پیمودن راه را دشوار می سازد.

تشریفات سنگین شب خواستگاری، روز عقد، روز جشن و روز عروسی، دعوت از صدها نفر، خرید طلا برای زن با بهای بسیار گزاف، خرید طلا برای داماد(!)، برخی سنت های محلی و لازم الاجرا و... در شمار سنت های ناپسندی است که متأسفانه هنوز رواج دارد. بیشتر این آداب و سنت ها تنها به بهانه ی چشم و هم چشمی با دیگران _ برای روسفید شدن نزد همسایه ها و خویشاوندان و دوستان! _ صورت می گیرد. هم چنین با این سخن که رعایت این آداب، محبت می آورد، بر بیهودگی آن سرپوش می گذارند. برای نمونه، خریدن طلاهای هنگفت را نشانه ی محبت و اظهار علاقه ی داماد و خانواده اش به عروس عنوان می کنند، در حالی که گاهی بهای این طلاها از کل حقوق سالانه ی جوان تازه داماد بیشتر است.

باید گفت این آداب و سنت ها نه ریشه ی اخلاقی و انسانی دارد و نه ریشه ی شرعی و مذهبی؛ زیرا در مراسم ازدواج بزرگان دین اسلام هیچ

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۹.

کـدام از ایـن مـوارد دیـده نمی شـود. همـان گـونه که در داسـتان ازدواج بهـترین مرد و زن جهـان ــ علی علیه السـلام و زهرا علیهاالسلام ــ دیدیم که مراسم به سادگی بسیار تمام انجام شد و چنین سنت های دست وپاگیری وجود نداشت.

چنین نمونه هـایی در زنـدگی پیروان راسـتین اهـل بیت علیهم السـلام نیز به چشم می خورد.(۱) یکی از این نمونه ها، داسـتان شیرین ازدواج دختر فقیه گرانقـدر؛ مرحوم کـاشف الغطـاء است. مقـام علمی و فقهی کـاشف الغطـاء بر کسـی پوشـیده نیست. ایشـان در یکی از جلسه هـای درس خود عنوان می کنـد من دختری دارم که هنگـام ازدواج اوست. اگر یـک جوان متـدین و بااخلاـقی بخواهـد، دخترم را به ازدواج او در می آورم. در این میـان طلبه ای برخـاست و اظهـار علاـقه کرد. کـاشف الغطاء با توجه به شـناختی که از این طلبه داشت، به او گفت: پس از کلاـس به خانه ی من بیا. خود نیز پس از رفتن به خانه، با دخترش گفت وگو کرد. وی گفت که این طلبه از مال دنیا هیـچ ندارد، ولی دارای دانش و اخلاق است. دختر هم پذیرفت و در همان زمان، عقد را خواندند. ایشان یکی از اتاق های منزل خودش را حجله قرار داد و دختر را همان شب به خانه ی بخت فرستاد.

این داماد کسی نبود جز مرحوم شیخ محمدتقی مسجدشاهی که از فقیهان ارزشمند عصر خویش گشت. رفتار این بزرگان دین و دانش بسـیار آموزنـده است. این رفتار نشان می دهد که از یک سو، آنان برای امر ازدواج، اهمیتی بسـیار قایل اند و از سوی دیگر، از بستن هرگونه پیرایه های غیر دینی

۱- اخلاق در خانه، ص ۵۷ با اختصار و تصرّف.

به آن، دوری می کنند.

۳ ـ جهیزیه های سنگین

۳ ـ جهیزیه های سنگین

این مسأله نیز یکی از مشکلات و موانع ازدواج در جامعه ی کنونی ما است. اسباب و اثاثیه ای که باید در آغاز زندگی مشترک مشکل گشای دو جوان باشد، خود به مشکلی تبدیل شده که تنها با صرف هزینه های فراوان و به زانو درآمدن سرپرست خانواده در زیر فشار اقتصادی آن، گشودنی است. نخستین اندیشه ی پدر و مادر دختر هنگام آمدن خواستگار این است که چگونه هزینه ی جهیزیه ی دخترشان را فراهم سازند. اگر هم این توانایی را در خود نمی بینند، به ناچار دختر باید در خانه بماند و شوهر نکند تا خداوند دری بگشاید(!)

متأسفانه بیشتر این اسباب و اثاثیه های اضافی برای رفع مشکلات دو زوج جوان نیست، بلکه برای آن است که شمار ماشین هایی که جهیزیه را می برند به اندازه یا بیشتر از ماشین های جهیزیه ی دختر فلان همسایه یا فلان خویشاوند باشد. بد نیست بدانیم که جهیزیه ی حضرت زهرا و حضرت علی علیه السلام آن چنان ناچیز بود که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به گریه درآمد.

۴ ـ مهریه های سرسام آور

۴ ـ مهریه های سرسام آور

چهارمین مانع ازدواج نکردن یا دیر ازدواج کردن، مهریه های سرسام آوری است که گاهی رنگ دینی نیز به خود می گیرد. حتما شنیده اید که می گویند: ۱۲۴ هزار سکه به نیت ۱۲۴ هزار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم یا ۷۲ سکه به نیت ۷۲ تن

کربلا. در حالی که می توان گفت: ۵ سکه به نیّت ۵ تن آل عبا.

فلسفه ی وجودی مهریه در ازدواج، پر شدن خلاء اقتصادی زن و استحکام هرچه بیشتر کانون خانوادگی است. مهریه، وسیله ای برای میخکوب کردن داماد(!) و بدتر از آن، چشم و هم چشمی نیست. اسلام نیز مهر زیاد را نپذیرفته است و آن را ناپسند می داند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

شومی زن به زیادی مهر او و نازایی است.(۱)

البته احادیث دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که از آن چشم می پوشیم.

۵ ـ بی کاری

۵ ـ بی کاری

شاید بتوان گفت در جامعه ی امروزی، بی کاری جوانان مهم ترین علت ازدواج نکردن است. پیدا کردن شغل ـ آن هم متناسب با تحصیلات و ویژگی های دلخواه جوان ـ بسیار مشکل است، به گونه ای که تا جوان بخواهد به کار و منبع درآمدی دست یابد و سپس ازدواج کند، به دهه ی سوم یا حتی چهارم زندگی گام خواهد نهاد. بدون داشتن شغل نیز ازدواج کردن، بسیار مشکل آفرین و حتی امکان ناپذیر به نظر می رسد.

۶ ـ چشم و هم چشمی

۶ ـ چشم و هم چشمی

متأسفانه بیشتر آداب و رسوم مراسم های خواستگاری و عقد و عروسی زاییده ی همین بلای اجتماعی است. چشم وهم چشمی بر رفتار بیشتر

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۹.

خانواده ها در امر ازدواج تأثیر می گذارد و کار ازدواج را بیش از پیش دشوار، پرهزینه و پیچیده می سازد.

۷ _ اجبار در همسرگزینی

۷ _ اجبار در همسرگزینی

متأسفانه در برخی موارد دیده می شود که پدر و مادر پسر یا دختر آن چنان مستبدانه با این پدیده برخورد می کنند و می خواهند نظر خویش را بر کرسی بنشانند که جوان پس از مدتی، تمایل به ازدواج را از دست می دهد.

۸ _ توکل نداشتن بر خداوند

۸ _ توکل نداشتن بر خداوند

گاهی بعضی افراد، شرایط اولیه برای ازدواج را دارا هستند، ولی مسایلی هم چون گرانی و هزینه ی بالای زندگی را مطرح می کنند. این مسأله نشان می دهد که آنان به خداوند توکل ندارند و از فضل الهی ناامیدند. این مسأله آفت بزرگی است، در حالی که خداوند در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره ی نور می فرماید:

بی همسران خود و... را همسر دهید. اگر تنگ دستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد.

فصل هفتم: چگونگی ازدواج علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام

اشاره

فصل هفتم: چگونگی ازدواج علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام

زیر فصل ها

پیش از عروسی

عروسی مبارک

پیش از عروسی

اشاره

پیش از عروسی

زیر فصل ها

بزرگان به خواستگاری زهرا علیهاالسلام می روند

بزرگان به خواستگاری زهرا علیهاالسلام می روند

شهر مدینه از آرامش نسبی برخوردار بود و مهاجران و انصار می توانستند در پرتو این آرامش، به زندگی روزانه ی خود بپردازند. هرچند، گاهی پیامبر

صلی الله علیه و آله وسلم آنان را به جنگ با دشمنان دین اسلام فرا می خواند، ولی آن نیز برای شان شیرین بود.

در این میان، علی علیه السلام با کار در نخلستان های مدینه، به تنهایی روزگار می گذراند. با این همه، در اداره ی حکومت اسلامی هیچ گاه از همکاری با پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم دریغ نمی ورزید.

در خانواده ی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیز فاطمه زهرا علیهاالسلام ؛ دختر گرامی نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به سن بلوغ رسیده و افزون بر رشد جسمانی، به رشد عقلی و روحی دست یافته بود. برتری های دختر محبوب و نور چشم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سبب شده بود اصحاب بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درصدد خواستگاری از او برآیند. با این حال، هرگاه بزرگی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می آمد، ایشان می فرمود:

امرها الی ربها ان شاء أن یزوجها زوجها.

امر ازدواج فاطمه به دست خداست. اگر خدا بخواهد که او را شوهر دهد، خود چنین می کند.

گاهی نیز می فرمود:

انی انتظر بها القضا.(۱)

همانا من در امر ازدواج فاطمه، منتظر قضا و فرمان الهی هستم.

روزی ابوبکر نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رسید، روبه روی آن حضرت نشست و گفت: «ای رسول خدا! شما از ویژگی ها و پیشینه ی من در اسلام آگاهی

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۵.

و...». وی همین گونه ویژگی های خود را بر می شمرد تا این که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «چه می خواهی؟» ابوبکر گفت: «فاطمه را به نکاح من در آور!» پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ساکت شد و از وی روبرگردانید.

ابوبکر با ناامیدی و ناراحتی از خانه ی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بیرون رفت. در راه به عمر برخورد و داستان خود را برای او بازگو کرد. عمر گفت: «من نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می روم و همانی را که تو می خواستی، می طلبم». با این حال، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همانند پیش رفتار کرد و عمر نیز ناامید بازگشت.(۱)

هم چنین عبدالرحمن بن عوف که یکی از سرمایه داران زمان خود بود، به خواستگاری فاطمه زهرا علیهاالسلام رفت. وی، صد شتر با باری از پارچه های گران بهای مصری به همراه ۱۰ هزار دینار طلا را به عنوان مهریه ی فاطمه زهرا علیهاالسلام پیشنهاد کرد.(۲) پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از این سخن، خشمگین شد و حتی سنگریزه به سویش پرتاب کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «تو پنداشتی من بنده ی پول و ثروتم!».

هنگامی که همه ی خواستگاران فاطمه زهرا علیهاالسلام پاسخ رد شنیدند، با خود گفتند که به یقین، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، علی علیه السلام را برای دختر دردانه اش برگزیده است. از این رو، برآن شدند تا علی علیه السلام را به این کار، تشویق کنند.

۱- از دیگر خواستگاران فاطمه علیهاالسلام ، «عثمان بن عفان» بوده است. بانوی نمونه ی اسلام، ص ۶۴.

۲- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام ، ص ۴۷.

علی علیه السلام و خواستگاری

علی علیه السلام و خواستگاری

امام علی علیه السلام در نخلستان های مدینه، سرگرم آبیاری بود و با شترش، آب می کشید. ناگاه دید ابوبکر بن ابی قحافه، عمربن خطاب و سعد بن معاذ به سوی او می آیند. آنان چون به علی علیه السلام رسیدند، گفتند: «برای چه از فاطمه خواستگاری نمی کنی؟» علی علیه السلام که از مدت ها پیش به خواستگاری از حضرت زهرا علیهاالسلام می اندیشید، فرمود:

میلی را که در من، ساکن و بی حرکت بود، به حرکت درآوردید و امری را که در من خفته بود، بیدار کردید. به خدا سوگند! فاطمه در اندیشه ی من، جایگاه بزرگی دارد. همانند من، چگونه در برابر [مسأله ی ازدواج با] فاطمه، بردبار و ساکت بنشیند، جز این که کمی مال، مرا از رسیدن به آرزوهایم بازداشته است.(۱)

آنان گفتند: «اگر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، فاطمه را به تو ندهد، پس می خواهد به ازدواج چه کسی در آورد؟ در حالی که تو نزدیک ترین فرد به او هستی.» این مسأله نشان می دهد که علی علیه السلام از مدت ها پیش، به چنین پیوندی، مایل بوده، ولی به دلیل کمبودهای اقتصادی و شرم داشتن از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آن را بازگو نکرده است.

علی علیه السلام با توکل برخدا ره سپار خانه ی نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم گشت. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در خانه ی ام سلمه بود که علی علیه السلام در خانه را به صدا درآورد. در همین زمان، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به ام سلمه فرمود: «برخیز و در را باز کن. این کسی است که خدا و رسولش، او را دوست دارند.» ام سلمه پرسید: «این

۱- کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۵۴.

مرد کیست که پیش از دیدار، او را می ستایی؟» حضرت پاسخ داد: «ام سلمه! او مردی است که در برابر دشواری ها، سست و ناتوان نیست. او دوست، برادر و پسرعمو و محبوب ترین مردم نزد من است».(۱) ام سلمه تا این سخن را شنید، با شتاب در را باز کرد. علی وارد شد و روبه روی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نشست. با این حال، به دلیل جلال و هیبت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نمی توانست مطلبش را بگوید. از این رو، به زمین چشم دوخته بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «آیا برای حاجتی آمده ای؟ حاجتت را بگو.» علی علیه السلام لب به سخن گشود و گفت: «پدر و مادرم به فدایت! می دانی در کودکی، مرا از ابی طالب و فاطمه بنت اسد گرفتی. آن گاه مرا به غذای خود تغذیه کردی و با ادب خود، پروراندی. در محبت و شفقت، از پدر و مادرم بهتر بودی و خداوند، مرا به دست تو، هدایت کرد. به خدا سوگند! شما ذخیره ی من در دنیا و آخرت هستید. ای رسول خدا! برای خواستگاری فاطمه آمده ام، آیا شما می پذیرید؟»(۲) در این هنگام، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم که گویا از پیش منتظر چنین درخواستی بود، شادمان شد و با تبسّم فرمود: «مرحبا و اهلاً ـ یا علی! پیش از تو نیز مردان دیگری آمدند و هر بار من به فاطمه می گفتم، ولی نشانه ی کراهت در صورتش می دیدم.»(۳)

پس پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برخاست و نزد فاطمه رفت تا دختر خود را از خواستگاری علی علیه السلام خبردار سازد. البته دیگر نیازی به آن نبود که پیامبر

۱- ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۳۹؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۵۵.

۲- علی علیه السلام من المهد الی اللحد، صص ۹۳ _ ۹۴.

۳- فاطمه الزهرا علیهاالسلام ، دکتر یمانی، ص ۱۳۲.

صلی الله علیه و آله وسلم از ویژگی های علی علیه السلام برای او سخن بگوید؛ زیرا علی علیه السلام ، بالاتر از آن بود که برای فاطمه ناشناخته باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به همین سخن بسنده کرد که: «یا فاطمه! علی کسی است که خویشاوندی او و جایگاهش را در اسلام می دانی. من از خدا خواستم که تو را به ازدواج بهترین آفریده اش درآورد. پس نظر و تصمیم تو چیست؟»(۱)

فاطمه ساکت شد، ولی رویش را برنگرداند. حیا نیز او را از تصریح به موافقت باز می داشت، پس سکوت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چون نارضایتی و خودداری را در چهره ی مبارک زهرا نیافت، با خوشحالی برخاست و فرمود:

اللّه اکبر! سکوتها اقرارها.(۲)

خداوند بزرگ است. سکوت او نشانه ی رضایت اوست.

علی علیه السلام هم چنان در اتاق پذیرایی، منتظر پاسخ دختر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بود. ناگهان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وارد شد و به علی علیه السلام مژده داد که فاطمه پذیرفته است. علی که با شنیدن پاسخ مثبت فاطمه، در شادی غرق شده و به آرزوی خود رسیده بود، فرمود: «مرا به دست یابی به آرزو بشارت دادی، شما همیشه نیکوخوی و ستوده نفس و مبارک بخت بوده اید. سلام خدا بر شما باد.»(۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گفت: «آیا چیزی داری که با آن، شما را به ازدواج هم

۱- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، ص ۱۷۱.

۲- فاطمه الزهرا من المهد الی اللحد، ص ۱۷۱.

۳- ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۴۱.

درآورم؟». علی گفت: «پدر و مادرم به فدایت! چیزی از من بر تو پوشیده نیست. تنها یک شمشیر، یک سپر و یک شتر دارم که با آن آب کشی می کنم».(۱) پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «یا علی! از شمشیرت بی نیاز نیستی؛ چون با آن در راه خدا جهاد می کنی و دشمنان خدا را می کشی. با شتر نیز نخلستان ها را آب می دهی و با آن، مسافرت می کنی و روزی اهل خانه ات را فراهم می سازی. سپر را می پذیرم؛ آن را بفروش و به نزد من آی.»(۲) سپس افزود: «ای علی! شاد باش. همانا خداوند، فاطمه را در آسمان به نکاح تو درآورد پیش از آن که من، او را در زمین، به همسری تو درآورم. پیش از این که تو بیایی، فرشته ای از آسمان نزد من آمد که بیش تر از حد معمول، صورت و بال داشت و هرگز مثل او را ندیده بودم. پس بر من سلام کرد و گفت: ای محمد! شادباش برای سامان یافتن کارهای پریشان و به هم ریخته و پاکی نسل.»(۳)

خطبه ی عقد در مسجد

خطبه ی عقد در مسجد

به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، علی علیه السلام به سوی مسجد رفت تا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیز در پی او بیاید. در بین راه، ابوبکر و عمر را دید و داستان خود را برای آنان بازگو کرد. آن گاه به مسجد رفت. هم چنین پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به بلال دستور داد که مهاجر و انصار را در مسجد گرد آورد. پس از مدتی کوتاه، همگی در مسجد بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بر منبر بالا رفت و پس از ستایش

۱- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، صص ۱۷۲ _ ۱۷۳.

۲- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، صص ۱۷۲ _ ۱۷۳.

۳- ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۴۱.

خداوند فرمود:

ای مردم! بزرگان قریش، فاطمه را از من خواستگاری کردند و من در پاسخ گفتم که به خدا سوگند! من، شما را رد نکردم، بلکه خداوند شما را رد کرده است.(۱)

در همین حال، جبرییل بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نازل شد و گفت:

خداوند فرموده است که اگرعلی را برای فاطمه نیافریده بودم از آدم ابوالبشر تا روز قیامت، شوهر و همسری هم تراز فاطمه پیدا نمی شد.(۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیز پیام جبرییل را ابلاغ کرد و فرمود:

ای مردم! جبرییل بر من نازل شد و مرا آگاهی داد که خداوند جلیل، علی و فاطمه را در آسمان ها به نکاح هم در آورده است و از فرشتگان گواه گرفت و فرمان داد تا من نیز در روی زمین، فاطمه را به نکاح علی درآورم و شما را گواه بگیرم. پس فاطمه را به ازدواج علی درآوردم. ای علی! راضی شدی؟.(۳)

علی ایستاد و با چهره ای شاداب فرمود:(۴)

خدا را بر نعمت های او سپاس گزارم و گواهی می دهم که جز او، خدایی نیست. درود بر محمد صلی الله علیه و آله وسلم ؛ درودی که مقام و درجه اش را بالا برد. ای مردم! خداوند، ازدواج را برای ما پسندیده دانسته و بدان دستور داده است. خدا، ازدواج من و فاطمه را مقدّر ساخته و بدان حکم

۱- ناسخ التواریخ، ج ۳، صص ۴۶ _ ۴۸.
۲- ناسخ التواریخ، ج ۳، صص ۴۶ _ ۴۸.
۳- ناسخ التواریخ، ج ۳، صص ۴۶ _ ۴۸.
۴- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۹.

کرده است. ای مردم! رسول خـدا، فاطمه را به عقد من درآورده و زره ام را بابت مهر پذیرفت. از آن حضـرت بپرسـید و گواه باشید.

پس از این که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به پرسش حاضران، پاسخ مثبت داد، فرمود:

بارك اللّه لهما و عليهما و جمع شملهما.(۱)

خداوند برای شما مبارک گرداند و اجتماع تان را پاینده بدارد.

مهریه

مهریه

درباره ی مهریه ی حضـرت زهرا علیهاالسلام ، روایت های گوناگونی رسیده است. برای نمونه ۴۰۰ درهم،(۲) ۴۸۰ درهم،(۳) و ۸۰۰ درهم(۴) گفتـه انـد که در ظـاهر، ۵۰۰ درهـم درسـت اسـت؛ زیرا در روایـت هـایی، اهـل بیت علیهـم السـلام مهریه ی حضرت زهرا علیهاالسلام را ۵۰۰ درهم عنوان کرده اند. علامه مجلسـی در بحارالانوار درباره ی ازدواج امام جواد علیه السلام و ام فضل آورده است که مهر «ام فضل» را مهریه ی حضرت زهرا علیهاالسلام قرار دادند که ۵۰۰ درهم است.(۵)

بایـد دانست این ۵۰۰ درهم، جنبه ی مـالی و ظـاهری مهریه ی آن حضـرت است؛ زیرا در عـالم ملکوت و مـاوراء این طـبیعت مادی، مهر گران بهاتری برای ایشان در نظر گرفته اند. برای نمونه، در روایت های فراوانی تصـریح شده است که شفاعت گناه کاران امت محمد صلی الله علیه و آله وسلم، مهریه ی حضرت

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۹.
۲- موسوعه آل نبی علیهماالسلام ، ص ۵۷۶.
۳- بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۱۰۵ _ ۱۱۲.
۴- بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۱۰۵ _ ۱۱۲.
۵- بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۱۰۵ _ ۱۱۲.

زهرا علیهاالسلام است.(۱)

هنگامی که حضرت زهرا شنید پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای او، مهری قرار داده است، به رسول خدا گفت: «پس تفاوت من و دختران مردم چیست؟ از شما می خواهم که از خدا بخواهی مهریه ی مرا، شفاعت از گناه کاران امت شما قرار دهد». در این هنگام، جبرییل نازل شد. نوشته ای از حریر در دستش بود که بر آن چنین نقش بسته بود:

جعل اللّه مهر فاطمه الزهرا شفاعه المذنبین من امه ابیها.(۲)

خداوند، مهریه ی فاطمه زهرا را شفاعت از گناه کاران امت پدرش قرار داد.

جهیزیه ی با برکت

جهیزیه ی با برکت

علی علیه السلام به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، سپر خود را که «حطیمیه»(۳) نامیده می شد و هدیه ی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از غنیمت های غزوه ی «بدر» بود، به ۴۰۰ یا ۴۸۰ یا ۵۰۰ درهم فروخت. بنابر قولی، عثمان زره را خرید، ولی بعد به علی علیه السلام پس داد.(۴) علی علیه السلام پول را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آورد. ایشان نیز پول را سه بخش کرد؛ بخشی برای خریدن جهیزیه، بخشی برای خرید عطر و بوی خوش شب عروسی و بخش دیگر برای غذای ولیمه ی عروسی. آن گاه پول غذا را نزد ام سلمه به امانت نهادند.

۱- بهجه قلب المصطفی صلی الله علیه و آله وسلم، ص ۴۶۴.

۲- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، ص ۱۸۴.

۳- حطیمیه، نام قبیله ی حطیمیه بن محارب است که زره های خوبی می ساختند.

۴- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۰.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، پول جهیزیه را به ابوبکر داد تا همراه سلمان و بلال، آن چه را شایسته است برای دخترش بخرند. آنان به بازار رفتند و جهیزیه ای بسیار مختصر، ولی با برکت برای این تازه عروس و داماد خریدند. این وسایل عبارت بود از: روسری بزرگ به ۴ درهم، یک قواره پیراهن به ۷ درهم، یک تخت که با چوب و برگ خرما ساخته شده بود، ۴ عدد بالش از پوست گوسفند که از گیاه خوش بوی «اذخر» پر شده بود، یک پرده ی پشمی، یک قطعه حصیر، یک مشک چرمی، یک عدد آسیاب کوچک دستی، یک تشت مسی، یک ظرف برای دوشیدن شیر و یک سبوی گلی سبز رنگ.(۱)

البته در برخی منابع،(۲) مقنعه، ۲ بازوبند، آرد، ۲ کوزه و در برخی دیگر،(۳) عبای خیبری، ریسمانی که از پوست خرما بافته شده، سفره ی پوستی و فرشی بافت مصر را که لابه لای آن از پشم بود، به شمار جهیزیه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام افزوده اند. هنگامی که جهیزیه ی حضرت فاطمه را نزد پیامبر بردند، حضرت بر آن وسایل دست کشید و فرمود: «بارك اللّه لاهل البیت؛ خداوند بر شما اهل بیت علیهم السلام مبارک گرداند».(۴) بنابر گفته ی آیت الله مکارم شیرازی، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گریست. آن گاه سر به آسمان برداشت و فرمود: «خداوندا! بر خانواده ای که مهم ترین ظروف آن ظرفی سفالین است، مبارک

۱- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام ، صص ۵۲ _ ۵۳.

۲- ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۵۴.

۳- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، ص ۱۸۰.

۴- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، ص ۱۸۱.

گردان».(۱)

عروسی مبارک

اشاره

فاصله افتادن میان عقد و عروسی

فاصله افتادن میان عقد و عروسی

پس از مراسم عقد در مسجد، میان عقد و عروسی، فاصله ای افتاد که برخی آن را یک ماه(۲) و برخی دیگر تا چند ماه دانسته اند.(۳)

دلیل این فاصله افتادن، آن بود که علی علیه السلام شرم داشت از رسول خدا بخواهد فاطمه را برای آغاز زندگی مشترک به خانه ی او بفرستد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیز کرامت و شأن دخترش را حفظ می کرد و منتظر گفتن علی علیه السلام بود. از این رو، هربار که علی علیه السلام را می دید، از فاطمه و از جمال و کمالش سخن می گفت.

روزی عقیل نزد برادرش ــ علی علیه السلام ــ آمد و او را برای برپایی عروسی تشویق کرد. علی علیه السلام شرم و حیای خود از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را با عقیل در میان گذاشت. عقیل تدبیری اندیشید و به همراه علی علیه السلام به سوی خانه ی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به راه افتادند. در راه، ام ایمن را دیدند. ماجرا را به او گفتند و او را عهده دار این کار کردند.

ام ایمن پیش ام سلمه و دیگر زنان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رفت و آنان را از شرم و حیای علی علیه السلام درباره ی عروسی آگاه ساخت. آن گاه همگی با هم

۱- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام ، ص ۵۳.

۲- کشف الغمه، ص ۳۶۰؛ بیت الاحزان، ص ۳۴.

۳- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، ص ۱۸۶.

نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رفتند و گفتند: «ای رسول خدا! پدر و مادرمان فدایت باد! برای امری گرد آمدیم که اگر خدیجه زنده بود، چشمانش به آن روشن می گشت.»(۱) پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چون اسم خدیجه را شنید، گریست. سپس فرمود: «چه کسی همتای خدیجه است و می تواند جای خالی او را برای من پر کند؟ هنگامی که مردم مرا تکذیب می کردند و در راه دین خدا، آزار می دادند، مرا تصدیق کرد، و با مال خویش، مرا یاری داد.»(۲) ام سلمه گفت: «خداوند بین ما و او را در درجه های بهشت و رضوان و رحمتش جمع کند. ای رسول خدا! علی علیه السلام برادر تو در دنیاست و در نسب، پسرعموی توست و دوست دارد که زنش را به خانه ببرد.»(۳)

به روایتی، ام ایمن که سخن گوی آنان بود، گفت: «ای رسول خدا! اگر خدیجه زنده بود، دیدگانش به زفاف علی علیه السلام و فاطمه روشن می شد. همانا علی علیه السلام ، همسرش را می خواهد و چشمان فاطمه نیز به دیدن شوهرش روشن می گردد و نیز چشمان ما».(۴) پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «پس چرا علی علیه السلام نمی خواهد؟» گفتند: «ای رسول خدا! حیا او را باز می دارد.» پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به ام ایمن فرمود: «به سوی علی علیه السلام برو و او را نزد من بیاور.»

ام ایمن بیرون رفت و ماجرا را برای علی علیه السلام بازگو کرد. آن گاه هر دو

۱- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، ص ۱۸۶.

۲- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، ص ۱۸۶.

۳- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، ص ۱۸۶.

۴- بیت الاحزان، ص ۳۴.

نزد پیـامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم آمدنـد. پیـامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم به علی علیه السـلام فرمـود: «آیـا دوست داری همسـرت را به تو بـدهم و تو او را به خـانه ی خود ببری؟» علی علیه السـلام فرمود: «آری». آن گـاه پیـامبر صـلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «امشب یا فرداشب، فاطمه را به تو می دهم تا زندگی خود را آغاز کنید. ان شاءاللّه خانه ات را آماده کن».(۱)

آراستن خانه

آراستن خانه

علی علیه السـلام به پیـامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم فرمود که من جز خـانه ی «حـارث بن نعمان» جای دیگری سـراغ نـدارم. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پذیرفت. حارث نیز خانه اش را به علی علیه السلام و فاطمه داد.(۲) نخستین کار، آماده ساختن و پـاکیزگی حجله ی عروس بود. برای این کـار، علی علیه السـلام وسایلی را خریـد که عبارت بود از: یک چوب برای آویزان کردن لبـاس یـا مشـک آب، یـک متکـا، یک مشک آب و یک غربال آرد. بـدین ترتیب، خانه ی علی علیه السـلام برای گام نهادن فاطمه زهرا علیهاالسلام آماده گشت.

ولیمه

ولیمه

ولیمه از سـنت هـای نیکو و پسـندیده ی اسـلام است که نبی اکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم نیز به آن دسـتور داده است؛ زیرا خداوند، غذا دادن را دوست دارد و سـبب محبت انسان ها به یکدیگر می شود. ام سلمه، پول فروش زره را به علی علیه السلام داد تا با آن، ولیمه و میهمانی عروسـی را برپا کند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام فرمود: «ما نان و گوشت داریم. تو نیز خرما و روغن و کشک را

۱- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، ص ۱۸۶.

۲- البته این خانه ی نخستین ایشان است که بعدها، پیامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم آنان را در کنار خود، سکونت داد. فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، ص ۱۸۷.

فراهم کن.»(۱) سعد برای کمک به ولیمه ی عروسی، یک گوسفند آورد. برخی دیگر از اصحاب نیز به اندازه ی توانایی خود، کمک کردند.(۲) غذای ولیمه آماده شد؛ نان، خرما، روغن، گوشت پخته و کشک.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام دستور داد که مردم را برای ولیمه دعوت کند. علی علیه السلام به مسجد رفت، ولی مسجد از مسلمانان مهاجر و انصار پر بود. او نمی خواست برخی را دعوت کند و برخی دیگر را دعوت نکند. بنابراین، بر بلندی ایستاد و صدا زد: «اجیبوا الی ولیمه فاطمه بنت محمد؛ به ولیمه ی فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله وسلم بیایید».(۳) مسلمانان گروه گروه راه خانه ی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را در پیش گرفتند. غذا اندک بود و به همه نمی رسید. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم دست مبارک خود را بر غذا نهاد و دعا کرد. به برکت دعای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، همگی از آن غذا خوردند و سیر شدند، غذا نیز کم نیامد.(۴)

عروس نور در خانه

عروس نور در خانه

علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را برای بهتر شدن عروسی، هرگونه تدبیری را اندیشیده بودند. جابر می گوید: «ما در عروسی علی علیه السلام و فاطمه حاضر بودیم و هیچ مجلس عروسی را بهتر از آن ندیدیم».(۵)

۱- ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۵۹.

۲- بانوی اسلام، ص ۸۴.

۳- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المحد الی اللحد، ص ۱۹۰.

۴- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المحد الی اللحد، ص ۱۹۰.

۵- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المحد الی اللحد، ص ۱۹۰.

پیامبر صـلی الله علیه و آله وسلم به زنان خود دستور داد تا حضرت زهرا را بیارایند. آنان، فاطمه علیهاالسلام را با بوهای خوش عطرآگین ساختند(۱) و در حالی که شعر می خواندند،(۲) لباسی را که از بهشت آمده بود، بر تنش پوشاندند.

داسـتان لباس بهشتی این گونه اسـت(۳) که پیـامبراکرم برای عروسـی دخترشان لباسـی زیبا خریـد. پس از مـدتی، فقیری به در خانه ی نبی آمـد و گفت: لباسـی کهنه می خواهم. با این حال، حضـرت زهرا، لباس نو و تازه ی خود را به او بخشـید. آن گاه جبرییل نازل شـد و گفت: «ای محمّـد! خداونـد بر تو سـلام می رسانـد و دسـتور داد بر فاطمه درود بفرسـتم و برای او، پیراهن بهشتی از سـندس سبز فرسـتاده است.» لباس بهشتی را بر تن عروس بهشتی کردنـد تا این که غروب شد. پیامبر صـلی الله علیه و آله وسلم، فاطمه علیهاالسلام را طلبید. فاطمه علیهاالسلام در حالی که عرق شرم و حیا بر جبینش نشسته بود، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسـلم آمد، ولی پاهایش در راه رفتن می لغزید. پیامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم فرمود: «خداوند در دنیا و آخرت، لغزش را از تو بگرداند.»(۴)

پس او را در آغـوش گرفت و بر اسـتری و به روایـتی بر «شـهبا» سوار کرد.(۵) رسول خدا صـلی الله علیه و آله وسـلم پیشاپیش جمعیت گام می سپرد و مردان بنی هاشمی نیز پشت موکب فاطمه راه می رفتند. در روایت است که جبرییل

۱- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المحد الی اللحد، ص ۱۹۳.

۲- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المحد الی اللحد، ص ۱۹۵.

۳- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المحد الی اللحد، ص ۱۹۰.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۰.

۵- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۵.

در سمت راست، میکاییل در سمت چپ و ۷۰۰۰ ملک در پشت سر حضرت فاطمه بودند که تا طلوع فجر، خداوند را تسبیح و تقدیس می کردند.(۱)

دختران عبـدالمطلب و بنی هاشم و زنان مهاجر و انصار و در پیشاپیش آنان، زنان پیامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم، عروس نور را در این راه همراهی می کردنـد. ام سـلمه، عایشه، حفصه و معاذه برای این عروس و داماد شـعر می خواندند. دیگران نیز اول بیت هر شعری را تکرار می کردند و تکبیر می گفتند. این شعر زیبا را ام سلمه سروده است:

دوستان و همسایگان! به یاری خدا، شادی کنید

هماره خدا را سپاس گویید

عمت های فراوان پروردگار بزرگ را به یاد بیاورید

که دشواری ها و آفت های بسیاری را از ما زدود

پس از آن که کافر شده بودیم، خداوند ما را هدایت فرمود

پروردگار آسمان ها، ما را شادمان ساخت

ای همراهان بهترین زنان جهان! شادی کنید

که عمّه ها و خاله هایشان به فدایشان گردند

ای دختر پیامبری که خدای بزرگ، او را

به وسیله ی وحی و رسالت های آسمانی خود، برتری داده است(۲)

۱- کشف الغمه، ص ۳۵۳؛ فاطمه الزهرا علیهاالسلام ، علی علیه السلام محمد علی علیه السلام دخیل، ص ۵۴.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۷.

بـدین ترتیب، کـاروان عروس در هـاله ای از شور و شوق مردم، وارد خانه ی علی علیه السـلام شـد. پیامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم، دست علی علیه السـلام و زهرا علیهاالسـلام را گرفت و در دست هم گذاشت. آن گاه فرمود: «بارک اللّه فی ابنه رسول اللّـه! ای علی علیـه السـلام ! این فـاطمه امـانت من است. ای علی علیه السـلام ! فـاطمه خـوب زنی است و ای فـاطمه! علی علیه السلام خوب شوهری است.»(۱) پس دعـا کرد و فرمود: «مرحبا ببحرین یلتقیان و نجمین یقترنان؛ آفرین به دو دریایی که با هم آمیختند و دو سـتاره ای که به هم رسـیدند.»(۲) در این هنگام، به زنان و مردان دسـتور داد بیرون برونـد. همه بیرون رفتنـد جز اسـماء بنت عمیس. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «مگر نگفتم همه بیرون بروند؟» اسماء گفت: «آری، ای رسول خدا! قصـد مخـالفت نداشـتم، بلکه پیمـانی است که خـدیجه بـا من کرد تا در شب زفاف نزد فاطمه باشم؛ زیرا دختران در این شب، نیازهایی دارنـد که زنی آگاه باید آن را برآورده سازد.» پیامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم فرمود: «ای اسـماء! خداوند، نیازهای دنیا و آخرتت را برآورده سازد.»(۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در حال بیرون رفتن از خانه، چوب پهلوی در را گرفت و فرمود: «خداوند شما را پاک و پاکیزه آفرید و نسل شـما را پاک ساخت. من در صـلح و آشتی هسـتم با هرکسـی که با شـما در آشتی است و با کسـی که با شما در جنگ است، در جنگم».(۴)

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۴.

۲- بهجه قلب المصطفی، ص ۴۸۳.

۳- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، ص ۱۹۸.

۴- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، ص ۱۹۸.

بـدین ترتیب علی و فاطمه؛ دو خورشـید بی همتای زمین و زمان، زنـدگی مشترک و پربرکت خود را آغاز کردنـد. در بامـداد شب زفاف(۱) یا بامداد روز چهارم عروسی،(۲) پیامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم به خانه ی تازه عروس و داماد رفت. آن گاه ظرف آبی طلبیـد که حاضـر کردند. رسول خدا صـلی الله علیه و آله وسـلم، با نفس مبارک خویش، ۳ بار در آن آب دمیـد و برخی آیات قرآن را بر آن خواند. آن گاه به علی علیه السـلام فرمود که جرعه ای از آن بنوشد. باقی آن را نیز بر سـینه ی علی علیه السـلام ریخت و فرمود: «ای ابوالحسن! خداوند، تو را از هر آلایش ناشایسته، پاک و پاکیزه بدارد». دوباره آب خواست و همین کار را درباره ی فاطمه زهرا علیهاالسلام تکرار کرد.(۳)

سال ازدواج و سن ازدواج

سال ازدواج و سن ازدواج

درباره ی تاریخ عقد و عروسـی امیرالمؤمنین علی علیه السـلام و حضرت زهرا علیهاالسلام نظرهای گوناگونی ارایه شده است؛ چون درباره ی تاریخ ولادت حضرت زهرا علیهاالسلام نیز تاریخ نگاران و راویان، اختلاف نظر دارند.

شیـخ مفید و ابن طاووس، شب زفاف را شب پنج شـنبه ۲۱ محرم سال سوم هجری می داننـد و حتی قایل به استحباب روزه ی این روز هستند.(۴) علامه مجلسی در روایتی، ازدواج ایشان را ۱۶ روز پس از درگذشت رقیه،

۱- ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۵.

۲- بهجه قلب المصطفی، ص ۴۸۴.

۳- ناسخ التواریخ، ص ۶۵، ج ۳.

۴- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، ص ۱۹۹؛ انوار زهرا علیهاالسلام ، ص ۳۳.

خواهر حضرت فاطمه و همسر عثمان؛ یعنی پس از جنگ بدر در سال دوم هجری می داند.(۱) آیت اللّه امینی، عقد را در ماه رمضان و عروسی را در اول یا ششم ذی الحجه سال دوم یا سوم هجری می داند.(۲) صاحب کشف الغمه نیز تاریخ ازدواج را اندکی پس از جنگ بدر در سال دوم برمی شمارد.(۳) هم چنین مرحوم سپهر، ازدواج ایشان را در اول ماه رجب سال دوم هجری می داند و ماه صفر سال اول هجری را نیز بیان می دارد.(۴)

با وجود همه ی اختلاف نظرهای دانشمندان و تاریخ نگاران شیعی در این باره، اکثریت آنان اتفاق نظر دارند که این نکاح مبارک پس از جنگ بدر در سال دوم هجری، رخ داده است. تولد امام حسن مجتبی علیه السلام در سال سوم هجری نیز این سخن را تأیید می کند. درباره ی سن ازدواج حضرت فاطمه علیهاالسلام اختلاف نظر بیشتری وجود دارد؛ زیرا اختلاف نظر شدیدی که در تاریخ تولد ایشان به چشم می خورد، به سن ازدواج و شهادت ایشان نیز سرایت می کند. برخی دانشمندان اهل سنت(۵) چون تاریخ تولد آن حضرت را پنج سال پیش از بعثت می دانند، ازدواج ایشان را در ۱۸ سالگی و شهادت ایشان را در ۲۸ سالگی فرض می کنند. آنان درباره ی چنین برداشتی می گویند: اگر سن ازدواج آن حضرت را ۹ سالگی بدانیم، پس امام حسن

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۷.
۲- بانوی نمونه ی اسلام، ص ۹۰.
۳- کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۰۱.
۴- ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۳۶.
۵- ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۳۶.

در ۱۰ سالگی به دنیا آمده است که این امر، پدیده ی شگفتی است.

در پاسخ باید گفت از نظر علمی، این سن مانع از وضع حمل نخواهد بود. چه بسا دخترانی در سن های پایین تر از آن، بچه دار می شوند.(۱) با این حال، بیشتر دانشمندان امامیه مانند: ابن شهرآشوب، محدث قمی، محمدتقی سپهر، و ... بر این باور هستند که حضرت فاطمه، ۵ سال پس از بعثت به دنیا آمده است.(۲) با توجه به این گفته ها، باید سن ازدواج آن حضرت را ۹ سال و سن ازدواج علی علیه السلام را ۲۵ سال بدانیم.

۱- درباره ی آگاهی از تحقق این نظریه نک: ۹ ماه انتظار، دکتر شعاع فروغی، ص ۸.

۲- بانوی نمونه اسلام، صص ۳۸ _ ۴۱.

فصل هشتم: ویژگی های رفتاری حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیهاالسلام پس از ازدواج

اشاره

فصل هشتم: ویژگی های رفتاری حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیهاالسلام پس از ازدواج

دختر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از خانه ی نبوت به منزل ولایت آمد تا جهان اسلام شاهد به بار نشستن میوه های شیرین دو درخت نبوت و امامت باشد. همان گونه که این عروس و داماد پیش از ازدواج، الگوی انسان ها در زندگی بودند و عصاره ی آفرینش به شمار می آمدند، در دوران زندگی مشترک خود نیز انسان هایی نمونه و سرمشقی والا برای دیگران بودند.

اینک دو معصوم زیر سقف یک خانه و در کنار هم می زیستند. آنان هیچ گاه به گناه و حتی نیت گناهی آلوده نگشتند، بلکه همه ی ویژگی های سودمند انسانی را با خود داشتند. علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام در دامان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و در خانه ی وحی با آموزه های آسمانی، پرورش یافتند؛ زیرا خود آسمانی بودند. بنابراین، زندگی مشترک این دو موجود آسمانی، چراغ هدایتی است فراروی نسل های آینده تا همگان از رفتار آنان، برترین پیام ها را فرا گیرند.

در این فصل، به گوشه هایی از ویژگی های رفتاری این دو زوج عالی قدر خواهیم پرداخت.

۱ _ تقسیم کار

۱ _ تقسیم کار

یکی از مسایل مهم در هر خانواده ای، چگونگی تقسیم کار بین زن و شوهر و تعیین محدوده ی وظیفه و مسؤولیت هرکدام از آنان است. این مسأله آن قدر با اهمیت است که حتی علی علیه السلام و زهرا علیهاالسلام نیز نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آمدند و از ایشان خواستند تا کارها را میان آنان تقسیم کند و حدود مسؤولیت هر یک را معین سازد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با درایت ویژه ی خود و بر اساس آموزه های الهی در تقسیم بندی بسیار زیبایی، کارهای درون خانه را به حضرت زهرا علیهاالسلام و کارهای بیرون خانه را به داماد شایسته ی خویش سپرد. این تقسیم کار آن چنان تازه عروس را به وجد آورد که فرمود: «خدا می داند که من چه قدر از این مطلب خوشحال شدم که کارهای بیرون خانه بر دوش من نیافتاد».(۱)

امام صادق علیه السلام فرموده است: «علی علیه السلام هیزم و آب خانه را فراهم می آورد و خانه را رفت و روب می کرد. حضرت زهرا علیهاالسلام نیز آسیاب می کرد و با خمیر، نان می پخت».(۲) این تقسیم کار بر پایه ی ویژگی های جسمی و روحی مرد و زن صورت گرفت. با این حال، آنان هیچ گاه از همکاری با یکدیگر غافل نگشتند، بلکه گاه و بی گاه، سنگینی کار را از دوش طرف دیگر بر می داشتند.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به خانه ی پر نور آنان وارد شد و دید که

۱- بانوی نمونه ی اسلام، ص ۹۶.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۱.

عروس و داماد هردو باهم سرگرم آسیاب کردن هستند. پرسید: «کدام تان خسته تر است؟» علی علیه السلام فرمود: «فاطمه از من خسته تر است». رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به جای دختر نازنینش نشست و علی علیه السلام را در آسیاب کردن، یاری رساند.(۱) در این روایت، همکاری علی علیه السلام در کارهای خانه و مهر و محبت و ایثار ایشان نسبت به همسرش، آشکار است.

به همین ترتیب، فاطمه علیهاالسلام در کارهایی که بر عهده ی علی علیه السلام گذاشته شده بود، به وی یاری می رساند. امیرالمؤمنین علیه السلام به یکی از یارانش فرمود: «می خواهی از وضع و رفتار خودم و فاطمه برای تو تعریف کنم؟ (فاطمه) آن قدر در خانه ام، آب می آورد که آثار مشک بر بدنش آشکار بود. آن قدر آسیاب می کرد که دست هایش تاول زد. آن قدر در پاکیزگی خانه زحمت می کشید که لباس هایش کثیف می شد».(۲)

کوشش در کارهای منزل و ضعف جسمی که بر اثر آزار و اذیت های صدر اسلام بر او وارد گشته بود، سبب شد از توانایی فاطمه زهرا علیهاالسلام روز به روز کاسته گردد.(۳) بنابراین، نزد پدر رفت تا از ایشان بخواهد خادمی را برای کمک کردن به او در کارهای خانه، در نظر بگیرد. با این حال، بدون گفتن مطلب خویش، نزد علی علیه السلام برگشت. علی علیه السلام پرسید: «چه شد؟» فاطمه گفت: «به خدا سوگند! با دیدن هیبت رسول خدا نتوانستم از او

۱- بهجه قلب المصطفی صلی الله علیه و آله وسلم، ص ۴۹۵.

۲- بانوی نمونه ی اسلام، ص ۹۷.

۳- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۵.

چیزی بخواهم». این بار علی علیه السلام به همراه فاطمه علیهاالسلام راهی منزل پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شدند و نیاز خود را بیان کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با پاسخ خود، آنان را مجذوب خویش ساخت: «فاطمه جان! می خواهی کاری به شما یاد بدهم که از خادم و خدمت کار بهتر باشد؟ چون خواستی بخوابی، ۳۴ مرتبه اللّه اکبر و ۳۳ بار الحمداللّه و ۳۳ بار سبحان اللّه بگو».(۱) در این هنگام علی علیه السلام با مهربانی رو به فاطمه کرد و گفت: «برای طلب دنیا نزد رسول خدا رفتیم، ولی پاداش آخرت نصیب مان شد».(۲) پس هر دو، با خوشحالی به خانه برگشتند.

پس از تولد بچه ها، مسؤولیت هر دو بیشتر شد؛ زیرا وظیفه ی پرورش فرزندان نیز بر کارهای پیش افزوده گشت. با این حال، دشواری این کارها را بر خود هموار می کردند. روزی، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فاطمه علیهاالسلام را دید که لباس کم ارزشی بر تن دارد و با یک دست آسیاب می کند. بچه را نیز در دامن خود نهاده است و شیر می دهد. با دیدن این منظره، اشک از چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم جاری شد و فرمود: «ای دختر عزیزم! سختی دنیا را بچش تا به شیرینی آن دنیا برسی». فاطمه علیهاالسلام نیزبه زیبایی تمام فرمود: «خدا را برای نعمت هایش سپاس گزارم».(۳)

سختی کارها به گونه ای بود که حتی دیگران نیز نمی توانستند به راحتی از آن بگذرند و این، خود، نشان دهنده ی اوج خلوص نیت فاطمه علیهاالسلام و

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۵.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۵.

۳- بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۸۵ _ ۸۶.

علاقه مندی او به علی علیه السلام بود. روزی بلال ــ مؤذن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ــ دیرتر از معمول به نماز صبح رسید. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم علت را جویا شد، گفت: «وقتی به مسجد می آمدم، از کنار خانه ی علی علیه السلام و فاطمه گذشتم، دیدم فاطمه سرگرم آسیاب کردن است و بچه اش نیز گریه می کند. گفتم: ای دختر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ! یکی از کارهایت را به عهده ی من بگذار تا کمکی به شما کرده باشم. فاطمه بچه داری را بر عهده گرفت و من، به گرداندن آسیاب پرداختم. به این دلیل، دیرتر به مسجد رسیدم». پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به بلال فرمود: «به فاطمه ترحم کردی، خدا بر تو ترحم کند».(۱)

۲ ــ همسرداری

۲ ــ همسرداری

رفتار زوجین نسبت به یکدیگر، به ظرفیت وجودی و شخصیت آن دو بستگی دارد. هرقدر شأن و شخصیت زوجین بیشتر باشد و از جایگاه بالاتری برخوردار باشند، بر مسؤولیت پذیری همسران نسبت به یکدیگر افزوده می شود. با نگریستن به جایگاه علی علیه السلام و زهرا علیهاالسلام حساسیت ها و مسؤولیت های همسرداری این دو بزرگوار را درخواهیم یافت.

عروس، دخترسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و عزیزترین مردم نزد او است. فاطمه علیهاالسلام ، ام ابیها، برترین زنان دو جهان و مصداق بارز کوثر است. داماد نیز علی علیه السلام است؛ نخستین مرد مسلمان پس از رسول خدا، وصی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و انسان کاملی که در کعبه به دنیا آمده و همه ی زندگی اش را

۱- بانوی نمونه ی اسلام، ص ۱۱۸.

وقف اسـلام کرده است. بنابراین، هر دو با شـناخت کامل از یکدیگر، بهترین الگوی همسـرداری در اسـلام و جهان هسـتند. بر اسـاس آموزه هـای اسـلامی، همسـرداری برای زن و مرد اهمیت دارد؛ زیرا: «جهـاد زن، خوب شوهرداری است».(۱) هم چنین پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است:

بهترین شما کسی است که برای خانواده اش، بهترین باشد و من بهترین شما هستم برای خانواده ام.(۲)

در آن روزهای پرآشوب پاگرفتن اسـلام که هراز چنـد گاهی، شـعله های جنگ برافروخته می شد، علی علیه السـلام هم چون شیر شـرزه از حریم رسالت و اسلام پاسداری می کرد. در بازگشت به خانه نیز تنها نوازش ها و دل گرمی های همسر مهربان و دلسوزش بود که خسـتگی را از بدن خسـته و مجروح او بیرون می ساخت. تنها مایه ی امید او در این شرایط، زهرا علیهاالسلام بود تـا بر زخم های جسـمی و روحی علی علیه السـلام مرهمی بنهـد. او هم چنان که لباس های خونین علی علیه السـلام را می شست، گرد و غبـار خسـتگی را از چهره ی شوهرش می زدود. به همین دلیـل، علی علیه السـلام می فرمود: «چون به خـانه می آمدم و به زهرا می نگریستم، همه ی غم و غصه هایم زدوده می شد».(۳)

و به راستی چنین بود؛ زیرا همه ی پیروزی هـای علی علیه السـلام مرهون آرامشـی بود که نگـاه مهربـان و نگران زهرا در جان علی علیه السلام می ریخت. زهرا علیهاالسلام مانند پروانه ای پیرامون علی علیه السلام می گردید تا بتواند او را برای

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

۲- وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

۳- بانوی نمونه ی اسلام، ص ۱۰۳.

تلاش یا جهاد دیگری آماده سازد؛ چون وجود اسلام با وجود علی علیه السلام و شمشیر و کلام علی علیه السلام درهم آمیخته بود. زهرا علیهاالسلام از مقام عصمت برخوردار بود و دارنده ی چنین مقامی هیچ گاه در فکر این نبود که شوهر خویش را برنجاند یا نافرمانی کند. در واقع، هرگونه اخلاق ناپسند از فاطمه علیهاالسلام به دور و همه ی اخلاق حسنه و نیک در وجود او، جمع بود.

از دیگر سو، علی علیه السلام نیز مردی متفاوت از دیگر مردان بود. هیچ گاه رنج های همسر باوفایش را نادیده نمی گرفت و با مهربانی وصف ناپذیری در راه آسایش اسلام و خانواده اش می کوشید. با چهره ای شاداب و خندان ـ که در ورای آن، زخم شمشیر و تیر و نیزه بود ـ به همسرش دلگرمی می داد و قلب و جسم خسته ی زهرا علیهاالسلام را با گفتار و کردار شیرین خود تسلّی می بخشید. از هیچ کاری برای آسایش و رهایی همسرش از مشکلات، دریغ نمی کرد تا جایی که حتی کار در نخلستان یهودی را برای رضایت فاطمه علیهاالسلام می پسندید.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به منزل علی علیه السلام شرفیاب شد. حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را در خانه نیافت. چون از احوال آنان پرسید، دخترش فرمود: «امروز در خانه ی ما چیزی برای خوردن نبود. علی علیه السلام آنان را با خود برد تا گریه نکنند و از من غذا نخواهند». رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در جست وجوی داماد خویش بیرون رفت او را در نخلستان یک یهودی در حال آبکشی یافت. دید حسن علیه السلام و حسین علیه السلام نیز سرگرم بازی هستند و مقداری خرما در برابرشان قرار دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام فرمود: «پیش از

این که هوا گرم شود، حسن و حسین را به خانه بر نمی گردانی؟» علی علیه السلام فرمود: «وقتی از خانه بیرون آمدم، غذایی در خانه نداشتیم. صبر کنید تا قدری خرما برای فاطمه تهیه کنم. من با این یهودی قرار گذاشته ام که در برابر هر سطل آب، یک دانه خرما بگیرم». پس از مدتی، علی علیه السلام با مقداری خرما به خانه برگشت.(۱) علی علیه السلام با این کارها رنج های همسرش را جبران می کرد؛ زیرا: «چه خوش بی مهربونی از دو سر بی».

فاطمه علیهاالسلام در حساس ترین صحنه ها نیز شوهر خویش را تنها نگذاشت و دوشادوش او برای اعتلای اسلام تلاش کرد. یکی از این صحنه ها، جنگ و جهاد بود. نخستین حضور زهرا علیهاالسلام در جهاد پس از ازدواج، شرکت در غزوه ی احد بود.(۲) در گیر و دار غزوه ی احد و در حالی که دشمن به سبب سهل انگاری پاسداران تنگه ی احد، به مسلمانان هجوم آورده بود، دندان و لب مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مجروح شد. در جنگ احد، ۱۴ زن از جمله فاطمه علیهاالسلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم حضور داشتند که آب و غذا می بردند، زخم ها را مداوا می کردند و به مجروحان آب می دادند. فاطمه علیهاالسلام از گروه زن ها خارج شد و چهره ی پدر را خونین دید. زخم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را شست و شو می داد و علی علیه السلام با سپر آب می ریخت. هنگامی که فاطمه علیهاالسلام دید خون بند نمی آید، قطعه حصیری برداشت و سوزانید و

۱- ذخائر العقبی، ج ۱، ص ۴۹.

۲- فاطمه الزهرا علیهاالسلام ، ص ۱۶۲.

آن را بر زخم گذاشت تا از خون ریزی پیش گیری کند.(۱)

پس می توان نتیجه گرفت که هرکدام از این همسران مهربان در نهایت صبر و متانت، افزون بر انجام کارهای خود، کمک و مددکار یکدیگر بودند. آنان الگوی جاودانه ای برای همسرداری گشتند که تا امروز، هیچ نظیری برای آن نمی توان جست.

۳ ـ پرورش فرزندان

۳ ـ پرورش فرزندان

فرزند ثمره ی انسان است و ادب هر کودکی نشان دهنده ی شخصیت و ظرفیت وجودی مربیان او به ویژه پدر و مادر است. پرورش اسلامی و انسانی کودک آن چنان اهمیت دارد که روایت های فراوانی درباره ی آن به چشم می خورد.(۲)

زهرا علیهاالسلام و علی علیه السلام ، این دو همسر مهربان که خود تجسم عینی پرورش اسلامی به دست آموزگار بزرگ تعلیم و تزکیه؛ پیامبراسلام صلی الله علیه و آله وسلم بودند، فرزندان خویش را به گونه ای پرورش می دادند که بنابر شرایط و اوضاع زمانه، بتوانند رهبری امت را در دست بگیرند. حسن علیه السلام ، حسین علیه السلام ، زینب، ام کلثوم و محسن، گل های وجود زندگی علی علیه السلام و زهرا بودند که جز محسن، آن چهار گل دیگر چنان پرورش یافتند که هرکدام، آموزگار جاودان انسان ها شدند. و این ممکن نبود مگر با همکاری، همیاری و هم فکری این دو همسر گران قدر.

۱- مغازی، ج ۱، ص ۲۵۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۵.

حسن علیه السلام و حسین علیه السلام ، پس از پدر، مسؤولیت امامت امت را بر عهده گرفتند. زینب و کلثوم نیز پیام ناب اسلام و تشیع را در اوج ظلمت ها به گوش خفتگان جامعه رساندند. بدین گونه هر صفحه ای از زندگی آنان، سرفصل نوینی را در اسلام گشود و این در پرتو پرورشی بود که از پدرر و مادر خویش آموخته بودند. برای علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام چه سعادتی و افتخاری بهتر از این که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درباره ی فرزندان شان فرمود: «الولد ریحانه و ریحانتای: الحسن و الحسین؛ فرزند، ریحانه است و ریحانه ی من، حسن و حسینند».(۱) یا در جای دیگر فرمود: «الحسن و الحسین سیداشباب اهل الجنه؛ حسن علیه السلام و حسین علیه السلام ، سرور جوانان اهل بهشت هستند».(۲)

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۶۴.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۶۴.

فصل نهم: درس های آموزنده ی این ازدواج

اشاره

فصل نهم: درس های آموزنده ی این ازدواج

در این گفتار برآنیم تا به درس هایی بپردازیم که با توجه به شناخت اندک خویش، می توانیم از این عروسی زیبا و آسمانی بیاموزیم. درس هایی که گره گشای دشواری های زندگی امروزی و چراغ فراروی جاده ی رستگاری در دنیا و آخرت به ویژه دوران حساس ازدواج است.

آموزگار این کلاس درس، پیامبر ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله وسلم ـ عصاره ی آفرینش ـ است و شاگردانش، علی علیه السلام ـ وصی رسول خدا و مظهر انسان کامل ـ و فاطمه علیهاالسلام ـ دختر پیامبر و برترین زنان دو جهان ـ هستند. درس این کلاس نیز معنویت، صمیمیت، عشق، مهربانی، فداکاری و وفاداری است که هرکدام، جامعه ی تشنه ی ما را سیراب می کند و روح جست وجوگر و جوان ما را ارضا خواهد کرد.

اگر به درستی در این ازدواج مبارک بنگریم، درخواهیم یافت که هیچ پیوند باشکوهی ـ از آدم تا خاتم ـ این گونه ساده و بی تکلف نبوده است. عاقد این پیوند، خداوند جل و جلاله و رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است و شاهدانش، فرشتگان مقرب الهی. جبرییل نیز خطبه اش را خواند و عرش الهی، میزبان چنین پیوند خجسته ای است که تاریخ هیچ گاه چنین صحنه های دل انگیزی را به خود ندیده است. پیوندی سراسر خیر و برکت

و شادی در آسمان ها برپا می شود که تاکنون آثارش برگستره ی گیتی جاری است. اهمیت این پیوند را هنگامی می توان بهتر درک کرد که گوشه ای از تاریخ زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و آن لحظه های پرجنب و جوش و حساس را در نظر آوریم.

عرب، کسی را که پسر نداشت، ابتر ــ بی نسل ــ می نامید. چون عبداللّه و قاسم؛ پسران پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از دنیا رفته بودند، قریش نیز پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را ابتر صدا می زدند. گفته اند: «عاص بن وائل از سران مشرکان بود. هنگام بیرون رفتن از مسجدالحرام به پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم برخورد. مدتی با حضرت گفت و گو کرد. گروهی از سران قریش در مسجد نشسته بودند و این منظره را از دور می دیدند. هنگامی که عاص بن وائل وارد مسجد شد، به او گفتند: با که سخن می گفتی؟ گفت: با این مرد ابتر!»(۱)

در این هنگام، سوره ی کوثر نازل شد و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را به خیر کثیر و نعمت های فراوان مژده داد. بدین ترتیب، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم که از طعن و تحقیر قریش آزرده شده بود، آرام گرفت. کوثر همان وجود پرخیر و برکت فاطمه علیهاالسلام است، خداوند نسل او و علی علیه السلام را که در حقیقت نسل پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هستند، در پناه خود حفظ کرد، که با وجود گذشت قرن ها، هنوز این نسل مبارک پابرجاست. بدین ترتیب، گوشه ای از اهمیت ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیهاالسلام بیش از پیش آشکار می شود؛ زیرا اسلام با همین پیوند، حیات خویش را پی گرفت که تا ظهور بقیه اللّه، امام

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۶۸.

زمان عج الله تعالی فرجه الشریف ــ که ثمره ی این ازدواج است ــ ادامه خواهد داشت.

۱ ــ الگوی جاودانه

۱ ــ الگوی جاودانه

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با این ازدواج، الگوی عملی و اسلامی ازدواج را جایگزین ارزش ها و سنت های جاهلیت کرد. ایشان به مردم آموختند که ازدواج، نردبانی است برای رسیدن به خدا، حفظ ایمان و تهذیب نفس، نه وسیله ای تنها برای برآوردن غریزه های حیوانی. در دوران جاهلیت، ازدواج هیچ گونه جنبه ی معنوی نداشت و همه ی گونه های ازدواج ــ جز یکی از آن ها ــ در حکم به بردگی گرفتن و خرید و فروش زن بود و در چنین شرایطی، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با شوهر دادن دختر دردانه اش، بر همه ی آن اندیشه ها، خط بطلان کشید.

۲ ــ ازدواجی ساده و پربرکت

۲ ــ ازدواجی ساده و پربرکت

اگر ازدواج با هدف الهی و برای رضای او انجام گیرد، در عین سادگی نیز می توان زندگی آرام و باصفایی فراهم آورد. زن و مرد، درختانی هستند که اگر از همان آغاز، از آب زلال معنویت سیراب گردند، میوه های شیرین به بار خواهند آورد. هم چنان که علی علیه السلام و زهرا علیهاالسلام ، میوه هایی به ثمر رساندند که تا ابد، کسی نمی تواند حتی در اندیشه ی به بارآوردن چنین میوه هایی باشد؛ میوه هایی هم چون حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و زینب علیهاالسلام که خود از چشمه ی جوشان معنویت سیراب می گشتند. باید دانست همه ی این ها تنها در پرتو دین مداری، دوری از مادیات و توجه به معنویات به دست خواهد آمد.

۳ _ پرهیزگاری؛ ملاک گزینش

۳ _ پرهیزگاری؛ ملاک گزینش

پیش تر گفتیم که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با معیاری که برای پذیرش خواستگار دختر نازنینش ارایه داد، همه ی معیارهای بیهوده و صددرصد مادی جاهلیت مانند ثروت، شهرت و حسب و نسب را زیر پا نهاد. هنگامی که سنگریزه ها را به سوی عبدالرحمن بن عوف _ آن خواستگار مشهور و ثروتمند عرب _ می انداخت، به همه ی مسلمانان آموخت که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شما با این معیارها مخالف است. پس شما نیز مخالف باشید.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، علی علیه السلام را با آن همه فقر و تنگ دستی بر دیگر خواستگاران _ که هرکدام ثروتمند بودند _ برتری داد؛ زیرا ملاک پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، ملاک الهی بود. معیار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، ایمان، پاکی، پرهیزکاری و تهذیب نفس بود، نه ثروت، خانه و «شترانی با باری از پارچه های گران بهای مصری و ده هزار دینار.»(۱)

۴ _ رضایت دختر

۴ _ رضایت دختر

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درباره ی قبول یا رد خواستگار با دخترش مشورت می کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از یک سو برای حفظ شأن و منزلت فاطمه علیهاالسلام و از سوی دیگر، برای احترام به نظر دختر درباره ی همسر آینده اش، با فاطمه علیهاالسلام ، به

۱- میزان مهریه ای که عبدالرحمن بن عوف برای فاطمه زهرا پیشنهاد کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را به خشم آورد. زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام ، ص ۴۷.

مشورت می پرداخت و نظر او را جویا می شد. فاطمه زهرا علیهاالسلام در ماجرای خواستگاری علی علیه السلام ، با سکوت، رضایت خویش را اعلام کرد. بنابراین، رضایت زن و مرد در همسرگزینی بسیار اهمیت دارد؛ زیرا بیشتر ازدواج های اجباری که دختر در آن هیچ نقشی ندارد و به زور، به خانه ی بخت! می رود، با شکست روبه رو می شود.

۵ _ سبک بودن مهریه

۵ _ سبک بودن مهریه

بهترین مرد و بهترین زن جهان با هم پیوند زناشویی بستند، در حالی که بیشترین بهایی که برای مهریه ی زهرا گفته شده، ۵۰۰ درهم است. آری، اسلام محمدی صلی الله علیه و آله وسلم نه تنها مهر فراوان را نشانه ی ارزش و بزرگی زن نمی داند، بلکه برعکس، فراوانی مهر را نشانه ی شومی یک زن می شمارد. چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «شومی زن به فراوانی مهر و عقیم بودن اوست».(۱) پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم، دختر دردانه و محبوبش را به مهریه ای اندک، شوهر داد تا این سیره در میان مسلمانان گسترش یابد، هرچند متأسفانه این گونه نیست.

هم چنین می بینیم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از شمشیر، زره و شتر که دامادش، علی علیه السلام برای مهریه ی زهرا علیهاالسلام در نظر داشت، تنها به زره بسنده کرد. و شمشیر و شتر را که وسیله ی جهاد و زندگی بود، برای علی علیه السلام باقی گذاشت. این نکته نیز نشان می دهد که اسلام، بر حداقل مادیات تأکید دارد،

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۹.

نه حداکثر. در دیدگاه اسلامی، کم توقعی باید سرلوحه ی زندگی خانواده ها، قرار گیرد.

۶ _ جهیزیه به اندازه ی نیاز

۶ _ جهیزیه به اندازه ی نیاز

یکی از مشکلات خانواده های امروزی برای ازدواج دختران شان، فراهم آوردن جهیزیه است. این پدیده که جنبه ی مدگرایی و چشم و هم چشمی نیز به خود گرفته است، گاهی به درگیری، اختلاف و کشمکش های اقتصادی میان خانواده ها می انجامد.(۱) چنین وضعیتی را با جهیزیه ی فاطمه علیهاالسلام و علی علیه السلام مقایسه کنید. پیامبراکرم علیهاالسلام برای عروسی دخترش _ که عصمت کبرای الهی و سرور زنان دو جهان است _ از محل فروش ۳۱ بهای زره علی علیه السلام ، جهیزیه ای بسیار ساده و آبرومند فراهم آورد، به گونه ای که شگفتی همگان را برانگیخت.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با شوهر دادن دختر خویش و چگونگی این پیوند می خواست فرهنگ و سنتی نوین دراندازد و بر روی همه ی اندیشه های غلط مادی، خط بطلان بکشد. به راستی، اگر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، جهیزیه ی فراوان و گران بها را مایه ی ارزش مندی زن می دانست، آیا هیچ گاه حاضر می شد که برای دخترش که از همه ی دنیا برایش عزیزتر بود، وسایل اندک آن هم سفالین بخرد؟ آری، با به کار بستن چنین روش پسندیده ای، می توان امید داشت که گره بسیاری از مشکلات امروزی ما گشوده شود.

۱- نکوهش تجمل گرایی و اسراف در جهیزیه، برای زمانی است که مال از راه حلال باشد؛ زیرا وضعیت تهیه ی آن از راه حرام، پیشاپیش آشکار است!

۷ _ جشن عروسی و دوری از گناه

۷ _ جشن عروسی و دوری از گناه

محفل عقد و عروسی باید محل نزول فرشتگان الهی باشد، چنان که درباره ی عروسی علی علیه السلام و زهرا علیهاالسلام گفته اند: «در شب زفاف فاطمه، جبرییل و میکاییل و اسرافیل به همراه هفتاد هزار فرشته نازل شدند.»(۱)

محفل هایی که مالامال از لعب و لهو و حرام و دیگر مسایل غیرشرعی و اخلاقی است، مورد تأیید اسلام نیست. در چنین محفل هایی نه تنها فرشتگان الهی فرود نمی آیند، بلکه برپا کنندگان و شرکت کنندگان در آن به خشم الهی گرفتار می شوند.

علی علیه السلام و زهرا علیهاالسلام در مسجد _ خانه ی خدا _ با شنیدن خطبه ی پیامبر بزرگ اسلام، زندگی مشترک خود را آغاز کردند. در این مراسم، فرشتگان فوج فوج وارد مسجد می شدند و به یکدیگر، تبریک و تهنیت می گفتند. بسیار مایه ی تأسف است که مسلمانان از این مراسم پرفیض و برکت، سرمشق نمی گیرند. هرچند کسی نمی تواند به پای برگزارکنندگان آن مراسم برسد، ولی دست کم شایسته است محفل های عروسی پیروان این بزرگان از لهو و لعب و کردار و گفتار نامشروع و حرام، تهی باشد.

۸ _ سادگی با خوشحالی منافات ندارد

۸ _ سادگی با خوشحالی منافات ندارد

برنامه ریزی چنین محفل با برکتی نیز آموزنده است. این مراسم باشکوه و معنوی، به سادگی و بدون هزینه ی اضافی برگزار شد، به گونه ای که جابر

۱- کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۹۶.

می گویـد: «ما در عروسـی علی علیه السـلام و فاطمه علیه السـلام ــ که خداوند از هر دو خشـنود باشد ــ حاضـر بودیم و هیچ عروسی بهتر از آن عروسی ندیدیم».(۱) پس مراسم عروسـی را می توان در عین سادگی و کم خرجی، با برنامه ریزی مناسب، برپا کرد و در این راه، مراسم عروسی علی علیه السلام و فاطمه علیه السلام الگوی مناسبی خواهد بود.

۹ ــ بی تکلّفی

۹ ــ بی تکلّفی

برگزاری مراسم عقـد و عروسـی، به روزهـا و ماه ها برنامه ریزی نیاز نـدارد، بلکه با کمی دقت می توان در چنـد روز، همه ی امور آن را سامان داد. پیامبر چون از تمایل علی علیه السلام برای بردن همسرش به خانه برای آغاز زندگی مشترک آگاه شد، به او فرمود: «امشب یـا فرداشب، فـاطمه را به خـانه ات می فرسـتم و ترتیب کارها را خواهم داد».(۲) بـدین ترتیب، همه ی این کارها در یک شبانه روز به سامان رسید و علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام زندگی مشترک خود را آغاز کردند.

۱۰ ــ کاستن از توقع ها

۱۰ ــ کاستن از توقع ها

امروزه، داشـتن خـانه ی جـداگانه برای زوجین، به صورت یـک اصل درآمـده است. بیشتر خانواده های دختران، به پسـری که خانه ی جداگانه ندارد، پاسخ مثبت نمی دهند، در حالی که با نگاهی به ازدواج مبارک علی علیه السلام در

۱- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، ص ۱۹۰.

۲- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، ص ۱۸۷.

می یابیم که ایشان، خانه ی جداگانه نداشت و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیز چنین چیزی از او نخواست. هم چنین ولیمه دادن که از امور مستحب عروسی است، به مشکل بزرگی بدل شده است، به گونه ای که گاهی افراد برای فراهم آوردن هزینه ی ولیمه ی عروسی به ربا، رشوه و مال حرام کشیده می شوند.

در بخش ولیمه ی ازدواج حضرت علی علیه السلام گفتیم که ولیمه ی ایشان بسیار ساده و در سطح عموم مردم بود. نکته ی دیگر کمک اصحاب برای سامان گرفتن این دو زوج جوان بود که سرمشقی زیبا برای توان گران است تا افراد بی بضاعت را در برگزاری مراسم عروسی، یاری رسانند.

۱۱ _ تقسیم کار

۱۱ _ تقسیم کار

تقسیم کار میان این عروس و داماد از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نیز مهم و زیبا بود؛ زیرا حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود: «خدا می داند از این که کارهای بیرون خانه بر دوش من نیافتاد، بسیار خوشحال شدم».(۱) این تقسیم کار بر اساس فطرت و طبیعت و ویژگی های جسمی و روحی زن و مرد صورت گرفت. عفت و ارزش یک زن در آن نیست که خود را در دیدگاه نامحرمان قرار دهد و آن چنان در اجتماع، سیاست و اقتصاد دخالت کند که از مهم ترین وظیفه اش؛ یعنی شوهرداری و پرورش فرزندان غافل بماند.

در اسلام مانعی نیست که زن بتواند در بیرون خانه، مسؤولیت هایی را بپذیرد و در درون خانه نیز به وظیفه ی همسرداری و مادری خویش با حفظ ارزش های اسلامی، جامه ی عمل بپوشاند. حضرت زهرا که بهترین الگوی

۱- بانوی اسلام، ص ۹۶.

زنان جهان است، با حفظ عفت و ارزش خویش، همواره در صحنه های حساس اجتماعی و سیاسی جامعه حاضر می شد و از حق و حقیقت پشتیبانی می کرد. باری، حضور زن در اجتماع و فعالیت هایی که با گناه، فساد و اختلاط با نامحرمان آمیخته است، ارزش زن به شمار نمی آید، بلکه خود یک ضدارزش است. حضرت زهرا علیهاالسلام فرموده است:

هیچ چیز برای زن بهتر از این نیست که نه مردان را ببیند و نه مردان، ایشان را ببینند.(۱)

۱۲ _ محبت؛ اساس زندگی

۱۲ _ محبت؛ اساس زندگی

مهر و محبت، شالوده ی زندگی است و بدون آن، هیچ یک از طرفین ذره ای از خوشبختی را درک نخواهند کرد، هرچند در مادیات، غوطه ور باشند. علی علیه السلام و زهرا علیهاالسلام آن چنان به یکدیگر محبت و عشق داشتند که نگاه با محبت و مهربان زهرا علیهاالسلام ، مرهم دل خسته ی علی علیه السلام بود. غم ها و غصه هایی که در راه پیشرفت اسلام در دل علی علیه السلام ریشه دوانده بود، با نگاه آرامش بخش زهرا علیهاالسلام از بین می رفت. علی علیه السلام می فرمود: «وقتی به خانه می آمدم و به زهرا علیهاالسلام نگاه می کردم، همه ی غم و غصه هایم زدوده می شد».(۲) اگر به غم و رنج های علی علیه السلام از رفتار مشرکان و مسلمانان منحرف و ایثار و فداکاری او برای پیشبرد دین بنگریم، به معنای ژرف این جمله پی خواهیم برد. این سخن از عشق و محبت الهی علی علیه السلام به زهرا

۱- کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۳.

۲- بانوی نمونه ی اسلام، ص ۱۰۳.

سرچشمه می گیرد و یک دنیا معنا در پس آن نهفته است.

گزافه نیست اگر بگوییم که فاطمه علیهاالسلام به دلیل فرمان برداری از علی علیه السلام و مهر و محبّت وصف ناپذیر به او، همه ی رنج ها را به تن خرید و شربت شهادت نوشید. فرمان برداری زهرا علیهاالسلام از علی علیه السلام با مهر و عشق به او آمیخته بود و این نکته حتی در حساس ترین صحنه ها به چشم می خورد. برای نمونه، هنگامی که علی علیه السلام را برای بیعت با ابوبکر به زور از خانه بیرون می بردند، «فاطمه علیهاالسلام با تن خسته و دل شکسته به دنبال علی علیه السلام بیرون رفت».(۱) هم چنین هنگامی که سلمان برای فاطمه علیهاالسلام خبر آورد که شوهرش، او را به شکیبایی و صبر می خواند، فرمود: «اکنون اطاعت می کنم و بر می گردم و شکیبایی در پیش می گیرم».(۲)

سخنان حضرت زهرا علیهاالسلام با علی علیه السلام هنگام رحلت و اشعار علی علیه السلام درباره ی فاطمه علیهاالسلام در زمان حیات زهرا علیهاالسلام و پس از آن، نشان دهنده ی عشق الهی حاکم بر قلب این دو زوج نمونه است. علی علیه السلام می فرمود:

و بنت محمد سُکُنی و عرسی

منوطٌ لحمها بدمی و لحمی(۳)

۱- ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۹۹.

۲- ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۱۰۰.

۳- الغدیر، ج ۱، ص ۲۵.

دختر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم موجب سکون دل و همسر و عروسم استو خون و گوشت او با خون و گوشت من آمیخته است.

بخش دوّم: برگزیده ی ادب فارسی

اشعار

اشاره

این بخش را با اشعاری منسوب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام آغاز می کنیم که برای همسر مهربان و فداکارش سروده است. از مفهوم این شعرها می توان از محبت و عشق ژرفناك این دو زوج آسمانی به یکدیگر آگاه شد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در شعری به همسرش حضرت زهرا علیهاالسلام افتخار می کند و چنین می سراید: (۱)

وَلی الفَخْرُ بفاطم و ابیها

ثمَّ فخری برسولِ الله إذ زوَّجنیها

من به فاطمه (که همسر است) و پدرش، افتخار می کنم

و مباهات می ورزم به رسول خدا، هنگامی که دخترش را به ازدواج من درآورد

۱- بهجه قلب المصطفی صلی الله علیه و آله وسلم، ص ۱۱۹.

امیرالمؤمنین علی علیه السـلام ، اوج علاقه ی خویش را به حضرت زهرا علیهاالسلام این گونه ابراز می دارد و از دوری و فراق یار، چنین می نالد: (۱)

او (فاطمه) دوستی است که دیگری نمی تواند جای او را بگیرد

و در قلب من، جز او برای کسی دیگر، جایی نیست

محبوبی که از چشم و جسم من پنهان گردیده است

اما محبوب من از قلب من، پنهان نخواهد شد

در این قسـمت به اشـعاری می پردازیم که در مراسم بردن عروس (حضـرت زهرا علیهاالسـلام) به خانه ی داماد (حضرت علی علیه السلام) خوانده شد: (۲)

عایشه می خواند:

ای زنان! خویشتن را در چادرها بپیچید

و آن چه را که در مجامع نیکواست، یاد کنید

راه روید با فاطمه که خدای تعالی، ذکر او را بلند فرمود

و وی را به لقب مطهّر طاهر تخصیص داد

حفصه می سرود:

فاطمه بهترین زنان بشر است

آن کسی که صورتی هم چون قرص ماه دارد

(ای فاطمه!) پروردگار به فضل خود، با آیه های سوره ی زمر

۱- دیوان امام علی علیه السلام ، ص ۹۰.

۲- فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد الی اللحد، صص ۱۶۸ _ ۱۷۰.

تو را بر همه ی جهانیان برتری داده است

خداوند، تو را به جوانی فاضل تزویج فرمود

یعنی علی علیه السلام بهترین کسی که موجود است

ای هم گامان من! با وی راه سپرید

آن خانم بزرگواری که دخترِ رسولِ بلندمرتبه است

معاذه، مادر سعد بن معاذ این گونه شعر می خواند:

سخنی گویم که در آن، آن چه باید باشد، هست

و خیر را بر زبان جاری می کنم و آشکارش می گردانم

محمد بهترین فرزندان آدم است

با این حال، نه بزرگ بینی دارد و نه بر خود می بالد

و ما با دختر پیامبر هدایت همراه هستیم

که شرافت در او گرد آمده است

در قلّه و ارتفاعی بلند مرتبه

که هیچ کس را شبیه و نزدیک او نمی بینم

شبی نورانی

آسمان، شبی را چنین عاشقانه صبح نکرده بود.

مدینه، دقایقی را این گونه شادمانه نزیست.

شبِ آغاز خوشبختی زمین بود.

شبِ بارش مداوم مهربانی بود.

شبِ دامن گسترانی عشق بود.

شبِ آراستگی زندگی بود.

صبح زیر پای مولود کعبه می رقصید.

باران برخاست.

هزار آیینه به تماشا برخاستند.

دنیا روشن تر از همیشه به شادی تکیه زد.

فرشتگان با آیینه و اسپند به استقبال بانوی آب آمدند.

شبِ پایکوبی کوچه های مدینه بود.

شبِ شادی خانه های یتیم.

شبِ آینه گردانی دست های عطوفت.

دریا، دریا نور، حجله ی آفتاب را پُر کرد.

فرشتگان بال گستردند. هلهله بود و هلهله بود و هلهله.

نسیم، کوچه های آسمان را با ستاره آذین بست.

لحظه ها از عطر حوریان بهشتی لبریز شد.

لحظه های صمیمی مبارکباد. لحظه های شادی و لبخند، چشم آسمان روشن!

مریم سقلاطونی

همتای بتول

جشن پیوند ولاست، مژده ی نور و صفاست

عرشیان را به طرب، نغمه ی شکر خداست

یثرب از شادی و نور شده چون باغ جنان

عطر گلخانه ی عرش می وزد بر دل و جان

آمده روح الامین، پیک حی ازلی

که خدا خوانده به عرش خطبه ی عقد علی علیه السلام

بهترین مرد وجود، سرّ اکمال عقول

شده از امر خدا، کفو و همتای بتول

نور اُم النّجبا با علی علیه السلام گشته قرین

وصلت کوثر و مهر، گنج دو گوهر دین (۱)

جعفر رسول زاده

جشن گل

پیام شادی دهد منادی

ملک بخواند سرور شادی

که بسته شد عقد فاطمه، شدی تو داماد مصطفی، مبارک این جشن با صفا

لب محمّد به خنده وا شد

بهشت جانش چه باصفا شد

که بسته شد عقد فاطمه، به شوق و شادی، فرشته خواند سرود شادی

۱- سروش ولایت، ص ۱۰۲.

ز آسمان، حوریان جنت

رسیده اند از برای خدمت

که بسته شد عقد فاطمه، به دست شان دسته های گل، به درگه خاتم رسل

مِی ولایت به جام دل ها

رسیده از ساقی تولّا

که بسته شد عقد فاطمه، گل محبت جوانه زد، فرشته ی دل ترانه زد

بهار زهرا شکوفه داده

به بیت مولا قدم نهاده (۱)

که بسته شد عقد فاطمه، که فاطمه همسر علی است، امید و هم سنگر علی است

محمد نعیمی

متن ادبی

فاطمه، فاطمه است

فاطمه، فاطمه است (۲)

فاطمه با علی علیه السلام بزرگ شده است، او را پروانه ای عاشق بر گرد پدر خویش می بیند. تقدیر سرنوشت، این دو را از کودکی به گونه ای خاص به هم گره زده است. هیچ یک با جاهلیت پیوندی نداشته اند. فاطمه چه احساسی نسبت به علی داشت؟ علی علیه السلام چه تصویری از فاطمه بر دیواره ی قلب بزرگ و شجاعت و پر از عاطفه اش آویخته است؟ ممکن است تصور بتواند، امّا کلمات از بیانش عاجزند. چگونه می توان احساس پیچیده ای را

۱- سروش ولایت، ص ۱۰۴.

۲- برگرفته از: «فاطمه، فاطمه است»، علی شریعتی، ص ۱۱۸.

که از ایمان، عشق، حرمت، ستایش، اشتراک در عقیده، خویشاوندی دو روح، شرکت در تحمل رنج ها و سختی های سرنوشت و بالاخره هم سفر بودن، گام به گام، لحظه به لحظه، در طول راه حیات و برخوردار بودن از یک سرچشمه ی محبت و الهام و ایمان ترکیب شده است، وصف کرد؟

علی علیه السلام را می بینیم که نزد پیغمبر آمده است، کنارش نشسته است و سر به زیر افکنده، با سکوت و شرم زیبای خویش، با وی سخن می گوید.

پیغمبر بی درنگ: مرحبا و اهلاً! چه کار داری پسر ابی طالب؟ با آهنگی که از شرم نرم و آرام شده بود، نام فاطمه دختر رسول خدا را می برد.

پیغمبر دستور داد تا زره را در بازار بفروشد و با بهای آن، زندگی جدید را بنا کند. عثمان، زره را به ۴۷ درهم خرید. پیغمبر، اصحابش را فرا خواند و در جلسه ی عقد، خطبه خواند: «فاطمه دختر پیغمبر بر ۴۰۰ مثقال نقره طبق سنت قائمه و فریضه ی واجبه...». پس آنان را به ذریّه ی صالح دعا کرد. آن گاه ظرف های خرما را آوردند و این جشن عروسی بود. پیغمبر، ام سلّمه را خواست تا عروس را تا خانه ی علی علیه السلام همراهی کند. سپس بلال، اذان عشا را گفت و پیغمبر پس از نماز به خانه ی علی علیه السلام رفت. ظرفی آب خواست و در حالی که آیاتی از قرآن می خواند، دستور داد عروس و داماد از آن بنوشند و سپس خود به آن، وضو گرفت و بر سر همه پاشید.

اکنون این ودیعه ی محمّد، فصل دوم زندگی اش را آغاز می کند. فاطمه دستاس می کند، نان می پزد و در خانه کار می کند. بارها او را دیده اند که از بیرون آب می آورد و علی علیه السلام که جلال و عظمت فاطمه را می شناسد و گذشته از آن، او را به چندین مهر دوست می دارد و می داند که سختی های

زنـدگی و آزارهایی که از کودکی دیـده است، او را ضـعیف ساخته است. از این همه سـختی و کاری که وی بر خود روا می دارد، رنج می برد.

سال سوم هجرت، یک سال و انـدی پس از ازدواج، حسن آمـد. مـدینه، پایان انتظار پیامبر خویش را جشن گرفت و پیغمبر که برای نخستین بار در این ۱۶ سال سختی که هرچه شنیده بود، آزار بود و کینه و زشتی و خیانت و خبر شکنجه ی یاران و مرگ عزیزانش، اکنون با مژده ی حسن، طعم شـیرین زندگی را می چشد و روح خسته اش نوازش می شود. یک سال می گذرد که حسـین می رسد. اکنون پیغمبر، دو پسـر یافته است. ادامه ی نسل پیامبر صـلی الله علیه و آله وسـلمی بایست در انحصار فاطمه باشد و علی علیه السـلام نیز. او نمی بایست در سلسله ای که از محمّد آغاز می شود، بر کنار ماند؛ مگر نه در معنی علی تداوم محمد است و در روح وارث وی؟ و اکنون حسن علیه السـلام و حسین علیه السلام . آه! که محمّد با این دو طفل محبوبش چه می کند؟ اکنون این دو طفل، تمام زندگی محمّد شده اند و تمام لحظاتی را که در اختیار دارد، به آنان مشغول است.

در میـان همه ی جلوه هـای خیره کننـده ی روح بزرگ فـاطمه آن چه بیش از همه برای من شـگفت انگیز است، این است که فاطمه هم سـفر و هم گام و هم پرواز روح عظیم علی است. او در کنار علی علیه السـلام تنها یک همسر نبود. علی علیه السلام در او به دیده ی یک دوست، یک آشنای دردها و آرمان های بزرگش می نگریست و انیس خلوت بی کرانه و اسرار آفرینش و هم دم تنهایی هایش.

بخش سوّم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش سوّم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

پیشنهادهای کلی

پیشنهادهای برنامه ای

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مردمی

پرسش های کارشناسی

معرفی کارشناسان

پیشنهادهای کلی

اشاره

پیشنهادهای کلی

امر ازدواج با غرایز و فطرت آدمی موافق است. بنابراین، عملی شدن آن به مؤونه ای نیاز ندارد. مهم این است که:

۱. موانع فراروی آن برداشته شود؛

۲. این امر به شکل صحیح و به دور از انحراف انجام پذیرد.

رسانه ی صدا و سیما با توجه به گستره ی تأثیرگذاری اش بر قشرهای گوناگون مردم می تواند در این راستا، راه گشا باشد. این رسانه ی همگانی با بزرگ نمایی نقاط مثبت و نشان دادن ناهنجاری های برخاسته از ترک ازدواج، می تواند در ایجاد فرهنگ صحیح این سنّت اسلامی، سهم به سزایی داشته باشد. از این رو، برای رسیدن به این هدف های اساسی، موارد زیر

یادآوری می شود:

۱. فرهنگ سازی

مهم ترین مسأله در گسترش امر ازدواج جوانان، آماده سازی بستر جامعه برای کشاندن نسل جوان به سوی ازدواج است. پیش تر اشاره شد که فرهنگ کنونی جامعه ی ما، با وجود غنایی که دارد، در امر ازدواج با توهم ها و گاه افراط و تفریط هایی رو به رو است. بنابراین، با جای گزینی فرهنگ ناب اسلامی به جای فرهنگ رایج، می توان این کاستی را جبران کرد.

یکی از راه کارهای گسترش فرهنگ اسلامی ازدواج، بسترسازی فرهنگ روایی و حدیثی در این زمینه است. راه کار دیگر، الگوسازی مناسب است؛ ارایه ی الگوهای موفق، مانند ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و خدیجه ی کبری علیهاالسلام ، هم چنین سیره ی ازدواج امام علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیهاالسلام و نیز ازدواج عالمان بزرگ اسلامی می توانـد در رواج فرهنگ اسلامی ازدواج بسیار مناسب باشد.

۲. پرهیز از اشاعه ی فرهنگ نادرست

صدا و سیما پیش از آن که فرهنگ صحیح را در جامعه رواج دهد، باید از اشاعه ی فرهنگ نادرست جلوگیری کند؛ زیرا این فرهنگ نادرست، نه تنها مانع اثرگذاری فرهنگ صحیح اسلامی می شود، بلکه خود در رواج خرافات و توهم ها و تأخیر در ازدواج، نقش خواهد داشت.

ترویج رابطه ی آزاد دختر و پسر و ساختن الگوهایی قهرمانانه از دوستی های خیابانی و عشق های کوچه ای، پروراندن حساسیت های دروغین در پسران و دختران، بزرگ نمایی شکست های برخی افراد در زندگی

زنـاشویی، نـاممکن دانسـتن رفع مشـکلات اقتصـادی ازدواج، ایجاد حس تجمل پرستی و احترام به سـرمایه در جوانان، نادیـده گرفتن ارزش های اسـلامی در امر ازدواج و ... از آفت هایی است که شایسته است صدا و سیما با سرمایه گذاری بیشتری برای رفع آن ها، از هم سویی ناخواسته با این آسیب ها بپرهیزد.

۳ _ هدف، کسب در آمد نباشد

با بررسی فیلم های پخش شده در سیما، به این نتیجه می رسیم که ازدواج به عنوان وسیله ای برای کسب درآمد تبلیغ می شود و به موضوعی برای جلب بیننـده ی بیشتر، تبـدیل شده است. کم تر فیلمی می توان یافت که ازدواج موضوع اصـلی آن نباشد، ولی هیـچ گاه به مسایل اساسـی آن توجه نشـده است، بلکه گاه فرهنگ عرفی کم کم به صورت هنجاردرآمـده است. این امر سبب شـده است تا مسایل ازدواج هم چنان مشـکل آفرین باشد و گرهی از آن گشوده نشود. شایسـته است به طور اساسـی در لابه لای فیلم ها و سریال ها به امر ازدواج پرداخته شود و زوایا و تنگناهای آن بررسی گردد.

۴ _ بیان زیان های ترک ازدواج

صدا و سیما می تواند با بیان زیان های روحی و جسمی روابط نامشروع و بالا رفتن سن ازدواج یا تأخیر در امر ازدواج، جوانان را به ازدواج ترغیب کنـد؛ زیرا روابط ناسالم افزون بر به بار آوردن آثار زیان بار روحی سـبب دچار شـدن به بیماری هایی هم چون: ایدز، و سفلیس می گردد که بعضی از آن ها خطرناک و مرگ بار هستند.

۵ _ بیان موانع ازدواج

همـان گونه که پیش تر گفتیم، مهریه هـای سـنگین و هزینه های بالای ازدواج از جمله موانع ازدواج است، به گونه ای که این امر شـیرین زنـدگی را به کام زوجین تلـخ می کنـد. توجه صـدا و سـیما به این امر و نشان دادن زشتی های آن، بسـیار شایسـته است.

۶ ـ توجه به طلاق و عوامل آن

آمارهـای موجود، نشـانگر سـیر صـعودی میزان طلاق و سـیر نزولی ازدواج است. پی آمـدهای این امر بسـیار خطرناک است و جامعه را با انواع ناهنجاری ها رو به رو می کنـد. یافتن علّت ها و زمینه های آن و نمایش پی آمـدهای آن در دو چندان کردن همت و انگیزه ی مسؤولان برای حل این معضل وبیداری مردم بسیار تأثیرگذارخواهد بود.

پیشنهادهای برنامه ای

پیشنهادهای برنامه ای

۱ ـ برای فرهنـگ سازی صـحیح ازدواج در جامعه، بایـد الگوهای مناسب و نمونه را به نمایش درآورد. مثلاً می توان ازدواج پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم با خدیجه کبری علیهاالسلام یا ازدواج امام علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیهاالسلام را به شـکلی منـاسب به نمایش درآورد. هم چنین ازدواج بسـیاری از عالمان و فرهیختگان، از جمله ازدواج دختر علامه مجلسـی، ازدواج دختر مرحوم کاشف الغطا و ... برای الگوسازی مناسب اند.

۲ ـ در راسـتای ترویج الگوی نمونه در امر ازدواج، می توان با به نمایش درآوردن ازدواج های ساده ی مردمی و گفت و گو بـا زوج هـای جوان و پرسـش دربـاره ی چگونگی جهیزیه، مهریه، راه های آشـنایی و معیارهای گزینش، فرهنگ ازدواج های مناسب و ساده را گسترش داد.

۳ _ می توان مسابقـاتی ترتیب داد که شـرکت کننـدگان آن، زوج های جوان با مهریه کم یا معمولی باشـند. این روش، نوعی تبلیغ ازدواج های آسان است.

۴ _ از پخش فیلم هـا و سـریال هـایی که عروس و مادر شوهر با یکـدیگر درگیری و ناسازگاری دارنـد، بایـد جلوگیری شود؛ زیرا توقع زوج های جوان را بالا می برد و امر ازدواج را سخت تر می کند.

۵ _ پخش فیلم هـای مسـتند و گزارش دربـاره ی زیـان های روابط مشـروع و گفت و گو با کارشـناسان و پزشـکان درباره ی بیماری های ناشی از آن در روی آوردن نسل جوان به سوی فرهنگ سالم زندگی، نقش آفرین خواهدبود.

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱ _ ازدواج امیرمؤمنان علیه السلام و فاطمه زهرا علیهاالسلام در چه روزی بود؟ اول ذیحجه سال دوم هجری.

۲ _ در اسلام، نخستین شرط برای انتخاب همسر چیست؟ ایمان

۳ _ رفتار حضرت زهرا علیهاالسلام در پاسخ به خواستگاری حضرت علی علیه السلام چه بود؟ سکوت به همراه رضایت

۴ _ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چه چیزی را به عنوان مهر از حضرت علی علیه السلام پذیرفت؟ سپر

۵ _ خطبه ی عقد حضرت علی علیه السلام در کجا خوانده شد؟ مسجد مدینه

۶ _ این سـخن از کیست: «اگر علی علیه السـلام نبود، برای فاطمه علیهاالسـلام همتایی یافت نمی شد»؟ پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله وسلم

۷ _ کدام رقم درباره ی مقدار مهریه ی حضرت زهرا علیهاالسلام درست تر است؟ ۵۰۰ درهم

۸ _ عروسی علی علیه السلام پس از کدام غزوه رخ داد؟ بدر

۹ _ حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیهاالسلام هنگام ازدواج، چندسال سن داشتند؟ ۲۵ و ۹ سال

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱ _ چه کسانی را بهترین الگوی ازدواج در اسلام می دانید؟

۲ _ آیا شما ازدواج کردید؟ چرا تا کنون اقدام نکرده اید؟

۳ _ آیا در ازدواج تان الگویی را نیز در نظر داشتید یا خیر؟

۴ _ شما در انتخاب همسرتان چه ملاک هایی را در نظر گرفتید؟

۵ _ تا چه اندازه درباره ی داستان ازدواج امیرالمؤمنین علی علیه السلام و حضرت زهرا علیهاالسلام آگاهی دارید؟

۶ _ از ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیهاالسلام چه درس هایی می توان آموخت؟

۷ _ شناخت دختر و پسر از یکدیگر در ازدواج، چه تأثیری دارد؟

۸ _ مناسب ترین سن برای ازدواج چیست؟

۹ _ آیا پرهزینه بودن مراسم عروسی در خوشبختی عروس و داماد، تأثیری دارد؟

۱۰ _ مسایل مادی در ازدواج بیشتر تأثیر دارد یا ایمان و تقوا؟

۱۱ _ مهم ترین وظیفه ی همسران نسبت به یکدیگر چیست؟

۱۲ _ آداب و رسومی که در جامعه ی کنونی ما در زمینه ی ازدواج وجود

دارد، پی آمدهای مثبت دارد یا منفی؟

۱۳ ـ مهم ترین ویژگی ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیهاالسلام را در چه چیزی می دانید؟

۱۴ ـ آیا درباره ی همکاری حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیهاالسلام در امور خانه، چیزی می دانید؟

۱۵ ـ آیا درباره ی مقدار مهریه و جهیزیه ی حضرت زهرا علیهاالسلام چیزی می دانید؟

۱۶ ـ چگونه می توان جوانان را به ازدواج تشویق کرد؟

۱۷ ـ چرا امروزه جوانان کمتر در پی تشکیل خانواده هستند؟

۱۸ ـ پایه و اساس تشکیل خانواده چیست؟

۱۹ ـ مهم ترین هدف از ازدواج چیست؟

۲۰ ـ مهم ترین پی آمد ازدواج چیست؟

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱ ـ درباره ی خواستگاری حضرت علی علیه السلام از حضرت زهرا علیهاالسلام توضیح دهید؟

۲ ـ درباره ی کیفیت و کمیت مهریه و جهیزیه ی حضرت زهرا علیهاالسلام توضیح دهید؟

۳ ـ درباره ی سن و سال ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیهاالسلام توضیح دهید؟

۴ ـ رفتار اخلاقی علی علیه السلام و زهرا علیهاالسلام پس از ازدواج با یکدیگر چگونه بود؟

۵ ـ درس هایی که از این ازدواج مبارک می آموزیم، چیست؟

۶ ـ چگونه می توان الگوی ازدواج علی علیه السلام و زهرا علیهاالسلام را در جامعه گسترش داد؟

۷ ـ درباره ی همتایی حضرت علی علیه السلام با حضرت زهرا علیهاالسلام توضیح دهید؟

۸ ـ مهم ترین ویژگی دیدگاه اسلام درباره ی ازدواج چیست و با دیدگاه های غیر اسلامی چه تفاوتی دارد؟

۹ ـ در قرآن مجید، آیاتی درباره ی ازدواج و احکام آن آمده است. در این باره توضیح دهید؟

۱۰ ـ با توجه به آیات و روایات، مهم ترین ملاک همسرگزینی در اسلام چیست؟

۱۱ ـ مهم ترین وظایف همسران نسبت به یکدیگر را بیان کنید؟

۱۲ ـ چرا در جامعه ی ما، آمار ازدواج سیر نزولی دارد؟

۱۳ ـ راه کارهای گسترش ازدواج در جامعه ی ما چیست؟

۱۴ ـ چگونه می توان فرهنگ ازدواج را به یک فرهنگ ناب اسلامی تبدیل کرد؟

۱۵ ـ اشتغال و موانع اقتصادی در ازدواج نکردن جوانان چه اندازه تأثیر دارد؟ چگونه می توان این موانع را کاهش داد؟

۱۶ ـ رسانه های گروهی به ویژه صدا و سیما چگونه می توانند در گسترش ازدواج تأثیر گذار باشند؟

معرفی کارشناسان

معرفی کارشناسان

۱ _ آیت اللّه دکتر احمد بهشتی؛ استاد حوزه و دانشگاه.

۲ _ آیت اللّه امینی؛ نایب رییس خبرگان رهبری و امام جمعه ی موقت شهر مقدّس قم.

۳ _ آیت اللّه حسین مظاهری؛ سرپرست حوزه ی علمیه ی اصفهان.

۴ _ حجت الاسلام و المسلمین حسین انصاریان؛ استاد حوزه ی علمیه و نویسنده ی کتاب نظام خانواده در اسلام.

۵ _ حجت الاسلام سیداحمد خاتمی؛ استاد حوزه ی علمیه ی قم.

۶ _ حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی؛ نماینده ی ولی فقیه در نهضت سوادآموزی.

۷ _ دکتر سیّدمصطفی محقق داماد؛ استاد حقوق دانشگاه تهران و نویسنده ی کتاب حقوق خانواده.

۸ _ دکتر علی قائمی؛ استاد دانشگاه و نویسنده.

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن مجید، بر گردان: الهی قمشه ای.

۱ _ آلوسی، سیدمحمود؛ بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب، مکتب محمد الطیب، چاپ سوم.

۲ _ ابراهیمی، رحمت الله؛ جمال و کمال زن، سپهر، چاپ اول، ۱۳۷۸ه.ش.

۳ _ ابطحی، سیدمصطفی؛ ازدواج در آستانه ی اسلام و علم،کتاب فروشی جعفری.

۴ _ ابن واقد، محمدبن عمر؛ مغازی، تحقیق: دکتر جونس، دانش اسلامی، ۱۴۰۵ ه.ق.

۵ _ ابی الحسین ورّام، امیر زاهد؛ مجموعه ی ورام، قم، مکتب الفقیه.

۶ _ اربلی، علی بن عیسی؛ کشف الغمه، تعلیق: هاشم رسولی، تبریز.

۷ _ اسن، گریستن؛ ایران در زمان ساسانیان، بر گردان: رشید یاسمی، دنیای کتاب، چاپ ششم، ۱۳۶۸ ه.ش.

۸ _ امینی، ابراهیم؛ بانوی نمونه ی اسلام، قم، مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی، چاپ سوم.

۹ _ امینی، محمدحسین؛ الغدیر، دار الکتاب عربی، ۱۴۰۳ ه.ق.

۱۰ ــ انصاریان، حسین؛ نظام خانواده در اسلام، قم، ام ابیها، چاپ نهضت، چاپ هفتم، ۱۳۷۷ ه.ش.

۱۱ ــ بنت شاطی؛ موسوعه آل نبی، بیروت، دارالکتاب عربی، ۱۳۸۷ ه.ق.

۱۲ ــ حافظ طبری؛ ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، لبنان، دارالمعرفه، ۱۹۷۴ م.

۱۳ ــ حجازی، قدسیه؛ ازدواج در اسلام، نشریه ی جمعیت هدایت افکار زن، چاپ خانه ی حیدری، ۱۳۴۵ ه.ش.

۱۴ ــ حر عاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعه، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی،مکتب اسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۰۳ ه.ق.

۱۵ ــ دورانت، ویل و آریل؛ تاریخ تمدن، برگردان: گروهی از اساتید به سرپرستی دکتر محمود مصاحب، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ افست، چاپ دوم، ۱۳۶۷ ه. ش.

۱۶ ــ دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه ی دهخدا، زیر نظر: دکترمحمد معین، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ ه.ش.

۱۷ ــ دیوان منسوب به امام علی علیه السلام ، برگردان: مصطفی زمانی، پیام اسلام، ۱۳۶۲ ه.ش.

۱۸ ــ رحمانی همدانی، احمد؛ فاطمه الزهرا علیهاالسلام بهجه قلب المصطفی صلی الله علیه و آله وسلم، بدر، چاپ افست، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه.ق.

۱۹ ــ رسول زاده، جعفر؛ سروش ولایت، قم، رواق اندیشه، چاپ خانه ی دانش، ۱۳۷۵ ه.ش.

۲۰ ـ شریعتی، علی؛ فاطمه فاطمه است، حسینیه ی ارشاد.

۲۱ ـ طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، برگردان: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، کانون انتشارات محمدی، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ه.ش.

۲۲ ـ عبده یمانی، محمد؛ فاطمه الزهرا علیهاالسلام ، برگردان: محمدتقی رهبر، نشر مشعر، چاپ الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ه.ش.

۲۳ ـ قزوینی، سیدمحمدکاظم؛ علی علیه السلام من المهد الی اللحد، بیروت، دارالصادق، چاپ هشتم، ۱۴۰۰ ه . ق.

۲۴ ـ قزوینی، سیدمحمدکاظم؛ فاطمه الزهرا علیهاالسلام من المهد اللی اللحد، برگردان: فریدونی، نشر آفاق، چاپ اول.

۲۵ ـ قمی، شیخ عباس؛ بیت الاحزان فی ذکر احوالات سیده نساء العالمین، قم، چاپ خانه ی سیدالشهداء، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه.ق.

۲۶ ـ لسان الملک سپهر، محمدتقی؛ ناسخ التواریخ، قم، مؤسسه ی مطبوعاتی دینی، چاپ اسلامیه، ۱۳۳۸ ه.ش.

۲۷ ـ مجلسی، محمدتقی؛ بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه.ق.

۲۸ ـ محقق داماد، سیدمصطفی؛ بررسی فقهی حقوق خانواده، نشر علوم اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ه. ش.

۲۹ ـ مشکینی، علی؛ ازدواج در اسلام، برگردان: احمد جنتی، قم، مهر.

۳۰ ـ مشیرالدوله، حسن پیرنیا؛ ایران باستان، دنیای کتاب، چاپ دوم، ۱۳۶۲

ه.ش.

۳۱ _ مطهری، مرتضی؛ اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، انتشارات اسلامی، چاپ شرکت افست.

۳۲ _ مظاهری، حسین؛ اخلاق در خانواده، قم، سپهر، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ ه.ش.

۳۳ _ معزی ملایری، حاج شیخ اسماعیل؛ جامع احادیث الشیعه، تحت اشراف: آیت اللّه العظمی بروجردی، قم، مهر، ۱۳۷۱ ه.ق.

۳۴ _ مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، دارالکتاب اسلامیه، چاپ خانه ی مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام ، چاپ ششم، ۱۳۶۸ ه.ش.

۳۵ _ ______________، زندگانی فاطمه الزهرا علیهاالسلام ، مشهد، محبان الفاطمه، چاپ شفق، چاپ اول، ۱۳۶۶ ه . ش.

۳۶ _ منتسکیو؛ روح القوانین، برگردان: علی اکبر مهتدی، امیر کبیر، چاپ هشتم، ۱۳۶۲ ه.ش.

۳۷ _ نجفی، شیخ محمدحسن؛ جواهرالکلام، تحقیق: محمود قوچانی، مکتب اسلامیه.

۳۸ _ هیوم، رابرت؛ ادیان زنده ی جهان، برگردان: عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ه.ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹